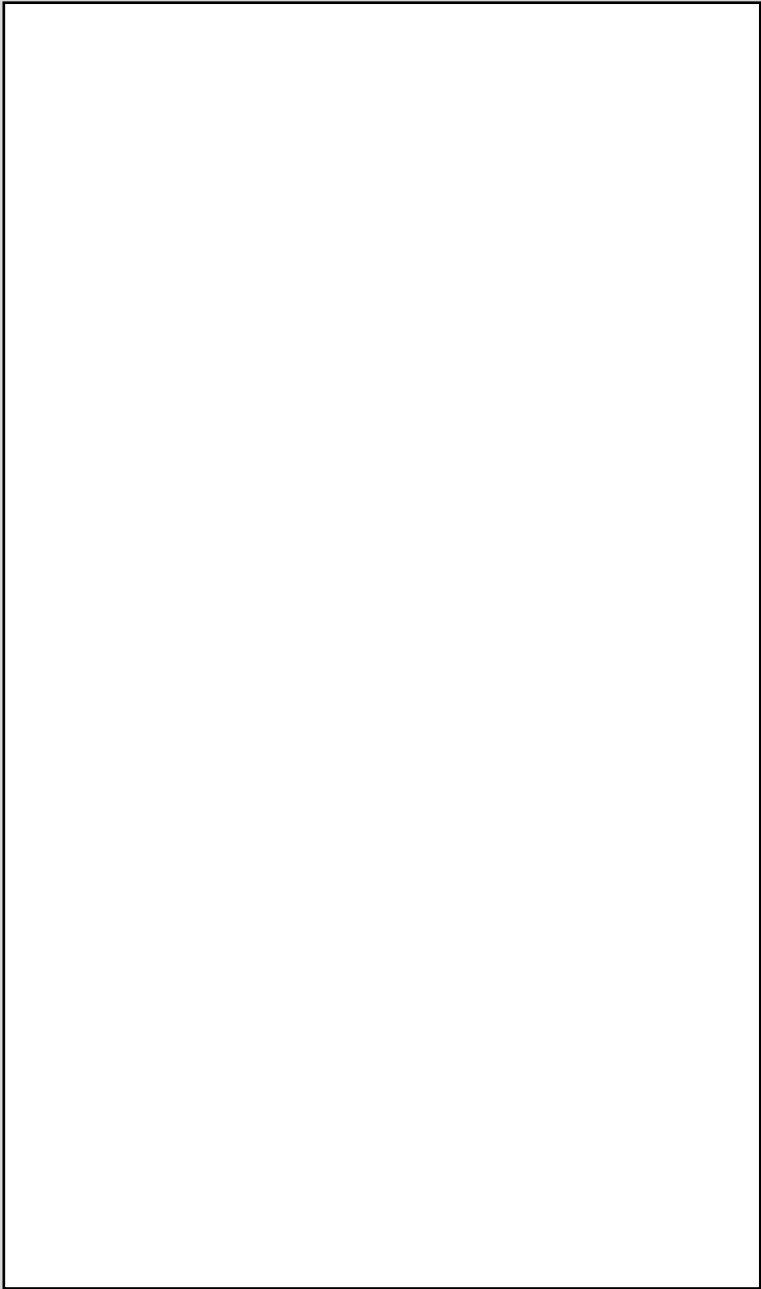


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



ره‌توشه راهیان نور
متون علمی - آموزشی مبلغان

محرم ۱۴۳۷ ه.ق - ۱۳۹۴ ه.ش

ویژه خوهران

تهیه و تدوین:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

معاونت فرهنگی و تبلیغی

گروه تأمین منابع

عنوان و نام پدیدآور: ره‌توشه راهیان نور: متون علمی - آموزشی مبلغان محرم‌الحرام ۱۴۳۷ هـ ق - ۱۳۹۴ هـ ش ویژه خواهران / تهیه و تدوین دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت فرهنگی و تبلیغی، گروه تأمین منابع؛ نویسندگان گروهی از پژوهشگران. مشخصات نشر: قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۴. مشخصات ظاهری: ۲۰۴ص. شابک: ۱- ۱۷۰۹ - ۰۹ - ۹۶۴ - ۹۷۸ وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا. یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس. موضوع: زنان در اسلام. موضوع: زنان مسلمان در رشد اجتماعی. موضوع: واقعه کربلا، ۶۱ق - - زنان. موضوع: زنان - - تأثیر. موضوع: زنان - - راه و رسم زندگی. موضوع: زنان - - روابط خانوادگی. شناسه افزوده: حوزه علمیه قم. دفتر تبلیغات اسلامی. معاونت فرهنگی و تبلیغی. شناسه افزوده: حوزه علمیه قم. دفتر تبلیغات اسلامی. بوستان کتاب قم. رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ / ۱۷۲ / BP۲۳۰ رده‌بندی دیویی: ۴۸۳۱ / ۲۹۷ شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۹۶۲۷۶۳

ره‌توشه راهیان نور (ویژه خواهران)

متون علمی - آموزشی مبلغان

ویژه محرم ۱۴۳۷ هـ ق - ۱۳۹۴ هـ ش

- تهیه و تدوین: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت فرهنگی و تبلیغی
- نویسندگان: گروهی از پژوهشگران
- ناشر: مؤسسه بوستان کتاب
- نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۴
- شمارگان: ۲۵۰۰
- قیمت: ۸۰۰۰ تومان
- چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

گروه تأمین منابع: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۰۳۹۷ پست الکترونیکی: tabligh@dte.ir

با قدردانی از همکارانی که در تولید و نشر این اثر نقش داشته‌اند:

- ویراستار: علی‌خانی و علیرضا حضرتی ● صفحه‌آرا: اکبر اسماعیل‌پور
- طراح گرافیک: سیدعلی حسینی ● کارشناس تحریریه: علی‌رضا انصاری
- مسئول چاپ و نشر: سیدحسین موسوی معراج ● کارشناس بازاریابی: محمود نوراللهی.

تمام حقوق این اثر، برای معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی محفوظ است.

فهرست مطالب

سخن نخست	۱۳
ازدواج و تشکیل خانواده از نگاه قرآن / آیت‌الله محمد مهدی آصفی	۱۵
مقدمه	۱۵
الف. ازدواج از جهت تکوینی	۱۶
اطمینان و آرامش	۱۶
جاهلیت پیشین	۱۸
جاهلیت مدرن	۱۸
نظریه مالتوس	۲۰
خطر، نسل آینده را تهدید می‌کند	۲۰
ب. ازدواج از جهت وظیفه	۲۱
۱. نگهداری خانواده	۲۳
۲. شاغل بودن زن	۲۴
۳. فروپاشی خانواده	۲۶
۴. خطر در کمین نسل جوان	۲۷
ج. ازدواج از جهت ارزش	۲۸
ارزش زن در اجتماع	۳۰
توجه به زن در چارچوب خانواده	۳۱

نقش تجملات در کاهش ازدواج جوانان / سیده مریم طباطبایی ندوشن	۳۵
مقدمه	۳۵
تعریف تجمل گرایی و تأثیر آن بر ازدواج	۳۶
علل گرایش به تجملات	۳۹
الف) تغییر ارزش های جامعه	۳۹
ب) تأثیر تجمل طلبی والدین بر فرزندان	۴۰
ج) احساس حقارت	۴۱
د) چشم و هم چشمی	۴۱
ه) فراموشی هدف	۴۲
پی آمدهای تجمل گرایی	۴۲
الف) پی آمدهای کلی	۴۲
ب) پی آمدهای تجمل گرایی در ازدواج	۴۳
۱. کاهش آمار ازدواج و افزایش ناهنجاری ها	۴۳
۲. بالارفتن سن ازدواج	۴۴
۳. سطحی شدن معیارهای ازدواج	۴۵
راه کارهای غلبه بر تجمل گرایی	۴۶
الف) معیارهای تجمل گرایی را بشناسیم	۴۶
۱. انگیزه و نیت	۴۶
۲. رعایت توانایی شخصی	۴۶
۳. رعایت عرف جامعه	۴۷
۴. رعایت اخلاق اجتماعی	۴۷
۵. میانه روی	۴۸
ب) در امور مادی خود را با فرودستان مقایسه کنیم	۴۹
ج) به آسیب های دنیوی و اُخروی تجمل گرایی توجه کنیم	۴۹
د) معاشرت ها را مدیریت کنیم	۵۰
ه) بینش خود را تغییر دهیم	۵۰

نقش زن در موفقیت شوهر / سیده طاهره موسوی.....	۵۱
مقدمه	۵۱
۱. انتظارات منطقی	۵۲
۲. خلاقیت	۵۳
الف) خانه‌داری و ایده‌هایی نوین.....	۵۴
ب) خلاقیت در حل مشکلات مادی	۵۵
ج) تعاملات اجتماعی	۵۶
۳. محبت	۵۷
۴. صبر	۵۸
۵. مدیریت خانواده	۶۱
۶. قناعت	۶۲
۷. برقراری آرامش	۶۴
زن و حفظ اسرار خانواده / عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی.....	۶۷
مقدمه	۶۷
رازداری و تحکیم بنیان خانواده	۶۹
نقش زن در حفظ اسرار	۷۱
رازداری حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small>	۷۲
پی‌آمدهای افشای راز	۷۳
الف) غضب خدا	۷۳
ب) شیوع سریع اسرار	۷۴
ج) سلب اعتماد دیگران	۷۵
د) خیانت در امانت	۷۵
هـ) تحقیر در جامعه	۷۷
و) تزلزل بنیان خانواده	۷۷
ز) ورود اغیار در حریم خصوصی	۷۹

۷۹.....	مرز افشاگری خوب و بد
۸۰.....	عوامل و زمینه‌های افشای راز
۸۰.....	عصبانیت از عوامل افشای راز
۸۱.....	راه‌های درمان
۸۳	عوامل و قلمرو دخالت والدین در زندگی عروس و داماد / مرضیه محمدخانی
۸۳.....	مقدمه
۸۳.....	نقش پدر و مادر در تحکیم بنیاد زناشویی
۸۶.....	عوامل و زمینه‌های دخالت والدین در زندگی عروس و داماد
۸۶.....	۱. وابستگی عاطفی
۸۷.....	۲. نداشتن مهارت ابراز وجود
۸۸.....	۳. کمک‌های اقتصادی
۸۸.....	۴. تفاوت فرهنگی
۸۹.....	الف) تفاوت فرهنگی در خانواده‌های همسران
۹۰.....	ب) آسیب میان همسران
۹۱.....	۵. انتقال تجربه
۹۱.....	شیوه دخالت والدین
۹۱.....	۱. مشاوره و راهنمایی
۹۴.....	۲. داوری
۹۵.....	شرایط و وظایف داوران در حل اختلاف زن و شوهر
۹۶.....	۳. امر به معروف و نهی از منکر
۹۸.....	توصیه به والدین
۱۰۱	عوامل ناسازگاری دختران با والدین / محمد سبحانی‌نیا
۱۰۱.....	مقدمه
۱۰۲.....	علل و انگیزه‌های ناسازگاری دختران
۱۰۲.....	۱. علل زیستی

۱۰۳ ۲. علل اجتماعی
۱۰۴ مؤلفه‌های فاصله نسل‌ها
۱۰۴ ۱. کاهش ارتباط کلامی
۱۰۴ ۲. اختلال در فرآیند همانندسازی
۱۰۴ ۳. بی‌تعهدی به فرهنگ خودی
۱۰۵ ۴. نداشتن درک متقابل دو نسل از یکدیگر
۱۰۵ ۵. نابردباری والدین
۱۰۵ ۳. علل روانی
۱۰۶ ۴. علل تربیتی
۱۰۸ راه‌های مقابله با ناسازگاری دختران
۱۰۸ ۱. کاهش فاصله نسلی
۱۰۸ ۲. پذیرش تفاوت دو نسل
۱۰۹ ۳. درک دختر جوان
۱۱۰ ۴. گوش دادن به حرف دختر
۱۱۱ ۵. حرف زدن با دختر
۱۱۲ ۶. ورود والدین به دنیای جدید دختران
۱۱۲ ۷. دوست شدن با فرزند
۱۱۳ ۸. احترام به دختر
۱۱۴ ۹. همدلی
۱۱۵ ۱۰. جلب اعتماد دختر
۱۱۵ ۱۱. پرهیز از نصیحت مستقیم
۱۱۶ ۱۲. گذشت از لغزش‌های دختران
۱۱۶ سخنی با دختران جوان
۱۲۱ پاداش تحمّل و مدارا / مهدی ناجی عظیمی
۱۲۱ مقدمه
۱۲۱ تعریف مفهوم تحمّل

۱۲۳ اهمیت و ضرورت تحمّل و مدارا
۱۲۴ عرصه تحمّل
۱۲۴ ۱. عرصه فردی
۱۲۴ ۱. تحمّل در برابر گناه
۱۲۵ ۲. تحمّل در اطاعت و عبادت
۱۲۵ ۳. تحمّل در برابر مصائب و مشکلات
۱۲۸ راه‌کارهای ایجاد تحمّل فردی
۱۲۹ ۲. عرصه خانوادگی
۱۳۱ آثار تحمّل در خانواده
۱۳۱ راه‌کارهای ایجاد تحمّل
۱۳۳ ۳. عرصه اجتماعی
۱۳۴ آثار تحمّل
۱۳۷ آسیب‌شناسی آرایش‌های زنان / معصومه محمدی سیف
۱۳۷ مقدمه
۱۳۸ جایگاه زیبایی و آرایش در اسلام
۱۳۹ عوامل مؤثر بر استفاده زنان از لوازم آرایش
۱۴۰ عوامل خانوادگی
۱۴۰ ۱. فرهنگ حاکم بر خانواده (بی‌توجهی والدین)
۱۴۲ ۲. نگاه تحقیرآمیز خانواده
۱۴۳ ۳. اعتماد به نفس کاذب
۱۴۴ عوامل جمعی
۱۴۴ ۱. تهاجم فرهنگی غرب (جنگ نرم)
۱۴۶ ۲. مصرف‌گرایی
۱۴۷ ۳. چشم و هم‌چشمی
۱۴۹ ۴. شرایط جامعه امروزی
۱۵۰ کلام آخر

زینب <small>علیها السلام</small> ، پیام آور عاشورا / حسن عاشوری لنگرودی.....	۱۵۱
مقدمه	۱۵۱
زینب <small>علیها السلام</small> در جریان نهضت کربلا	۱۵۲
شیوه‌های پیام‌رسانی حضرت زینب <small>علیها السلام</small>	۱۵۳
۱. استغاثه و گریه	۱۵۳
۲. مرثیه خوانی و سوگواری	۱۵۷
۳. دعا	۱۵۹
۴. سخنرانی	۱۵۹
در جمع کوفیان	۱۶۰
سخنرانی در مجلس عبیدالله بن زیاد (کوفه)	۱۶۲
سخنرانی در مجلس یزید (شام)	۱۶۳
آسیب‌شناسی مجالس عزاداری بانوان / علیرضا انصاری	۱۷۱
مقدمه	۱۷۱
جایگاه و مشروعیت عزاداری خانگی	۱۷۲
اهمیت آسیب‌شناسی	۱۷۳
آسیب‌های عزاداری خانگی	۱۷۵
الف) آسیب‌های محتوایی	۱۷۵
۱. طرح عرفان‌های نوظهور	۱۷۵
۲. ارائه مطالب ذلت‌آمیز	۱۷۶
۳. سطحی‌نگری	۱۷۸
۴. دروغ‌پردازی	۱۷۹
ب) آسیب‌های روشی	۱۸۱
۱. استفاده از سخنرانان غیرمتخصص	۱۸۱
۲. جابه‌جاشدن هدف و وسیله	۱۸۲
۳. چشم‌وهم‌چشمی	۱۸۴
۴. زیاده‌روی در برگزاری عزاداری	۱۸۵

۱۸۶	۵. پوشش و آرایش نامناسب.....
۱۸۸	۶. اهمیت یافتن دستمزد بیشتر.....
۱۸۸	۷. بدعت‌گذاری.....
۱۸۹	۸. فرصت‌سوزی.....
۱۹۱	۱۰. خرید و فروش.....
۱۹۱	۱۱. مباحث سیاسی.....
۱۹۵	منابع.....

سخن نخست

مکتب روح‌بخش اسلام، آموزه‌های والایی را برای شکوفایی و رشد انسان ارائه نموده که از آن جمله، رهنمودهایی است که سعادت زن و خانواده را در تمام ابعاد به‌نیکویی ضمانت می‌کند. اساساً، جامعه‌ای که بر شالوده خانواده پاک و سالم بنا شده، از گزند آسیب‌ها در امان است و مسیر سازندگی در عرصه‌های مختلف را به‌شایستگی طی کرده، قله‌های بلند موفقیت را فتح می‌نماید. این بنیان به‌ظاهر کوچک، دستاوردهای بسیار بزرگی را برای جامعه به ارمغان می‌آورد و نقش بسزایی در پیشبرد اهداف و برنامه‌های خرد و کلان هر کشور دارد. در این میان، زن، نقش عمده‌ای در شکل‌گیری، استمرار و ثمربخشی خانواده ایفا نموده، سعادت جامعه در گرو رستگاری و سلامت اوست؛ به همین جهت است که امام‌راحل علیه‌السلام فرموده‌اند:

«از دامن زن، مرد به معراج می‌رود. دامن زن، محل تربیت بزرگ‌زنان و بزرگ‌مردان است.»^۱

۱. صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۴۱.

استقبال خوانندگان از ره‌توشه ماه مبارک رمضان، ویژه‌خواهران، ما را بر آن داشت تا به مناسبت ایام تبلیغی ماه محرم، موضوعات کارآمد و تازه‌ای را درباره زن و خانواده تهیه نموده، به خواهران و علاقه‌مندان گرامی تقدیم نماییم.

شایان توجه است که علاوه بر این ره‌توشه، هر سال ره‌توشه دیگری در ایام ماه محرم الحرام منتشر می‌گردد که مباحث مربوط به امام حسین علیه‌السلام و قیام عاشورا در آن به طور برجسته مطرح می‌شود و خواهران محترم می‌توانند از آن نیز بهره‌مند شوند.

در مجموعه پیش‌رو، موضوعاتی همچون: اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده، مباحث دینی و اجتماعی مربوط به حوزه خانواده، راهکارهای تربیتی و ارتباط با فرزندان، و نیز نقش سازنده زنان در رشد و بالندگی خانواده، مطرح شده که امیدواریم مورد استفاده خوانندگان عزیز قرار گیرد و در عمل، به گسترش فرهنگ اصیل اسلامی در جامعه بینجامد.

از مبلغان محترم انتظار می‌رود که ضمن استفاده از مطالب این ره‌توشه، چنانچه انتقاد یا پیشنهادی دارند، ما را از نظرات سازنده خویش مطلع نمایند تا بر کیفیت و اتقان ره‌توشه‌های بعدی افزوده شود.

در پایان، ضمن تشکر از نویسندگان گرامی این مجموعه، از تمام کسانی که در آماده‌سازی و سامان‌دهی این کتاب صادقانه تلاش نمودند، به ویژه از زحمات حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر مؤمنی، رئیس محترم گروه تأمین منابع تبلیغی، سپاسگزاری می‌نمایم.

سعید روستاآزاد

معاون فرهنگی و تبلیغی

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

ازدواج و تشکیل خانواده از نگاه قرآن

آیت‌الله محمد مهدی آصفی

مقدمه

دیدگاه اسلام درباره ازدواج، برآمده از یک قانون تکوینی و کلی است؛ چنان‌که قرآن کریم قانون زوجیت را به‌عنوان مسئله‌ای فراگیر در تمام هستی و مشتمل بر همه مخلوقات معرفی می‌کند: «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ؛^۱ و از هر چیزی، دو گونه - که یکی جفت دیگری است - آفریدیم.»

زوجیتی که قرآن مطرح می‌کند، دایره‌ای بسیار گسترده‌تر از ازدواج و زناشویی دارد و تمام آثار متقابل میان موجودات را شامل می‌شود و در چارچوب قوانین عام و فراگیر طبیعت صورت می‌گیرد.

این قانون عالم‌گیر، از سه جهت قابل بررسی است که در این نوشتار به آن

می‌پردازیم:

۱. تکوین؛

۲. وظیفه؛

۳. ارزش.

۱. ذاریات: آیه ۴۹.

الف. ازدواج از جهت تکوینی

ازدواج، یکی از نیازهای اساسی و از ضروریات زندگی است که در فطرت انسانی ریشه دارد و بدون آن، انسان آرامش خود را از دست می‌دهد. اگر دقیق‌تر به تاریخ بنگریم، زندگی زناشویی از آن زمان که انسان خود را شناخت و دیدگانش را به حیات گشود تا به امروز، در جوامع و تمدن‌های گوناگون، همیشه بوده است. ضرورت ازدواج و زناشویی، تنها ارضای یک خواست نفسانی و گرایش غریزی نهفته در بشر نیست؛ بلکه این گرایش، نیاز جدیدی را در انسان آبیاری می‌کند که بسیار مهم‌تر و اساسی‌تر است؛ آن نیاز، ضمانت بقای انسان، پس از مرگ است. از این رو، خداوند تکوین و تشریح را پاسخ‌گوی این نیاز اصلی قرار داده است: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ؛^۱ زَنَاتَانِ كَشْتَارِ شَمَايِنْد.»

و یا فرموده: «(وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً؛^۲ و جفت او

را [آدم عَلَيْهِ السَّلَام] از [جنس] او آفرید و از آن دو مردان و زنان بسیار بپراکند.»

اطمینان و آرامش

قرآن، مسئله زوجیت را تنها در محدوده غریزه جنسی مد نظر قرار نمی‌دهد؛ بلکه قدم فراتر از آن نهاده، آرامش و اطمینان را هدف اصلی ازدواج معرفی می‌کند. نیاز بشر به اطمینان نفس و آرامش، بسیار بزرگ‌تر و مهم‌تر از غریزه جنسی است. تمام احتیاج و هدف انسان از تشکیل زندگی مشترک، کام‌گیری از جنس مخالف نیست؛ زیرا که از راهی غیر از ازدواج و تشکیل خانواده، شاید بهتر و سریع‌تر بتوان به چنین لذتی دست یافت. قرآن، نمای زیبایی از زندگی

۱. بقره: آیه ۲۲۳.

۲. نساء: آیه ۱.

زناشویی تصویر کرده است: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ»^۱ آنان پوشش شمایند و شما پوشش آنان.»

همان‌گونه که لباس، انسان را از گرما و سرما حفظ می‌کند و از آزار و گزند آفت‌ها و بلاها می‌رهاند، ازدواج نیز انسان را از لغزش در پرتگاه‌ها بازمی‌دارد. این مهر و محبت است که فضای خانواده را در مقابل سختی‌ها بیمه نموده، زن را از نگاه‌های حریص و بیمار حفظ می‌کند. ازدواج، قلعه‌ای برای مرد و حجابی برای زن است. هیچ گزینه‌ای به‌جز زندگی زناشویی، مرد را از لغزش‌ها و سختی‌های زندگی و زن را از نگاه‌های آلوده و طماع نمی‌رهاند.

تتها با ازدواج است که انسان، آرامش از دست رفته خود را بازمی‌یابد، بدان تکیه می‌کند و اطمینان قلب پیدا می‌کند. زن، خود را در مشکلات تنها نمی‌بیند؛ زیرا شریکی دارد که در سختی‌ها غم‌خوار اوست. مرد نیز با تحمل فشار زندگی، احساس بیهودگی نمی‌کند؛ زیرا تلاش او بر محور خانه، همسر و فرزندانش است.

این احساس، احساس پدران‌ای است که به هر پدری آرامش و اطمینان قلب می‌دهد و بر لبانش خنده شیرینی می‌نشانند که بهترین و زیباترین است. آری، در چنین فضای پُر مهر و محبتی، تلخی‌های زندگی فراموش و فشار زندگی بی‌اثر می‌شود: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»^۲ و از نشانه‌های او این است که زوج‌هایی را از خودتان آفرید تا به سوی آنها آرامش گیرید و بین شما دوستی و رحمتی قرار داد.»

۱. بقره: آیه ۱۸۷.

۲. روم: آیه ۲۱.

جاهلیت پیشین

فلسفه‌های یونانی، رومانیایی و هندی، از زن ابراز تنفر می‌کردند و پیروان خویش را تا آنجا که ممکن بود از ازدواج نهی می‌کردند. زن از دیدگاه چنین فلسفه‌هایی، ناقص‌تر از مرد است و حتی نمی‌تواند در کنار مرد قرار گیرد تا با هم زندگی زناشویی تشکیل دهند. در فلسفه یونانی، زن منشأ و نماد همه رنج‌ها و بدبختی‌ها بود که چون کالایی بی‌ارزش در بازار خرید و فروش می‌شد و حتی اختیار زندگی خویش را نداشت. فیلسوفان هندی، بر این عقیده بودند که زندگی خانوادگی باعث عقب‌ماندگی انسان است و از پیشرفت جلوگیری می‌کند.

سوستام می‌گوید:

«زندگی خانوادگی، بلایی است که باید به آن تن داد و شری دوست‌داشتنی است؛ بنیان‌کن خانه و خانواده است. محبوب، ولی درنده است و چون مصیبتی پوشیده از طلا است.»

ترتولیان می‌گوید:

«ازدواج، صورت مرد را زشت و پلید می‌کند و مدخل ورود شیطان در نفس انسان است تا در مقابل خدا بایستد.»^۱

تفاوت آشکار، میان نظر قرآن و نظرات جاهلیت قدیم در این جاست که آیا زن و زندگی زناشویی بلا و شری است که فراری از آن نیست و یا اینکه زن، شریک و آینه مرد است و زندگی مشترک، جایگاهی برای آرامش و اطمینان قلب آنهاست؟

جاهلیت مدرن

جاهلیت جدید، در درمان نیازهای جنسی انسان بسیار ناتوان‌تر از جاهلیت قدیم

۱. مصطفی السباعی، المرأة بین الفقه والقانون، ص ۲۰.

است. جاهلیت جدید، تلاش کرد تا نسل امروز را درباره مسائل جنسی و ازدواج، بی‌قید و بی‌غیرت کند تا کانون خانواده فروپاشد و انسان نیاز جنسی خود را از راهی غیر از خانواده ارضا کند.^۱

انسان امروز، زن را درک نکرد؛ همچنان‌که جایگاه زن را نیز در جامعه شناخت و ارزش زن را همانند جاهلیت قدیم در حد کالایی بی‌ارزش قرار داد که در بازار خریدوفروش می‌شود. پس، تمدن جدید چندان هم جدید نبود؛ زیرا از زن تنها به‌عنوان یک کالای تجاری برای تبلیغات مبتذل استفاده کرد و از ظاهر زیبا، گفتار دل‌نشین و لبخند دل‌ربایش سوء استفاده کرد.

جاهلیت جدید با وعده‌های دروغین، زن را به بازارهای برده‌فروشی کشاند و ارزش انسانی وی را از او گرفت. برده‌فروشان قرن بیستم می‌دانند که چگونه زن را خوار و ذلیل سازند و چگونه اشتها و حرص را در مردان بیدار و به‌سادگی از این راه کیسه‌های خود را پُر کنند. «فروشنندگان برده‌های سفید»، به این مقدار از بندگی زن راضی نشده و حتی تلاش کرده‌اند تا از زن، خادمی مطیع برای پیشبرد اهداف سیاسی در سازمان‌های جاسوسی بسازند.

۱. مجله آمریکایی «تایم» اقرار کرد: در پانزده سال گذشته، باکره‌بودن، اهمیت خود را در آمریکا از دست داده است و نداشتن بکارت، برای دختران آنچنان اهمیتی ندارد. آمار نشان می‌دهد که ۶۱ درصد از دختران آمریکایی، در حالی ازدواج می‌کنند که از روابط نامشروع پیش از ازدواج حامله‌اند. آمار دخترانی که از روابط جنسی نامشروع بچه‌دار می‌شوند و کمتر از بیست سال عمر دارند، از ۴-۸ در هزار به سال ۱۹۴۰م به ۱۶ در هزار به سال ۱۹۶۱م افزایش یافته است. همچنین، این آمار در دختران بیست تا بیست‌وپنج ساله، از ۱۱ در هزار به ۴۱ در هزار افزایش یافته است. (مجله خواندنی‌ها، ش ۷۴، سال ۱۳۴۵)

آمار دیگری، گویای این مطلب است که تعداد ازدواج در آمریکا در سال ۱۹۴۶م بیش از ۲/۲۹۱/۰۰۰ و معادل با نسبت ۱۶۴ در هزار و به سال ۱۹۵۶م در حدود ۱/۵۸۵/۰۰۰ و معادل با نسبت ۹۵ در هزار بوده است. با توجه به این آمار، تنها در مدت ده سال، نسبت ازدواج در آمریکا نصف شده است. (محمد شبستری، المرأة فی الفكر الاسلامی المعاصر: قضایا و اشکالیات).

نظریه مالتوس

پس از آن، علم در خدمت جاهلیت جدید قرار گرفت تا آنجا که مالتوس، دانشمند و اقتصاددان انگلیسی می‌گوید:

«نسبت افزایش جمعیت جهانی، با نسبت افزایش غذا در طبیعت سازگار نیست. به همین دلیل، اگر بشر همچنان به تولیدمثل خود ادامه دهد، به‌زودی از گرسنگی خواهد مُرد. باید در ازدواج بسیار احتیاط کنیم. از ترس نداشتن غذا، انسان مگر در سنین بالا نباید ازدواج کند و تمایلات جنسی جوانان می‌بایست با گناه و آلودگی ارضا شوند و پس از آن، باید با وسایل و داروهای جدید از بارداری جلوگیری به عمل آید.»

دکتر دریسدل می‌گوید:

«امروز نیاز اساسی انسان آن است که تدابیری اندیشیده شود تا علاقه و دوست‌داشتن بدون هیچ قید و بندی ممکن باشد. امروزه، سادگی طلاق، کم‌کم ازدواج سنتی را از بین می‌برد و ازدواج، امروز تنها یک قرار ملاقات و رفت‌وآمد میان دو نفر است و این، تنها راه ارتباط جنسی در قرن حاضر است.»

خطر، نسل آینده را تهدید می‌کند

اگر چاره‌ای نیندیشیم، پزشکی، منع بارداری را در راه انحراف و تجاوز فرآگیر خواهد کرد. بارداری که تاکنون مانعی برای تجاوز و ابتذال بود، امروز از بین می‌رود. نتیجه آمارها نشان می‌دهد قربانیان استفاده از داروهای ضدبارداری، تنها در فرانسه سالیانه ششصد هزار و قربانیان سقط جنین چهارصد هزار نفر بوده‌اند. کودکی که این داروها در او اثر نمی‌کند و از سقط جنین، جان سالم به در می‌برد، بچه‌ای سرراهی خواهد بود و در پرورشگاه‌ها در جوّی خشن و دور از

مهر مادری رشد خواهد کرد. هر چقدر یک پرورشگاه در جبران این کمبودها بکوشد، حتی قسمت کوچکی از مهر و محبت مادر را جبران نخواهد کرد.^۱ کودکی که طعم محبت مادر و مهربانی پدر را نمی‌چشد، دچار عقده و نداشتن تعادل عاطفی خواهد شد. در بسیاری از موارد، این کمبودها و عقده‌های روانی ناشی از آن، شخص را به ارتکاب اعمالی وحشیانه و جنایت‌هایی هولناک وادار می‌سازد؛ گاهی نیز به خودکم‌بینی و عقده حقارت می‌انجامد و سبب می‌شود شخص تلاش بسیاری برای متوجه‌کردن دیگران به خود انجام دهد و در راه جلب نظر اطرافیان از هیچ جنایتی فروگذار نکند.

در جنگ جهانی دوم، بسیاری از خانواده‌های انگلیسی فرزندان خود را به کانادا فرستادند تا مصیبت‌های ناشی از جنگ در بریتانیا به آنان صدمه نزند؛ ولی پس از جنگ که خانواده‌ها کودکان را دوباره به انگلیس بازگرداندند، بسیاری از آن کودکان در نتیجه دوری از خانواده به ناراحتی‌های عصبی مبتلا شده بودند. «آنا فروید» پس از تحقیق گسترده‌ای بر آن کودکان و کودکانی که در جنگ در کنار خانواده مانده بودند به این نتیجه رسید که اثر جنگ، بمب و موشک در روحیه کودکان، بسیار کم‌تر و کوچک‌تر از خطر دوری از خانه و محرومیت از مهر مادری و محبت پدری است.

ب. ازدواج از جهت وظیفه

مرد، همیشه تاریخ، در غالب خواستگاری به دنبال زن بوده است. زن نیز در جایگاه امتناع و ناز است و شاید بهتر باشد به جای کلمه امتناع، از عفت و حیا

۱. مجله آمریکایی «ویسپر» در مقاله‌ای اعلام کرد که بیش از ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ بچه سرراهی در آمریکا وجود دارد و همچنین، در یکی از شهرهای انگلستان، گزارشی به جمعیت حفظ ارزش‌های اخلاقی ارائه شد، مبنی بر اینکه ۵۰٪ اطفال این شهر سرراهی‌اند.

استفاده کنیم. معنای این استعمال آن نیست که زن میل و رغبتی به مرد ندارد. رغبت و میل زن، حتی از مرد هم بیشتر است؛ با وجود این، خداوند در تکوین زن، میلی به شرم و حیا در برابر مردان قرار داده است که بی‌حکمت نیست؛ زیرا اگر مرد و زن در رویارویی با یکدیگر همانند بودند، به‌طور قطع یکدیگر را دفع می‌کردند و بی‌شک، نسل بشر از همان ابتدا منقرض می‌شد.

مرد، زن را دربرمی‌گیرد، با مهر خود او را احاطه می‌کند، تمام تلاش خود را مبذول می‌دارد تا برای همسرش لباس و غذا فراهم آورد و آنچه او می‌خواهد و می‌پسندد، انجام دهد و البته هیچ‌گاه از این اعمال خود احساس زیان نمی‌کند؛ بلکه این امور را از وظایف خویش می‌شمارد. زن نیز علاقه‌مند است که زیر سایه و عنایت مرد و با توجهی خاص، پذیرای همیشگی او باشد و سعادت خویش را در کنار او جویا شود.

خداوند در آفرینش هر یک از جنس زن و مرد، شایستگی‌ها و توانایی‌های مخصوص به آن دو و متفاوت با یکدیگر قرار داده است که این موارد عبارت‌اند از:

۱. اقتضای مرد بودن قدرت بدنی و نیروی عضلانی بالاست؛ درحالی‌که نقش زن، عاری از برتری جویی و کشمکش در سختی‌هاست.

۲. سعادت زن، آن است که تحت حمایت مردی باشد که سلطه‌اش خالی از مهر و عطف نیست، زیر سایه او زندگی کند و در پناهش طعم مهربانی را بچشد. سعادت مرد نیز آن است که زنی را با عشق سرپرستی و حمایت کند و بر او سیطره همیشگی داشته باشد.

۳. اقتضای آفرینش مرد، مرد را به داشتن عزم و اراده‌ای سخت و تصمیمی راسخ وادار می‌سازد. در نقطه مقابل، طبیعت زنانگی، تحریک و برانگیختن

جنس مقابل و وادار کردن او به برخی کارهاست.

۴. کار و فعالیت اقتصادی که مسئولیت اصلی مرد است، نیاز به پابرجایی، تدبیر و توانایی اجرایی بالایی دارد؛ حال آنکه فعالیت‌های اصلی زن در خانه، بیشتر نیاز به نرمی، لطافت، تأثیر، جادو، نازک‌دلی، محبت و مهربانی دارد. با توجه به آنچه گفته شد، می‌توانیم مهم‌ترین مسائل زندگی زناشویی را مورد بحث قرار دهیم:

۱. نگهداری خانواده

قرآن مرد را نگهدار زن و خانواده می‌داند: «الرَّجُلُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ»^۱ مردان بر زنان کارگزاران و سرپرستان‌اند؛ از آن روی که خدا برخی از ایشان (مردان) را بر برخی (زنان) فزونی و برتری داده است.»

خانواده نیز همانند گروه‌های دیگری که در جامعه هستند، یک سازمان و تشکیلات اجتماعی است که نیاز به مدبری دارد که در پی حل مسائل و مشکلات آن باشد. دلیلی ندارد که خانواده، مدیریتی دوراندیش نداشته باشد؛ اما چه کسی باید امر مدیریت را در خانواده بر عهده بگیرد؟

باید گفت که معنای نگهداری خانواده، اداره خانواده نیست؛ زیرا اداره خانواده تنها با مشارکت همه‌جانبه مرد و زن و چه بسا با مشارکت زن شوهر و بچه‌ها امکان‌پذیر است؛ پس هر فرد در خانواده، قسمتی از مسئولیت‌ها را بر عهده می‌گیرد. مشورت، اصلی اساسی در خانواده اسلامی است؛ همچنین خواسته‌های مشروع هر یک از اعضای خانواده، محترم است؛ ولی همه این مسائل، خانواده را از وجود نگهداری بی‌نیاز نمی‌کند که حرف آخر را بزند و

اختلافات را حل کند؛ این امر، تنها از مرد خانواده ساخته است تا پس از بی‌نتیجه‌ماندن مشورت و همفکری، نتیجه را اعلام کند.

۲. شاغل‌بودن زن

ریشه تاریخی این مسئله، به آن زمان بازمی‌گردد که مرد اروپایی در انقلاب صنعتی، خانه‌اش را ترک و از کشت‌زار کوچک به کارگاه‌های بزرگ و شلوغ هجرت کرد. ناگهان به جای محیط ساکت روستا، خود را در فضایی پرهیاهو و جنجالی یافت. خانه و همسرش را به فراموشی سپرد، در زندگی مادی غرق شد؛ تا آنجا که تمام روابط خویش را با کشت‌زار، خانه، خانواده و با همه چیز و همه‌کس به فراموشی سپرد. ورود به این مرحله در اروپا، تنها تغییر یک زمانه به زمانه‌ای دیگر و یا دگرگونی یک تمدن به تمدنی دیگر نبود؛ بلکه در حقیقت یک دگرگونی اجتماعی بود که تمام مسائل زندگی را دربرمی‌گرفت و مردم را از روستاها و ده‌ها و از آن زندگی آرام، دور و در سختی‌های زندگی جدید غرق کرد. زن اروپایی خود را در روستا تنها و بدون سرپرست می‌دید؛ زندگی ماشینی جوانان روستا را در خود می‌کشید و جز پیرمردانی که پیریشان مانع از پیوستن به جوانان می‌شد، کسی در روستا باقی نماند.

زن، ابتدا خود را آزاد می‌دید، رها از قید و بندهای خانواده. دیگر همسر و فرزندان نبودند که محدودش کنند. او به‌زودی دریافت که برای چنین زندگی پستی آفریده نشده است و آفرینش روحی و جسمی‌اش با زندگی جدیدش سازگار نیست؛ ولی گرداب قوی‌تر از آن بود که بتوان از آن جان سالم به در برد پس هرگز نتوانست دوباره به زندگی فطری خویش بازگردد و در این منجلاب، تنهای تنها بود. این داستان زندگی زن در غرب است.

اما زن در جوامع ما، چنین نقشی را ایفا نمی‌کند و از مشکلات و

ناهنجاری‌هایی آزار نمی‌بیند که زن غربی را می‌رنجانند. مرد در جامعه ما خانه را ترک نگفته است و غافل از حال همسر و فرزندانش نیست. زن نیز خود را در خانه تنها نمی‌بیند و شوهر و فرزندانش، او را ترک نکرده‌اند. به همین دلیل است که زن در جامعه ما توجهی برای خروج از خانه همراه با مردان و اهمال در وظایف خود در خانه و خانواده ندارد.

جنس سوم

در این میان زن غربی، نصیبی جز شقاوت و سنگ‌دلی نَبَرْد؛ آن‌گاه که زنانگی خویش را فدا و تلاش کرد تا از خود مرد بسازد و رفتارهای مردانه از خود نشان دهد. او از زن بودن عقب‌نشینی کرد و در مرد شدن شکست خورد. موجودی شد که نه مانند زن در زنانگی خود برای دیگران سودمند است و نه مانند مرد در کار مردانه برای جامعه مفید است. آری، این‌گونه است که زن تبدیل به جنس سوم می‌شود که نه زن است و نه مرد.

دانشمند بزرگ روان‌شناسی، جیروم فروبرو، در این باره می‌گوید:

«در اروپا بسیاری از زنان هستند که عهده‌دار وظایف و مسئولیت‌های مردانه می‌شوند و از ازدواج سر باز می‌زنند. می‌توان چنین زنانی را «جنس سوم» نامید؛ به عبارت دیگر، آنها نه مردند و نه زن.»

چون سیمون می‌گوید:

«باید از قلب‌های مردانه زنان امروز ترسید؛ زیرا زن بدون قلبش دیگر زن نیست. جامعه نیز اگر زن‌ها را از دست بدهد، بی‌شک همه چیز را از دست داده است. طبیعت، بسیار دقیق است و این انسان است که در طبیعت دست برده و آن را تغییر داده است. باید بکوشیم تا طبیعت را همان‌گونه بازسازیم که بوده است.»

خانم دکتر بنت الشاطی در روزنامه الاهرام در مقاله‌ای با نام «جنس سوم»

می‌نویسد:

«پزشکان، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان معتقدند که تغییرات فیزیولوژی نامحسوسی در زنان شاغل به وجود آمده است و آمارها نیز نشانگر آن است که شاغل‌بودن زن، احتمال نازایی او را افزایش می‌دهد تا آنجا که امروز نازایی در زنان شاغل، امری شایع است.»

۳. فروپاشی خانواده

کار خارج از خانه، بلایی بود که بیش و پیش از هر مؤسسه اجتماعی، گریبان‌گیر خانواده شد. کار، زن را از توجه به مسائل و مشکلات خانه غافل و ذهن او را در غوغای روزمره جامعه مشغول می‌سازد؛ تا آنجا که حتی نمی‌تواند قسمت کوچکی از وقت خویش را برای خانواده‌اش صرف کند. خانه، یک مؤسسه اجتماعی است که مانند دیگر مجموعه‌ها در اجتماع نیاز به کوشش، وقت‌گذاری و فراغ‌بال دارد و بدون این فراغ‌بال و کوشش، هرگز زن قادر به انجام وظایف خویش در خانه نخواهد بود.

نیاز به خانواده، هرگز یک نیاز فرعی و پیش‌پاافتاده نیست تا کسی از آن احساس بی‌نیازی کند و یا بتواند هتل، رستوران و استودیو را جایگزینش کند و همان‌گونه که محل سکونتش را تغییر می‌دهد و یا لباسش را عوض می‌کند آن را نیز تغییر دهد و یا عوض کند.

البته تنها زن نیست که در زندگی خانوادگی مؤثر است. شرف و پابرجایی مرد، رشد کودکان و همراهی آنان با پدر و مادر، هریک سهم بسزایی در سلامت خانواده دارند. اشتغال زن به کارهای خارج از خانه، نتایج اجتماعی بسیار بدی داشته و همین امر باعث شده است که بسیاری از شوهران و فرزندان، از

بی توجهی همسران و مادرانشان به مسائل خانواده ناراضی باشند. این شکایت و ناراضیاتی از محدوده یک یا چند خانه تجاوز کرده و همگانی شده است؛ تا آنجا که بسیاری از مؤسساتی که به تحقیق و بررسی مسائل و مشکلات زنان در جهان می‌پردازند، از وضعیت زنان شاغل ناراضی‌اند و از آن احساس خطر می‌کنند.

یونسکو تحقیقی گسترده را درباره حالات زنان شاغل در کشورهای مختلف آغاز کرده است. این گزارش‌ها، نتایج و حقایق مهمی را منعکس می‌سازد که برخی از آنها حاکی از آن است که تعداد بسیاری از مردان هنوز به اشتغال همسران خویش در خارج از خانه معترض‌اند. دلیل این شکایت و اعتراض نیز آن است که زن بیشتر وقت خویش را خارج از خانه سپری می‌کند و وقتی که باید در اختیار خانه، خانواده و فرزندان باشد و در راه تربیت و اصلاح آنها صرف شود، در بیرون از خانه صرف می‌شود.^۱

یکی از مهم‌ترین مشکلات زنان که در چهارمین کنگره روزنامه‌نگاران زن در نورنبرگ آلمان مطرح شد، این بود که ده‌ها میلیون زن در آلمان، صبح زود، خانه و فرزندان خویش را ترک می‌کنند. سؤال اینجاست که ده‌ها میلیون کودک و نوجوانی که مادرانشان را در طول روز در کنار خویش نمی‌بینند، چگونه تربیت خواهند شد؟ اکنون بیشتر کودکان ۱۴-۱۶ ساله در آلمان کلید خانه‌هایشان را به گردن خود آویزان می‌کنند تا برای صرف ناهار به خانه بازگردند و پس از آن، در انتظار مادرانشان می‌نشینند و لحظه‌شماری می‌کنند تا پس از ساعت ۶ شاید مادران خود را در آغوش بگیرند.

۴. خطر در کمین نسل جوان

زن غربی در عصر ما می‌کوشد تا رسالت و وظیفه اصلی خود را به یاد آورد؛

رسالتی که سالیان سال فراموش کرده بود. او به زودی خواهد فهمید که کودکی که از والدین خویش دور و از مهر مادری محروم است، هرگز آینده‌ای روشن و پرفروغ نخواهد داشت.

دکتر الکسیس کارل می‌گوید:

«اجتماع بشری با جایگزین کردن کامل مدرسه به جای خانواده، اشتباه نابخشودنی و بزرگی انجام داد. مادران فرزندان خود را ترك می‌گویند تا به کارهایشان برسند. مسئولیت‌های اجتماعی خود را انجام دهند؛ به سرگرمی‌های ادبی و هنری مشغول باشند، بازی کنند و حتی به سینما بروند و با این همه، باز اوقاتشان را با ناراحتی و کسالت می‌گذرانند.»

بسیاری از امراض روانی و عقده‌های دوران جوانی، ریشه در ایام کودکی و نوجوانی دارد و آن‌که مسئولیت این دوران را بر عهده دارد، بی‌تردید، مادر است. کودکی که مادر به او توجه کافی نکرده است، در آینده از نداشتن تعادل روانی و عاطفی رنج خواهد برد و عقده‌های آن دوران، حتی او را به جنایت، تجاوز و قتل وادار خواهد ساخت.^۱

دانشمند انگلیسی، سامویل سماپلس می‌گوید:

«نظام و حاکمیتی که برای دستیابی به اهداف مادی، زن را به کار در کارخانه‌ها وادار می‌کند، ثمره‌ای جز ویرانی خانه و خانواده نخواهد داشت و آشکارا با این کار خود، پایه‌های خانواده را سست کرده، روابط اجتماعی را زیر سؤال می‌برد.»

ج. ازدواج از جهت ارزش

آنچه تاکنون گذشت، اشاره به تفاوت زن و مرد از نظر تکوین و آفرینش داشت و

۱. اطلاعات هفتگی، ش ۱۲۰۶.

معلوم شد که این تفاوت در آفرینش سبب می‌شود تا وظیفه مرد و زن با یکدیگر متفاوت باشد؛ اما این به آن معنا نیست که در شریعت اسلامی و قرآنی، ارزش زن و مرد با یکدیگر متفاوت باشد.

ارزش انسانی زن و مرد، با یکدیگر مساوی است. هر دو انسان‌اند و در گوهر انسانیت با یکدیگر برابرند. بر خلاف آنچه که در جاهلیت قدیم و جدید دیده می‌شود که ارزش زن و مرد براساس آفرینش و وظایف هر یک از آنها سنجیده می‌شود. این‌گونه است که تنها نظریه درست که به روابط زناشویی نگاهی واقع‌گرایانه و عدالت‌محور دارد، نظریه اسلامی است.

همان‌گونه که زن وظیفه مخصوص به خود را دارد و باید برای آن تلاش کند، مرد نیز نقش دیگری دارد که در کنار فعالیت‌های زن کامل می‌شود و این وظیفه متفاوت در زن و مرد، باعث نمی‌شود که ارزش هر یک از آنها کمتر از دیگری باشد.

جایگاه زن در اسلام، مبتنی بر این ملاک عقلی است. اگر انسان از رفتار و نگرش تمدن‌های گذشته با زن مطلع نباشد، هرگز جایگاه رفیع اسلام برای زن را درک نخواهد کرد. در میان این تمدن‌های کوتاه‌فکر، اسلام، اصل برابری زن و مرد را در ارزش انسانی و جایگاه اجتماعی مطرح کرد؛ با اینکه به اختلاف اساسی میان زن و مرد در آفرینش و وظیفه معترف بود.^۱

۱. روزنامه ابوالهول، شماره ۹۸، ۱۳۴۱/۱/۲: از يك دختر انگلیسی مجرد به نام «ورنیج» نقل می‌کند: «به‌عنوان يك مسیحی مبالغه نکرده‌ام اگر بگویم، تعلیمات اسلام برای زن مسلمان ضامن سلامت و آسایش تمام جامعه بشری است؛ چه برای مسلمانان و چه برای مسیحیان و به نظر من تعلیمات دینی بیش از هر چیز در روح و جان زن مؤثر است و تعلیم اسلام افزون بر این، دستورهایی زیادی دارد که حامی حقوق زن در جامعه است.»

«لینتز» در نامه‌ای که در کتاب دین‌های عالم در انگلیس منتشر شده است، می‌گوید: «محمد، جایگاه زن را رفیع کرد و او را در تعلیمش بسیار بلندمرتبه شمرد... زن پس از آنکه در دوره‌ای



از حیث نظری، قرآن پیش از هر چیز به مسئله مساوات و برابری زن و مرد در انسانیت اشاره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ؛^۱ ای مردم از پروردگارتان پروا کنید؛ آن‌که شما را از یک تن - آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ - آفرید.»

همچنین در آیاتی دیگر اشاره به مساوات آن دو دارد؛ البته به این شرط که وظایف الهی خویش را انجام دهند و در تقوا و فضیلت بکوشند. خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛^۲ هرکس از مرد و زن که کاری نیک و شایسته کند، درحالی که مؤمن باشد، هرآینه او را به زندگانی پاک و خوشی زنده بداریم و مزدشان را بر پایه نیکوترین کاری که می‌کردند، پاداش دهیم.»

ارزش زن در اجتماع

اسلام جایگاه اجتماعی زن را بالا برد و زمانی که زن در تاریکی مطلق نادانی بود، او را به کسب علم تشویق کرد. زنان در صدر اسلام در مجالس پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حاضر می‌شدند و به سخنان ایشان گوش فرامی‌دادند. پیامبر اسلام در این باره فرمود: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَىٰ كُلِّ مُسْلِمٍ؛ علم‌جویی بر هر مسلمانی واجب است.» کلمه «مسلم»، به خودی خود هر دو جنس زن و مرد را شامل می‌شود و تنها مقصود از آن مرد مسلمان نیست.

خداوند متعال، همان‌گونه که واجباتی را بر دوش زن قرار داده است، حقوقی

همچون کالا خرید و فروش می‌شد، توانست مالک باشد، حرفش خریدار داشته باشد و حقوقش محفوظ بماند.»

۱. نساء: آیه ۱.

۲. نحل: آیه ۹۷.

را نیز برای او به وجود آورده است: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛^۱ و برای آنان، [حقوقی] است؛ مانند آنچه [از تکالیف] بر آنهاست.»

توجه به زن در چارچوب خانواده

اسلام احترام بسیاری برای زن قائل شده و مقام زن را بسیار بالا برده است و سفارش‌های فراوانی درباره کنیز، همسر، دختر و خواهر به مرد دارد؛ مثلاً احترام و ارزشی که اسلام برای مقام مادر قائل است، هرگز در جای دیگر مشاهده نمی‌شود و این امر تا آنجا پیش می‌رود که احترام مادر حتی بر احترام پدر نیز مقدم شده است.

از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است که مردی نزد پیامبر خدا آمد و پرسید: «به چه کسی نیکی کنیم؟» پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «مادرت». مرد پرسید: «سپس چه کسی؟» ایشان فرمود: «مادرت». دوباره پرسید: «سپس چه کسی؟» آن حضرت فرمود: «مادرت». باز پرسید: «سپس چه کسی؟» آن بزرگوار فرمود: «پدرت».

همچنین رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

«کسی که داخل در بازار شود و هدیه‌ای برای خانواده‌اش بخرد، مانند آن است که حامل صدقه برای نیازمندان باشد و می‌بایست پیش از مردان، از زنان آغاز کند؛ پس همانا کسی که دخترش را شادمان سازد، مانند آن است که بنده‌ای از نسل حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام آزاد کرده باشد.»

جابر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ می‌گوید که مردی خدمت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسید و گفت: «من مردی جوان و سرزنده‌ام و جهاد در راه خدا را دوست دارم؛ اما مادری دارم که جنگ

رفتیم را خوش ندارد.» پیامبر ﷺ فرمود: «بازگرد و با مادرت باش؛ پس قسم به آن‌که به حق مرا برانگیخت، همدمی مادرت با تو در یک شب، بهتر از یک سال جهاد در راه خداست.»

توجه به دختران و خواهران نیز در شرع مقدس اسلام بسیار امر شده است؛ درحالی‌که اعراب جاهلی، پیش از طلوع اسلام، دختران را خوار و پست می‌شمردند. دخترداشتن و دختردارشدن را ننگی برای خانواده می‌دانستند و گاهی این امر آن‌چنان بر آنان سنگین می‌آمد که دختر خویش را پس از ولادت در خاک پنهان می‌کردند.

خداوند متعال این رسم پلید جاهلی را تقبیح کرد و فرمود:

«وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٍ *
يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ
فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ؛^۱ و چون یکی از آنان را به دختر
مژده دهند رویش سیاه گردد - از خشم بر زن خود که چرا دختر
زاده است؟ - و خشم خود فرومی‌خورد. از بدی و [اندوه] آنچه به
او مژده داده‌اند، از مردم پنهان می‌شود [و با خود می‌اندیشد
که] آیا با خواری و سرافکندگی نگاهش دارد یا در خاک پنهانش
کند؟ آگاه باشید که بد است آن داوری که می‌کنید.»

اسلام، جایگاه محترمی برای دختران در خانواده ترسیم کرده است. امام صادق علیه السلام در این باره از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند که هر کس سه دختر و یا سه خواهر را سرپرستی کند، بهشت بر او واجب است. پرسیدند: «دوتا چگونه؟» فرمود: «دوتا هم». پرسیدند: «ای رسول خدا! یکی چگونه؟»

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «و حتی یکی». همچنین، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت می‌کند که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «بهترین فرزندان، دختران‌اند که لطیف، رعنا، باحیا، مهربان، خوش‌یمن و خوش‌بویان‌اند.»

مردی نزد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و خبر از فرزنددار شدنش داد؛ درحالی‌که رنگ صورتش تغییر کرد. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از او پرسید: «چه شده است؟» گفت: «هیچ.» ایشان دوباره فرمود: «بگو.» گفت: «باخبر شدم که همسرم دختر زاییده است.» پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «سنگینی‌اش بر زمین است، سایانش آسمان است، روزی‌رسانش خداست؛ اما گلی است که تو آن را می‌بویی.»^۱

۱. این مقاله، از کتاب در آینه وحی، جلد پنجم آثار کنگره اسوه زهد، جهاد و اجتهاد آیت‌الله محمد مهدی آصفی، فصل اول (زوجیت فراگیر) گرفته شده و اندکی نیز خلاصه‌سازی و ویرایش گردیده است.

نقش تجملات در کاهش ازدواج جوانان

سیده‌مریم طباطبایی ندوشن*

مقدمه

در سال‌های اخیر، آنچه نگرانی‌ها را دربارهٔ «ازدواج» برانگخته است، در آمیختگی آن با «تجمل‌گرایی» است؛ طوری که قبل از ازدواج، در تعیین معیارها و ملاک‌ها و بعد از ازدواج، در برگزاری رسوم و مراسم‌ها، تجمل‌گرایی آشکار است.

تجمل‌طلبی در دیدگاه بسیاری از جوانان و خانواده‌ها، در کنار سایر موانع ازدواج، متغیرهای ازدواج را دستخوش تغییراتی شگرف کرده است. آماری که تاکنون، حکایت از بالا رفتن سن ازدواج داشتند، این روزها هشدار دیگری می‌دهند و آن، کاهش بی‌سابقهٔ آمار ازدواج است. این هشدار، فعالیت مسئولان و فعالان فرهنگی، از جمله مبلغان دینی را در مبارزه با موانع ازدواج می‌طلبد تا از تبدیل آن به یک مسئلهٔ غیرقابل حل جلوگیری شود؛ لذا بحث دربارهٔ «تجمل‌گرایی» یکی از بایسته‌های امروز است و در این نوشتار بررسی می‌شود.

* پژوهشگر و کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی.

تعریف تجمل‌گرایی و تأثیر آن بر ازدواج

«جَمال»، به‌معنای زیبایی و نیکویی است و «تجمل‌گرایی»، به‌معنای گرایش به زیبایی و نمایش زیبایی‌هاست. در فرهنگ فارسی معین^۱، ذیل واژه «تجمل»، «زینت‌یافتن» و «اسباب و اثاثیهٔ گران‌بها داشتن» آمده است و در لغت‌نامهٔ عمید^۲ «آنچه برای افزودن بر شکوه یا زیبایی به‌کار می‌رود» و «خودآرایی» معنی شده است.

«زیبایی‌دوستی» در نهاد انسان، امری طبیعی و فطری است و باعث می‌شود آدمی همه چیز را در کمال‌یافته‌ترین شکل بخواهد و از نقصان و کمبود گریزان باشد. فطرت زیباجویی انسان، ناشی از آن است که انسان تجلی خداوند است. پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمِيلٌ، يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ يُحِبُّ أَنْ يَرَى أَنْ تَرَى نِعْمَتَهُ عَلَيَّ عَبْدِهِ وَ يُبَغِضُ الْبُؤْسَ وَ التَّبَاؤُسَ؛^۳ خداوند متعال زیباست، زیبایی را دوست دارد و دوست دارد اثر نعمت خود را در بنده‌اش ببیند، او فقر و فقرنمایی را دشمن می‌دارد!»

در جایی دیگر برای مصداقی از زیبایی‌دوستی خدا، می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مِنْ عَبْدِهِ إِذَا خَرَجَ إِلَى إِخْوَانِهِ أَنْ يَتَهَيَّأَ لَهُمْ وَ يَتَجَمَّلَ؛^۴ خداوند متعال، دوست دارد وقتی بنده‌اش نزد برادران خود می‌رود، با هیأتی پرداخته و آراسته برود.»

۱. محمد معین، فرهنگ فارسی معین، ذیل «واژهٔ تجمل‌گرایی».

۲. حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، ذیل واژه «تجمل».

۳. ابن‌حسام‌الدین‌الهندی، کنز‌العمال، ح ۳۱۷۱۶.

۴. حسن بن فضل طبرسی، مکارم‌الأخلاق، ج ۱، ص ۸۵، ح ۱۱۰۸.

براساس احادیث متعددی که بر آراستگی و زیبایی‌گرایی اشاره دارند، گرایش به زیبایی تا آنجا که به آرامش آدمی و لذت معقول از زندگی کمک می‌کند، ممدوح اسلام و ضروری است. برخورداری از ظاهر آراسته و بهره‌مندی از وسایل و امکانات زیبا، خوش‌آیند هر انسانی است؛ اما نباید از این نکته غافل شد که «زیبایی‌گرایی فطری» می‌تواند آغازی برای «تجمل‌گرایی افراطی» باشد و تا آنجا پیش رود که آدمی برای زیباترکردن صورت و بدنی که نقص چندانی ندارد، دست به دامان جراحی زیبایی شود یا همه‌ساله، وسایل نو را با قیمت هنگفت خریداری و جایگزین وسایل منزل سازد.

نگرانی دربارهٔ تجمل‌گرایی، به ایجاد روحیهٔ اشرافی‌گری خلاصه نمی‌شود؛ پی‌آمدهای پیدا و پنهان این پدیده، تا آنجاست که جای پای بسیاری از ناهنجاری‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی را در آن می‌توان دید. یکی از ابعاد تجمل‌گرایی، کمال‌خواهی و توقعات بالایی است که ازدواج را با مسائلی عمده مواجه ساخته است. این در حالی است که سیرهٔ گفتاری و رفتاری پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اولیای دین، آسان‌گیری در ازدواج است و پیامبر می‌فرماید: «خَيْرُ النِّكَاحِ اَيْسَرُهُ»^۱ بهترین ازدواج، آسان‌ترین آن است.»

و اما تجملات چگونه تأثیر خود را بر ازدواج، اعمال می‌کند؟

الف) تجمل‌گرایی در قالب کمال‌خواهی «قبل از ازدواج» در تعیین «ملاک‌ها و معیارها» خودنمایی می‌کند و باعث می‌شود که یک جوان، در ابتدا شرایط خود را مناسب ازدواج نیند و در صورت احراز شرایط، در طرف مقابل نیز تجملات و ملاک‌های تجملاتی را جست‌وجو کند. براساس یک تحقیق «در حالی که بسیاری از جوانان مجرد مشکلات اقتصادی را مانع ازدواج قلمداد

۱. علی شیروانی، نهج الفصاحه، ح ۱۵۰۷.

می‌کنند، از نظر سطح پایگاه اقتصادی - اجتماعی وضع بهتری در مقایسه با جوانان متأهل دارند؛ اما در توانایی خود برای برآوردن ملزومات مادی زندگی تردید دارند.^۱ این تردید از آنجا ناشی می‌شود که در دیدگاه آنها، مسکن مناسب، سرپناهی ساده با قیمت و اجاره حدائقلی نیست؛ مرادشان از اشتغال، شغلی با درآمد بالا برای یک زندگی مرفه است. مشکل آنجاست که جوانان سادگی را نمی‌پسندند و هر آنچه را اطرافیان‌شان بعد از ده‌ها سال زندگی مشترک به‌دست آورده‌اند، در شروع زندگی می‌خواهند.

ب) تجمل‌گرایی «بعد از ازدواج» در برگزاری «رسوم و مراسم‌ها» جوان می‌دهد؛ انتظاراتی از طرف مقابل که به‌جای واژه تجملات نام «آبرومند» به آن می‌دهند. بررسی‌های گروه پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی، نشان می‌دهد «تشریفات، افزایش هزینه‌های ازدواج و هزینه‌های سربار آن، باعث کاهش ۷۰ درصدی تمایل به ازدواج، در جوانان ایرانی شده است.»^۲ رسومی مانند مهریه سنگین بر مبنای تاریخ تولد، جهیزیه کمرشکن، توقع برپایی مراسم باشکوه در سالن‌های مجلل و ایام نامزدی طولانی که توأم با مخارج هنگفت در مناسبت‌های مختلف مانند روز تولد، شب چله، اعیاد ملی و مذهبی و... از جمله دلایل عدم رغبت پسران و گاه دختران برای ازدواج است. این انتظارات موجب می‌شود که حتی در صورت اقدام به ازدواج، ابتدای ازدواج که زیباترین دوران زندگی یک زوج است، حلاوت و شیرینی خود را از دست بدهد و از همان نیمه راه، بسیاری از جوانان را درباره ادامه زندگی، دچار تردید سازد؛ تا

۱. شهلا کاظمی‌پور، «سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پی‌آمدهای این نوع از ازدواج‌ها با تأکید بر ازدواج‌های دانشجویی»، فصل‌نامه علمی - ترویجی دانشگاه اسلامی، سال سیزده.

۲. به گزارش خبرگزاری مهر: www.ofc.ir

آنجا که مسئولان آمار کشور، از واقعه‌ای به نام «سونامی طلاق در دوران عقد» یاد می‌کنند؛ «در شهرهای بزرگ، ۴۰ درصد طلاق‌ها در دوران عقد رخ می‌دهد که ۲۷ درصد آنها به دلیل برآورده نشدن توقعات و انتظارات مادی است.»^۱ مسلماً تصویری که جامعه از فروپاشی زندگی‌ها (به دلایل مادی) پیش روی یک جوان می‌گذارد، ذهنیت و تصمیم او را درباره ازدواج، تحت تأثیر قرار می‌دهد.

علل گرایش به تجملات

الف) تغییر ارزش‌های جامعه

به دلیل ضعف اعتقادات، ارزش‌ها در جامعه ما، تغییر جهت داده‌اند و اعتبار داشته‌های مادی، بیشتر از ارزش‌های معنوی تلقی می‌شود. بسیاری از ملاک‌های مادی و حاشیه‌ای که کمترین تأثیر در موفقیت ازدواج دارد، جایگزین ملاک‌هایی چون تدین، اصالت خانوادگی، نجابت، متانت و... شده است که روزگاری باطن انتخاب‌ها بود. تغییر ارزش‌ها، دوعلت اصلی دارد:

۱. غفلت از ظرفیت‌های دینی و فرهنگی: قرآن، نهج‌البلاغه، صحیفه سجادیه و بسیاری از کتب روایی، پشتوانه‌های ارزشمندی برای ارائه سبک زندگی اسلامی هستند که متأسفانه در زندگی روزمره ما آنچنان که باید نقش اصلی ندارند! این غفلت، تنها به پشتوانه مذهبی فرهنگ اسلامی، خلاصه نمی‌شود. ادبیات ما، یکی از ظرفیت‌های کم‌نظیر فرهنگی است که می‌توانسته و می‌تواند بالاترین و والاترین مضامین اخلاقی، ادبی و عرفانی را در افراد جامعه درونی کند و یکی از این مضامین، داشتن روحیه قناعت، مناعت و پرهیز از

دنیاطلبی است؛ اما متأسفانه با تکیه بر علوم وارداتی، کمتر جوان تحصیل‌کرده دانشگاهی ما، غزلی از حافظ را بدون غلط می‌خواند و حکایت‌های پند آموز ادبیات ما کمتر شنیده شده؛ این غفلت از ابزارهای است که بدون شک، رساترین و اثرگذارترین ابزار ابلاغ و تبلیغ خردمندی هستند.

۲. تبلیغ سبک زندگی غربی از سوی رسانه‌ها: ابزارهای تهاجم فرهنگی، اصالت یافتن «لذت‌های مادی» را تبلیغ و سعادت‌مندی را در داشته‌های مادی دنبال می‌کند که دیدگاه‌ها را از سوی سادگی به سمت تجملات، سوق داده است.

گاهی والدین، با مقایسه نظام ارزشی خود و جوانان، از تغییرات ارزشی جامعه گلایه‌مند هستند.

حدیثی از امام صادق علیه السلام است که به والدین و مسئولان جامعه، علت جایگزینی ارزش‌های خودی را با ارزش‌های غربی گوش‌زد می‌کند: «بایدروا أَخْدَاتِكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمَرْجِعَةُ»^۱ احادیث اسلامی را به نوجوانان خود بیاموزید (و در این امر تسریع نمایید) پیش از آنکه مخالفان گمراه بر شما پیشی گیرند.»

ب) تأثیر تجمل‌طلبی والدین بر فرزندان

با وجود تمام گرایشی که جوانان به استقلال از خانواده نشان می‌دهند، انتظارات، ارشادات و القانات خانواده در شکل‌گیری ذهنیت و تصمیم جوانان مؤثر است. دیدگاه تجملاتی یک جوان به ازدواج، پدیده‌ای تراکمی و انباشتی است که آرام آرام در او شکل گرفته است. همه والدین در طول سال‌های تربیت

۱. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۷.

کودک، درباره دیگران صحبت و قضاوت می‌کنند. اگر معیار والدین در تعریف و تمجید از دیگران خانه، ماشین، مراسم عروسی، پدرزن ثروتمند و پدرشوهر متمول باشد، مسلم بدانند که شرایط همسر مطلوب، از نظر دختر و پسرشان شرایط ظاهری و مادی است؛ اما اگر معیار والدین در تعریف از دیگران خوش اخلاقی، مردم‌داری، دیانت و متانت باشد، فرزندان نیز معیارهای سطحی را کنار می‌گذارند و با تعمق و تعقل بیشتری، معیارها و ملاک‌های خود را چینش می‌کنند.

ج) احساس حقارت

افرادی که از خودکم‌بینی رنج می‌برند، خویش را از نظر ارزش ذاتی، کمتر از دیگران ارزیابی می‌کنند و برای جبران حقارت درونی، به تظاهر بیرونی روی می‌آورند. این افراد، چون از درون خود، چیزی برای آرامش و مقبولیت نمی‌یابند، آن را از بیرون طلب می‌کنند و بی‌اختیار به هر آنچه جنبه تأیید در جامعه پیدا می‌کند، عمل می‌کنند. این افراد با تفاخر به ظواهر، سعی در پنهان داشتن حقارت خود دارند.

د) چشم و هم‌چشمی

قرآن کریم می‌فرماید: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ»^۱ در کارهای نیک از یکدیگر سبقت بگیرید. اما چشم و هم‌چشمی انگیزه رقابت با دیگران، در کسب تجملات و ظواهر زندگی است. این پدیده افراد را وامی‌دارد که به جای «تفکر» و «تحقیق»، تنها به «تقلید» از دیگران پردازند.

هـ) فراموشی هدف

کسانی که به تجمل‌گرایی روی می‌آورند، عمدتاً به حواشی زندگی بیش از متن و اصل اهمیت می‌دهند. قرآن کریم هدف ازدواج را آرامش معرفی می‌کند؛ اما با تجمل‌طلبی، رسیدن به آرامش، سخت و چه بسا غیرممکن می‌شود! توجیه بسیاری از جوانان در تجمل‌خواهی‌ها این است که ازدواج، به‌ویژه مراسم عروسی «یک‌بار» در عمر آدمی اتفاق می‌افتد. دقیقاً همین توجیه، به ما گوش‌زد می‌کند که نباید در دام تجملات اسیر شد. باید پرسید: «برگزاری مراسمی به اندازه توانایی‌مان، به ما آرامش می‌دهد یا برای زرق و برق یک‌شبه و پوشالی، زیر بار انواع خرج، قرض و وام رفتن؟ انتظارات معقول از یکدیگر، به ما آرامش می‌دهد یا انتظاراتی که بهای برآورده شدنش مشاجرات و تشویشات عروس و داماد و خانواده‌هایشان است؟»

پی‌آمدهای تجمل‌گرایی

الف) پی‌آمدهای کلی

غفلت از هدف خلقت انسان (عبادت پروردگار)، مهم‌ترین پی‌آمد تجمل‌طلبی است. چنین انسانی به جای آنکه دنیا را وسیله‌ای برای رسیدن به کمال انسانی بداند، رسیدن به ظواهر دنیا را هدف تلقی و خود را از رسیدن به درجه انسانی دور می‌کند؛ چنانچه سعدی شیراز می‌گوید:

تن آدمی شریف است به جان آدمیت

نه همین لباس زیباست نشان آدمیت

اگر آدمی به چشم است و دهان و گوش و بینی

چه میان نقش دیوار و میان آدمیت

خور و خواب و خشم و شهوت، شَغَب است و جهل و ظلمت
حَيَّوان خبیر ندارد ز جهان آدمیست
کاهش تحمل سختی‌ها، بی‌توجهی به نیازمندان، افزایش دزدی و
رشوه‌خواری، افزایش بیماری‌های روانی و افسردگی‌ها، رواج مصرف‌گرایی،
وابسته‌شدن اقتصاد کشور به واردات غیرضروری و... از آثار کلی تجمل‌طلبی
است.

ب) پی‌آمدهای تجمل‌گرایی در ازدواج

۱. کاهش آمار ازدواج و افزایش ناهنجاری‌ها

«کاهش ۹/۵ درصدی ازدواج‌ها در سه سال اخیر که به گفتهٔ مسئولان، در هیچ دوره‌ای تا این حد کاهش نبوده است»^۱، آماری هشداردهنده است. براساس آماری که در صفحهٔ سوم و چهارم مقاله آمده، تجملات نقشی اساسی در کاهش گرایش به ازدواج دارد.

برای شناسایی آسیب‌های کاهش ازدواج، باید مزایای بی‌شمار آن را در بُعد فردی، خانوادگی و اجتماعی بشناسیم. مختصرترین جمله‌ای که می‌توان دربارهٔ آسیب‌های کاهش ازدواج گفت، این است که «کاهش» ازدواج در یک جامعه، «افزایش» ناهنجاری‌های اخلاقی - اجتماعی و انواع بزه‌کاری را به دنبال دارد. این در حالی است که بررسی‌های به عمل آمده، نشان می‌دهد «بیشتر بزه‌کاران پس از طی آموزش‌های اثربخش، پس از ازدواج و تشکیل خانواده، به داشتن یک زندگی آرام و به دور از تخلف و سرپیچی از قوانین تمایل دارند.»^۲

۱. به نقل از رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران: <http://fararu.com/fa/news>

۲. نسخهٔ الکترونیکی روزنامهٔ ولایت، به نقل از رئیس مرکز مراقبت بعد از خروج ادارهٔ کل

زندان‌ها: <http://velaiatnews.com>

افزایش زندگی مجردی و نگرانی والدین از آینده جوانانشان، تحدید موالید و کاهش نسل شیعه، افزایش افسردگی‌های روحی، افزایش ناامنی فضای اجتماع برای زنان و کودکان و افزایش هزاران ناهنجاری فردی و اجتماعی دیگر، از آثار کاهش ازدواج است.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ الْعُزَابُ؛^۱ بیشترین اهل جهنم، بی‌همسران

هستند!»

همچنین می‌فرماید:

«إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ أَحْرَزَ نَصْفَ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النُّصْفِ الْآخَرِ؛^۲ شخصی که

ازدواج می‌کند، در حقیقت نصف دین خود را حفظ کرده است. پس بر او لازم است که برای حفظ باقیمانده آن، تقوای الهی پیشه سازد.»

۲. بالارفتن سن ازدواج

دیگر قربانی تجملات بالارفتن سن ازدواج است. آمارهای رسمی از وجود «بیش از ۱۱ میلیون دختر و پسر در آستانه ازدواج، خبر می‌دهند که در حال پشت‌سرگذاشتن سن باروری هستند.»^۳ تجملات، بیراهه و مسیر فرعی دلفریبی در حاشیه جاده ازدواج است که جوانان و گاه خانواده‌ها را از مسیر اصلی و توجه به امور جدی ازدواج بازمی‌دارد؛ تا آنجا که برای دستیابی به ظواهر دلفریب، جوانان را به تعویق و تأخیر در ازدواج تشویق می‌کند تا هم خودشان در دستیابی به تجملات وقت بیشتری داشته باشند و هم شایسته شخصی باشند

۱. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۴، ح ۴۳۴۹.

۲. میرزاحسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۴، ح ۱۶۳۵۱.

۳. به نقل از مدیرکل دفتر سلامت جمعیت و خانواده وزارت بهداشت: www.mehrnews.com

که او نیز از تجملات و مادیات بهره کافی دارد. غافل از اینکه - همچون طبیعت - دوران سرسبزی و نشاط زندگی انسان، جوانی اوست. به قول پروین اعتصامی:

چو بفروختی از که خواهی خرید متاع جوانی به بازار نیست
جوانی ویژگی‌هایی دارد که برای زندگی مشترک لازم و برای موفقیت آن، بسیار اثرگذار است؛ اما وقتی جوانی می‌گذرد، آن ویژگی‌ها کمتر در آدمی دیده می‌شود؛ برای مثال انعطاف و سازگاری با خُلقیات مختلف، ویژگی دوران جوانی است که با طی شدن آن، انعطاف در برابر دیگران سخت‌تر می‌شود یا ویژگی‌هایی مانند سرزندگی، داشتن شور، عشق و عاطفه، توجه به جنس مخالف، نیاز به صمیمیت با دیگری، توانایی تولید نسل و... باعث می‌شود که اوایل دوران جوانی، بهترین سن برای ازدواج باشد؛ اما نگاه تجملاتی به زندگی، بسیاری از فواید روحی و معنوی ازدواج را قربانی مادیات فریبنده و زوال‌پذیر می‌کند.

۳. سطحی‌شدن معیارهای ازدواج

دیگر قربانی تجملات، معیارهای اساسی و پایدارکننده پیمان ازدواج است. وقتی به جای دیانت، نجابت، متانت و اصالت، «تجمل‌طلبی» نقش طراز اول را پیدا می‌کند، وقتی خانواده‌ها در بررسی معیارها و ملاک‌های تجملاتی، از جوانانشان سبقت می‌گیرند و وقتی محل سکونت خانواده طرف مقابل، اتومبیل خانواده‌اش و بسیاری از ملاک‌های حاشیه‌ای، جایگزین ملاک‌هایی می‌شود که روزگاری باطن انتخاب‌ها بود - به جای اهمیت دادن به معیارهای اساسی و تحقیق درباره شخصیت طرف مقابل - انتخاب سطحی‌نگرانه و نتیجه‌اش تزلزل خانواده و طلاق است.

راه‌کارهای غلبه بر تجمل‌گرایی

الف) معیارهای تجمل‌گرایی را بشناسیم

معیارهایی وجود دارد که می‌تواند خانواده‌ها و جوانان را در ارزیابی میزان گرایش به تجملات یاری دهد.

۱. انگیزه و نیت

تصمیمات کمال‌خواهانه، اگر با انگیزه الهی باشد بسیار پسندیده است. پسری، اصلی‌ترین معیارش برای ازدواج را، تحصیلات عالی^۱ یک دختر متدین بیان می‌کرد و دلیلش این بود که خانم تحصیل کرده و متدین، مطمئناً به مهارت‌های همسررداری آشنایی بیشتری دارد و حتماً مادر بهتری برای تربیت فرزندان است؛ این در حالی است که بعضی‌ها تحصیلات طرف مقابل را فقط برای به رخ کشیدن، رقابت با دوستان و انگیزه‌های دیگر می‌خواهند.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«إِذَا فَسَدَتِ النَّيَّةُ وَقَعَتِ الْبَلِيَّةُ»^۱ هرگاه نیت فاسد شود، بلا و

گرفتاری پیش می‌آید.

بیشتر نیت‌ها در گرایش به تجملات، چشم و هم‌چشمی، رقابت با دیگران و فخرفروشی است.

۲. رعایت توانایی شخصی

از قدیم گفته‌اند: «پا را به اندازه گلیم باید دراز کرد!» در چینش معیارها و ابراز انتظارات از طرف مقابل، باید توانایی خود و طرف مقابل را در نظر گرفت. زوجین در تعیین مهریه، تهیه جهیزیه، تهیه مسکن، خرید عروسی، مکان

۱. تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۹۲، ح ۱۶۰۸.

برگزاری عروسی و حتی تدارک جزئیات مراسم عروسی، مثل تهیه و تزئین ماشین عروس، میوه و شیرینی، شام و... باید توان شخصی طرف مقابل (چه خانواده عروس و چه داماد) را در نظر بگیرند. متأسفانه در بسیاری از مراسم‌ها، تمام جزئیات عروسی را خارج از توان مالی طرفین می‌بینیم! خانواده‌ای که با انگیزه چشم و هم‌چشمی، حاصل چندین سال پس‌انداز خانواده را صرف تهیه جهیزیه می‌کند و حتی از قرض‌گرفتن و وام بانکی هم دریغ نمی‌کند، مسلماً گرفتار تجمل‌طلبی شده است. «یک شب عروسی و سال‌ها بده‌کاری»، نشان‌دهنده عدم رعایت توانایی مالی است!

۳. رعایت عرف جامعه

عرف جامعه در تجمل‌گرایی مسئله‌ای بسیار ظریف است که نیاز به موشکافی و دقت نظر بالایی دارد؛ چراکه در حال حاضر بسیاری از مصادیق تجمل‌گرایی را به منزله عرف جامعه معرفی می‌کنند و به همین بهانه ریخت و پاش‌ها و اسراف‌های فراوانی صورت می‌گیرد که در حیطه عرف جامعه قرار گرفته و مثبت قلمداد می‌شوند.

۴. رعایت اخلاق اجتماعی

فضیلت اخلاقی این است، افرادی که توان مالی و شأن بالای اجتماعی دارند، امکانات زندگی‌شان را در حد افرادی که با آنها در ارتباط‌اند، حفظ کنند. آقایی که کارخانه بزرگی در شهری کوچک دارد و مراسم عروسی پسرش را در حد مراسم متوسطی که ساکنان آن شهر برگزار می‌کنند، گرفت و علت را چنین توضیح داد «نمی‌خواهم جوانان و خانواده‌ها با دیدن یک مراسم عروسی مجلل،

احساس حقارت کنند و سطحی ایجاد کنم که دیگر جوانان به پایین تر از آن شاد نشوند»، یک فضیلت اخلاقی است.

۵. میانه روی

اسراف، گناه کبیره است و میان تجمل طلبی و اسراف، مرز باریکی وجود دارد؛ بنابراین باید مرز میان اسراف و اقتصاد (میانه روی) را بشناسیم تا در تمایل به زیبایی های مادی و کمال طلبی ها، به ورطه گناه اسراف نیفتیم. در برخی روایات، شاخص های گویایی در این باره عنوان شده است.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«لِلْمُسْرِفِ ثَلَاثٌ عَلَامَاتٍ: يَشْتَرِي مَا لَيْسَ لَهُ وَ يَلْبِسُ مَا لَيْسَ لَهُوَ
يَأْكُلُ مَا لَيْسَ لَهُ؛^۱ اسراف کننده سه نشانه دارد: آنچه در شأنش
نیست خریداری می کند، آنچه در شأنش نیست می پوشد و آنچه
در شأنش نیست می خورد.»

بر اساس این حدیث، بیان مصادیقی از اسراف در ازدواج، خالی از لطف

نیست:

- تهیه دسته گل های گران قیمت در مراسم خواستگاری؛
- تهیه لباس عروس گران قیمت، از سوی دامادی که درآمد او متوسط است؛
- تزئین ماشین عروس با گل های کمیاب و گران؛
- گل آرایی سالن عروسی برای دامادی که با کمک مالی والدین می تواند مراسم عروسی بگیرد؛
- هزینه مبالغه هنگفت برای آتش بازی بعد از مراسم عروسی؛

۱. شیخ صدوق، خصال، ص ۱۲۱، ح ۱۱۳.

- جمع‌آوری پول با مشقت فراوان و ترتیب‌دادن مسافرتی گران با هوایما و اقامت در هتل (برای ماه عسل)؛

- خرید مبلمان گران‌قیمت برای جهیزیه از سوی پدری کارگر؛

- گرفتن وام بانکی با اقساط بالا و خرید لوازم غیرضروری و لوکس برای جهیزیه؛

- اختصاص مبالغ هنگفتی برای سرویس چوب‌گران‌قیمت از سوی عروس (برای جهیزیه) یا از سوی داماد (در قالب شیربها).

ب) در امور مادی، خود را با فرودستان مقایسه کنیم

پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده‌اند:

«انظُرُوا إِلَيَّ مِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَ لَا تَنْظُرُوا إِلَيَّ مِنْ هُوَ فَوْقَكُمْ فَهَوَ أَجْدَرُ أَنْ لَا تَزْدَرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ؛^۱ در امور دنیا به پایین‌تر از خود نگاه کنید و به بالاتر از خود منگردید. در این صورت نعمت‌های خداوند را که از آنها برخوردارید، کوچک نخواهید شمرد.»

مقایسه «صعودی» و قیاس خود، با کسانی که امکانات مادی بیشتری دارند، باعث حسرت و حرص می‌شود؛ اما مقایسه «نزولی» و قیاس شرایط خود با فرودستان، باعث «بزرگ‌نمایی» نعمت‌هایی می‌شود که خداوند به ما عطا کرده و افزایش رضایت از زندگی، حاصل مقایسه نزولی است.

ج) به آسیب‌های دنیوی و اخروی تجمل‌گرایی توجه کنیم

برخی از آنها عبارت‌اند از: غفلت از خدا، حقیر شمردن دیگران، تکبر و غرور، تفاخر و اسراف.

۱. فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۲، ص ۴۵۴.

د) معاشرت‌ها را مدیریت کنیم

در معاشرت با افراد و خانواده‌ها، علاوه بر اموری چون تئدین و اصالت، یک‌سان بودن شرایط مالی باید در نظر گرفته شود تا این مسئله به مقایسهٔ صعودی منجر نشود.

در حدیث قابل تأملی، امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

«فَإِنَّ الْعَبْدَ لِاتِّجَالِسِ الْأَغْنِيَاءَ فَإِنَّ الْعَبْدَ يُجَالِسُهُمْ وَ هُوَ يَرَى أَنَّ لِلَّهِ عَلَيْهِ نِعْمَةً فَمَا يَقُومُ حَتَّى يَرَى أَنَّ لَيْسَ لِلَّهِ عَلَيْهِ نِعْمَةٌ؛^۱ با ثروتمندان هم‌نشین نشوید؛ زیرا بنده با آنان هم‌نشین می‌شود، در حالی که معتقد است خدا به او نعمت داده و بر نمی‌خیزد تا معتقد می‌شود که خدا هیچ نعمتی به او نداده است!»

ه) بینش خود را تغییر دهیم

آنچه مناسب‌ترین بستر برای تحمل‌طلبی است، کوتاهی فکر و کوچک‌بودن دنیای ذهنی افراد است و مطالعه به انسان وسعت فکر می‌دهد. افراد اهل مطالعه، قدرت تجزیه و تحلیل بیشتری دارند و متن را قربانی حواشی نمی‌کنند! مطالعهٔ کتب مذهبی و تحقیق و بررسی در سیرهٔ معصومین علیهم السلام و زندگانی بزرگان دینی، می‌تواند جوانان را عمیق‌اندیش و آنها را در مقابل تهاجمات فرهنگی واکسینه سازد.

نقش زن در موفقیت شوهر

سیده طاهره موسوی*

مقدمه

چنانچه نقش آفرینی زن در عرصه‌های مختلف زندگی همسر، سالم، سازنده، اصولی و منطبق با فرهنگ و مذهب ایرانی - اسلامی باشد، زمینه‌های حمایتی برای موفقیت و پیشرفت مرد فراهم خواهد شد؛ اما اگر زنان با الگو برداری‌های نادرست، ناسازگاری، بی‌محبتی، مصرف‌گرایی و... را در پیش گیرند، عاملی برای شکست مرد در زندگی خواهند شد. در واقع موفقیت یا شکست مرد، در گرو رفتار همسر اوست؛ بنابراین زنان که پشتیبانی محکم برای شوهران خویش هستند، باید نقشی مثبت و سازنده در پیشبرد اهداف خانواده داشته باشند.

حضرت علی علیه السلام، چه دلنشین فرمود:

«جِهَادُ الْمَرْأَةِ حَسَنُ النَّبْعِ؛^۱ جهاد زن، شوهرداری خوب است.»

زیرا زن، این همراه همیشگی مرد، با همسر داری نیکو و نمونه‌اش، موجب موفقیت خود و همسرش خواهد شد.

* پژوهشگر.

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۵، ص ۵۰۷.

این مقاله، ضمن بررسی نقش زن در موفقیت همسر چند عامل اثرگذار را در حمایت از مرد، برای وصول به موفقیت بیان می‌کند:

۱. انتظارات منطقی

میزان انتظارات و توقعات زن، از جمله عواملی است که نقشی اساسی در موفقیت یا شکست مرد دارد. چنانچه این توقعات بجا، معقول و متناسب با توانایی‌های مرد باشد، وی بدون دغدغه و با فراغت خاطر، مسیر رسیدن به موفقیت را طی خواهد کرد؛ اما اگر این توقعات، براساس عواملی چون: چشم‌وهم‌چشمی و حسادت، با شرایط اقتصادی، فرهنگی و خانوادگی شوهر نامتناسب و غیرمنطقی باشد، مرد نمی‌تواند قله‌های موفقیت را فتح کند.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره زنانی که به دلیل پرتوقعی، شوهرشان را به برآورده کردن خواسته‌هایی فراتر از حد توانشان مجبور می‌کنند، فرموده است:

«أَيُّمَا امْرَأَةٍ لَمْ تَرْفُقْ بِرَوْجِهَا وَ حَمَلَتْهُ عَلِي مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ وَ مَا لَا يُطِيقُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهَا حَسَنَةً وَ تَلْقَى اللَّهَ وَ هُوَ عَلَيْهَا غَضَبَانٌ؛^۱ هر زنی که با شوهرش مدارا نکند و او را بر چیزهایی که فوق توانایی اوست وادار کند، هیچ عمل و حسنه‌ای از او قبول نخواهد شد و روز قیامت در حالی خداوند را ملاقات می‌کند که بر او خشمگین است.»

زیرا این زنان به جای یاری رساندن برای شکوفاشدن استعدادها و عملی شدن اهداف شوهرشان، با ناسازگاری و خواسته‌های غیرمنطقی، باعث ایجاد مشکلات اقتصادی و تنش‌های فکری و روحی برای همسر و نیز بروز اختلاف و بحران‌های عاطفی برای خانواده می‌شوند.

حال اگر بانوان در بیان تقاضاهایشان - با توجه به سبک زندگی ایرانی و اسلامی - از زندگانی ائمه اطهار علیهم السلام الگو برداری کنند، دچار اختلاف نخواهند شد؛ زیرا آنها همواره بر اساس اصول و منطق خاصی، همچون درک وضعیت زندگی، میزان توانایی مرد و... خواسته‌های خود را بیان می‌کردند. برای نمونه حضرت زهرا علیها السلام در طول زندگی، هیچ‌گاه چیزی از حضرت علی علیه السلام نخواست که برآوردن آن از عهده‌اش خارج باشد.^۱ ایشان پیوسته به همسر بزرگوارش می‌فرمود: «انّی لَأَسْتَحْيِي مِنْ رَبِّي أَنْ أُلْكَفَكَ مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ؛^۲ من از خدا شرم می‌کنم، مبادا از شما چیزی بخوام و بر شما تکلیفی کنم که توان برآوردن و انجام آن را نداشته باشید.»

۲. خلاقیت

خلاقیت زن، یکی دیگر از مهم‌ترین عواملی است که در موفقیت مردان تأثیر فراوانی دارد؛ زیرا زنان خلاق با مهارت‌هایشان، می‌توانند با چالش‌ها، مسائل و مشکلات موجود مواجه شده و با ارائه ایده‌هایی جدید، آنها را حل کنند. یکی از عوامل مؤثر در بروز خلاقیت در زنان، زمینه‌سازی و بسترسازی محیط خانه - توسط خودشان - برای پرورش اندیشه‌های نوین است. بدیهی است که زنان خلاق در چنین محیطی، با توانایی‌های ذهنی و اعمال تغییرات، می‌توانند سبب‌ساز توسعه و بهبود وضعیت اقتصادی، عاطفی، معنوی، حمایتی و ارتباطی خانواده شوند و با این اقدامات، معضلات همسرشان را مرتفع و او را در انجام برخی وظایف یاری کنند و نیز رضایت خداوند متعال را کسب نمایند.

۱. سید علی اصغر موسوی، فاطمه علیها السلام مادر تمام خوبی‌ها، ص ۱۰۴ - ۹۳.
۲. مرتضی حسینی فیروزآبادی، فضائل الخمسة من الصحاح الستة و غيرها من الكتب المعتمدة عند اهل السنة و الجماعة، ج ۲، ص ۱۴۷؛ موسی حائری اسکونی، احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۳۲۳.

امام سجاد علیه السلام در این باره می‌فرمایند:

«رضایت‌مندترین شما نزد خداوند، کسانی هستند که برای خانواده خود توسعه و گشایش ایجاد می‌کنند.»^۱

خلاقیت زنان در زندگی را می‌توان در اقدامات داخل (خانه‌داری و بهبود امکانات) و خارج از خانه (جامعه) و چگونگی رفتار خلاصه کرد. در اینجا به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:

الف) خانه‌داری و ایده‌هایی نوین

خانه‌داری مجموعه‌ای از کارهای مهم، بنیادی و بستری برای فرهنگ‌سازی، اصلاح، بهبود امکانات و رشد خانواده است. زنان در کنار کار در خانه، با هنرهایی چون خیاطی، قالی‌بافی و گل‌دوزی، از یک سو می‌توانند در شرایط بحرانی به اقتصاد خانواده یاری رسانند^۲ و از سوی دیگر با ظرافت فکری، حس زیبادوستی و دقت خود، از ابزارها و لوازم موجود استفاده بهینه کرده و کمبودهای زندگی را برطرف کنند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرمایند:

«أَيُّمَا امْرَأَةٍ خَدَمَتْ زَوْجَهَا سَبْعَةَ أَيَّامٍ أَغْلَقَ عَنْهَا سَبْعَةَ أَبْوَابِ النَّارِ وَ فَتَحَ لَهَا ثَمَانِيَةَ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ تَدْخُلُ مِنْهَا - أَيُّهَا شَاعَتْ؛^۳ زنی که چیزی را در منزل شوهرش جابجا می‌کند و قصد او از این کار اصلاح و بهتر شدن است، خدای متعال نگاه رحمتش را بر او

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۱۱.

۲. شکیباسادات جوهری، معماران تربیت (منزلت زن از دیدگاه اسلام و رهبران انقلاب اسلامی)، ص ۶۰.

۳. دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۳۳۳.

می‌افکند و خدای متعال، شخصی را که نگاه رحمتش را بر او می‌افکند، عذاب نمی‌کند.»

نمونه‌ای از این زنان، خانم «خدیجه ثقفی»، همسر امام خمینی علیه السلام است که در کنار خانه‌داری و انجام وظایفش، برای بهبود وضعیت زندگی، خلاقیت خود را به کار گرفته است. ایشان در این باره می‌گویند: «امام علیه السلام، سالی بیش از یک‌بار برای فرزندان لباس نمی‌خرید؛ اما وسط سال لباس آقامصطفی کهنه می‌شد و اگر به امام علیه السلام می‌گفتم، ایشان اجازه تهیه لباس نمی‌داد. من هم با هنر خیاطی، قبای کهنه امام علیه السلام را پشت و رو می‌کردم و از آن، یک دست کت و شلوار شیک برای آقامصطفی می‌دوختم.»^۱

چنین خلاقیت‌هایی، بیانگر بروز ایده‌ها و نگاه‌های دگرگونه به امکانات موجود است که علاوه بر کم کردن بار فکری مرد، موجب تمرکز بیشتر در مسائل مهم و اهداف پیش روی او می‌شود.

ب) خلاقیت در حل مشکلات مادی

بروز معضلاتی مانند ورشکستگی، نداشتن کسب و کار خوب، بیماری و... موجب ناراحتی و نامهربانی‌های برخی از زنان می‌شود. زن اگر به جای نامهربانی‌ها، خلاقیت خود را به کار گرفته، کمر همت ببندد و با ایده‌های جدید، شوهر را یاری کند، هم موجب سامان بخشیدن به زندگی خانواده و فرزندان خود و هم در پیشگاه خداوند رؤسفید خواهد شد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده‌اند:

«مُؤْمِنٌ إِمْرَأَةٌ غَزَلَتْ لِتَشْتَرِيَ لِأَوْلَادِهَا أَوْ عِيَالِهَا، إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهَا ثَوَابَ مَنْ أَطْعَمَ أَلْفَ جَائِعٍ وَ أَكْسَى أَلْفَ غُرِيَانٍ؛^۲ هر زنی که بافندگی

1. <http://tnews.ir/news/EA4C39914179.html>

۲. بحرانی، عوالم العلوم والمعارف، ج ۱، ص ۵۲۳.

کند و با درآمد آن، چیزی برای فرزندان و خانواده‌اش خریداری کند، خدای متعال ثواب اطعام هزاران گرسنه را به او عنایت می‌فرماید و نیز ثواب پوشاندن هزاران برهنه را به او عطا می‌فرماید.»

از این رو در بحران‌های مالی، زن نقش خاصی در اداره زندگی خواهد داشت؛ زیرا با برعهده گرفتن برخی مسئولیت‌های مادی، باعث بهترشدن اوضاع شده و مرد می‌تواند با فراغت ذهنی، تدابیری برای پی‌گیری و پیشبرد اهدافش اتخاذ کند؛ وگرنه مرد چنان در مشکلات اقتصادی متوقف می‌شود که درنهایت، از ادامه حرکت بازمی‌ایستد. ماجرای درباره کمک زن در مشکلات مادی، در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: «یکی از یاران مخلص ایشان به نام عبدالله بن مسعود، همسری به نام زینب و چند فرزند داشت و از نظر مالی در مضیقه بود. زینب تصمیم گرفت همسرش را کمک کند. او ضمن اینکه وظایف و عبادات دینی خود را به خوبی انجام می‌داد، با انجام کارهای صنعتی، مبالغی پول به دست می‌آورد و علاوه بر تأمین زندگی خانواده، به مستمندان هم کمک می‌کرد.»^۱

ج) تعاملات اجتماعی

مردان موفق و بزرگ، برای گسترش اهداف خود، باید با مردم اجتماع ارتباط و تعامل داشته باشند. در واقع مردان از این طریق، سریع‌تر به موفقیت مورد نظرشان می‌رسند. زنان با هنر مهمان‌داری، نقش مهمی در برقراری ارتباط با دیگران دارند؛ به بیان دیگر زنان با مناعت طبع، برنامه‌ریزی و هنر خانه‌داری خود، می‌توانند باعث گسترش نیکی، پیشرفت روابط اجتماعی، ارتقای سطح

۱. محمد مهدی اشتهازدی، زنان مردآفرین، ج ۲، ص ۲۳۳ و ۲۳۴.

خانوادگی و تعالی همسر خود شوند. در تاریخ نمونه‌های بسیاری از این زن‌ها وجود دارد که ساره همسر حضرت ابراهیم علیه السلام یکی از ایشان است. «عامل و نشانه شخصیت و کمال ساره، کار خانه و پذیرایی از مهمانان حضرت ابراهیم علیه السلام بود. خداوند در قرآن، از این ویژگی نیکوی ساره چنین یاد می‌کند: «وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ»^۱ از این آیه درمی‌یابیم ساره، همواره سرپا و آماده پذیرایی از حضرت بود. وی همچنین در پذیرایی از مهمانان همسرش چنان مهارت داشت که حتی وقتی مهمان ناخوانده‌ای به منزل آنان می‌آمد، طولی نمی‌کشید که به بهترین شکل از وی پذیرایی می‌شد؛ چنانکه در قرآن می‌خوانیم: «فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ»^۲ و دیری نپایید که گوساله‌ای بریان آورد.»^۳

۳. محبت

محبت از دیگر عواملی است که مرد را به اهداف موفقیت‌آمیز می‌رساند. «اگر زن، همیشه به شوهر محبت کند و شاد و خرم باشد، شوهرش هم به کسب و کار و زندگی دلگرم و علاقه‌مند می‌شود و در همه کارها موفق خواهد شد. مردی که کمبود محبت داشته باشد، به زندگی و کسب و کار بی‌علاقه می‌شود.»^۴ و از موفقیت و پیشرفت روی می‌گرداند؛ بنابراین زن همواره باید به شوهرش محبت کند و او را برای رسیدن به اهداف مطلوبش تا حد توان یاری کند؛ زیرا حمایت، محبت و روابط عاطفی، علاوه بر القای باور قلبی موفقیت، موجب هضم

۱. هود: آیه ۷۱.

۲. هود: آیه ۶۹.

۳. شکیباسادات جوهری، معماران تربیت (منزلت زن از دیدگاه اسلام و رهبران انقلاب

اسلامی)، ص ۲۲.

۴. ابراهیم امینی، آیین همسرمداری، ص ۱۳.

بسیاری از مشکلات زندگی و افزایش کوشش مرد می‌شود. یک نمونه عینی در این باره، حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ است؛ چنانچه «لبخندها، مهربانی‌ها و محبت‌های حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ بود که در دوره رسالت، غبار اندوه را از چهره پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌زدود. او بود که خاک و خاکستری را که جاهلان روزگار بر سرش می‌پاشیدند، پاک می‌کرد و به پیامبر قوت قلب می‌داد.»^۱ خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ علاوه بر فداکاری درباره صرف مال و اموالش در راه هدف متعالی پیامبر و اسلام، فداکاری‌های دیگری از جمله حمایت جانی از پیامبر و اهداف او کرده است. خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ شریک غم‌های پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و نوازشگری مهربان برای آن حضرت بود.^۲ مهربانی او وقتی بیشتر آشکار شد که مسلمانان به شعب ابی طالب رانده شدند. ثروت و دارایی او بود که مسلمانان را از خطر نیستی نجات بخشید؛ چنانکه «زهری» می‌نویسد: «خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ برای رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چهل هزار، انفاق می‌کرد.»^۳

۴. صبر

همان‌گونه که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرموده‌اند، مکارم اخلاق ده مورد است که یکی از آنها صبر و استقامت در هنگام سختی‌هاست.^۴ از دیگر عرصه‌های موفقیت در زندگی مردان بزرگ، عرصه تحمل شرایط سخت است. چگونگی این شرایط، با توجه به جایگاه و شغل مردان متفاوت است و مردان برای تحمل آن، به وجود همسرشان نیاز دارند؛ زیرا به یمن حضور وی، به قوت قلب و آرامش می‌رسند و

۱. ره‌توشه ماه مبارک رمضان، «همسرداری و همکاری با خانواده»، ش ۱۰۷، ص ۸۱.

۲. محمد مهدی اشتهاردی، زنان مردآفرین، ص ۸۰.

۳. ابن‌جوزی، تذکرة الخواص، ص ۳۱۴.

۴. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۵۵ و ۵۶.

می‌توانند با انرژی، پشتکار و اعتماد به نفس بالا، مشکلات را حل کنند؛ بنابراین زنان باید همواره در این شرایط کنار همسر خود باشند.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

«يَجِبُ عَلَى الْمَرْأَةِ أَنْ تَصْبِرَ عَلَى زَوْجِهَا عَلَى الصَّرِّ وَالنَّفْعِ وَتَصْبِرَ

عَلَى الشَّدَةِ وَالرِّخَاءِ كَمَا صَبَرَتْ زَوْجَتَا أَيُّوبَ الْمُبْتَلَى؛^۱ بر زن لازم

است که در هر حال کنار شوهرش بوده و در مقابل سختی‌ها و

تنگناها صبور و بردبار باشد؛ مانند همسر حضرت ایوب عَلَيْهِ السَّلَام...»

بسیاری از زنان، ماند همسران جانبازان به‌صورت داوطلبانه همراهی در

شرایط سخت را انتخاب می‌کنند و با این کار خود، در واقع جهاد می‌کنند؛ زیرا

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «به‌راستی که خداوند - عز و جل - بر زنان و مردان جهاد

را واجب کرده است؛ اما جهاد مردان آن است که (برای حفظ دین و مملکت)

مال و خون خود را بذل کنند تا در راه خدا کشته شوند و جهاد زنان آن است که

در مقابل دشواری‌های زندگی همسر صبر کنند.»^۲

بنابراین زنان در شرایط سخت رسالت بس سنگینی دارند و باید همواره در

تمام سختی‌ها شریک همسرشان باشند؛ نمونه‌ای از این زنان، «خانم

«عزت الشریعه مدرس مطلق»، همسر دکتر شهید بهشتی است که در تمام

شادی‌ها و غم‌ها، شریک زندگی او بود و نقش مؤثری در تبلیغ و اشاعه فرهنگ

اسلامی داشت.

شهید بهشتی رَحِمَهُ اللهُ می‌فرماید:

«ثمره ازدواجمان تا امروز، ۲۹ سال زندگی مشترک با سختی‌ها،

۱. میرزاحسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۲.

۲. حسن بن فضل طبرسی، مکرم الاخلاق، ص ۲۱۵.

آسایش‌ها، تلخی‌ها و شادی‌ها بود؛ چون همسر من همه‌جا، چه در خارج و چه در اینجا، همراه من بود.»^۱

همسر حضرت امام علیه‌السلام نیز، در تمام شرایط سخت با شکیبایی و استقامت خود، همواره ایشان را یاری می‌کرد. وی پانزده سال، آب و هوای گرم نجف را با مشکلات تحمل کرد و همه‌جا همراه امام بود؛ درحالی که در خانواده پدری‌شان در رفاه به سر می‌برد و دخترخانم پانزده‌ساله‌ای بیش نبود که به خانه امام وارد شد. مثل اینکه در آن موقع قم را دوست نداشت؛ ولی هرگز این مسئله را نزد امام اظهار نکرد و این خود، نشان‌دهنده صبر ایشان است. گفتنی است یکی از دلایل علاقه بسیار حضرت امام به ایشان نیز، همین صبر بود. امام خمینی رحمه‌الله همیشه می‌گفتند: «خانم بی‌نظیر است! زجری که این خانم کشیده، هیچ‌کسی نکشیده.»^۲ البته خانم ثقفی نیز، بر سختی‌ها و صبری که داشته‌اند، همواره افتخار می‌کنند.^۳

از دیگر زنان، همسر «میرزا کوچک‌خان» است که تا آخرین لحظات سخت زندگی شوهر، کنار او بود و دوشادوش وی به مبارزه پرداخت. میرزا در این باره به او گفته است: «تو برایم بانویی بودی که در تمام شرایط سخت، همچون کوه ایستادگی کردی! در عین حال، ذره‌ای از محبتت به من کم نشد و هرگز شکایت نکردی؛ معنی شریک زندگی و همسر بودن همین است. از تو متشکرم و از خدا برایت بهترین را آرزومندم!»^۴

۱. واحد فرهنگی بنیاد شهید، او به تنهایی یک ملت بود، ص ۴۸.

۲. غلامعلی رجایی، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی رحمه‌الله، ج ۱، ص ۷۴.

۳. مصباحی، «یادمان زندگی و خدمات همسر امام رحمه‌الله»، ص ۲۱۴.

۴. ابراهیم فخرایی، سردار جنگل، ص ۳۸۴.

۵. مدیریت خانواده

در زندگی مردان بزرگ و موفق، زنان وظایف بیشتری در مدیریت خانه دارند؛ زیرا مردها بنا بر وظایف و مسئولیت‌های خود، به فکر اداره و مدیریت وظایف بیرون از خانه و نیز برنامه‌ریزی، تدبیراندیشی و تلاش برای رسیدن به اهداف‌شان هستند. تربیت فرزندان، نظم و انضباط، مرتب‌کردن خانه، توجه به درس و موفقیت فرزندان و... برعهده زنان مردان موفق است و آنها باید به‌گونه‌ای عمل کنند که همسرشان بی‌دغدغه و مشغله ذهنی، آسوده‌خاطر در مسیر موفقیت و تعالی اهداف خویش گام بردارند. بدیهی است، مسئله مهم در زندگی بیشتر مردان، به‌ویژه مردان موفق، چگونگی اداره زندگی و خرج خانه است. بیشتر زنان برای این مسائل تدابیر خوبی دارند و با توجه به وضعیت اقتصادی، درآمد خانواده و خواسته‌های شوهر و فرزندان، اولویت‌بندی و برنامه‌ریزی می‌کنند.

امام صادق علیه السلام درباره این زنان می‌فرماید:

«حَيْرٌ نِسَائِكُمْ، الطَّيْبَةُ الرَّيْحُ، الطَّيْبَةُ الطَّبِيخُ، الَّتِي إِذَا أَنْفَقَتْ أَنْفَقَتْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ أَمْسَكَتْ أَمْسَكَتْ بِمَعْرُوفٍ. فَتِلْكَ عَامِلَةٌ مِنْ عَمَالِ اللَّهِ وَ عَامِلَةٌ لِلَّهِ لَا يَخِيْبُ وَ لَا يَنْدَمُ؛^۱ بهترین زنان، زنی است که دارای بویی خوش و دست‌پختی خوب باشد. وقتی خرج (انفاق) می‌کند، بجا خرج کند و هنگامی که خرج نمی‌کند، بجا از خرج کردن خودداری ورزد. چنین زنی، کارگزاری از کارگزاران خداست و کارگزار خدا نه ناامید می‌شود و نه پشیمان!»

یکی از نمونه‌های این زنان، خانم «قمرالسادات مهدوی طباطبایی»، همسر علامه طباطبایی است که به‌خوبی زندگی را اداره و مدیریت می‌کرد. فرزندانش

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۵.

درباره نحوه مدیریت مادرش گفته است:

«پدرم... صاحب‌اختیار خانه و امور آن را مادرم می‌دانستند. مادرم به کارهای درس ما و رفت و آمدهایمان رسیدگی می‌کرد و همه مسائل را کنترل می‌کرد؛ به قدری با هدایت عمل می‌کرد که پدرم با فراغت خاطر تمام به امور علمی خود می‌پرداختند.»^۱

همچنین علامه طباطبایی درباره چگونگی اداره منزل به دست همسرشان می‌فرماید:

«من زندگی پرفراز و نشیبی داشتم. در نجف اشراف با سختی‌هایی مواجه می‌شدیم. من از حوائج زندگی و چگونگی اداره آن کمتر اطلاع داشتم. مدیریت خانه برعهده خانم بود. در طول مدت زندگی ما، هیچ‌گاه نشد خانم کاری بکند که من حداقل در دلم بگویم: «کاش این کار را نمی‌کرد!» یا کاری را ترک کند که من بگویم: «کاش این عمل را انجام داده بود!»^۲

۶. قناعت

مردان زمانی به موفقیت می‌رسند که ذهن و وقت آنها درگیر مسائل پوچ و سطحی نشود. این زنان هستند که با انتخاب نوع زندگی، می‌توانند چنین مشغله‌هایی را از مردها دور کنند. یکی از این مشغله‌های ذهنی، تلاش برای مصرف‌کنندگی است. می‌توان گفت در قرن حاضر، بسیاری از مردم در هیپنوتیزم مصرف‌گرایی غرق شده‌اند و بعضی از زنان به‌گونه‌ای تحت تأثیر تبلیغات رسانه‌ها قرار گرفته‌اند که تعویض هر ساله لوازم و اثاثیه را از ملزومات

۱. مجله زن روز، «مصاحبه با خانم نجم‌السادات طباطبایی»، ش ۸۹۲، آبان ۱۳۶۱، ص ۶۰.
 ۲. علی‌اکبر حسینی، مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، «ویژگی‌های اخلاقی علامه طباطبایی»، ص ۳۶.

زندگی خود می‌دانند. این نگرش، منجر به بروز چالش‌های بسیاری در خانواده‌ها - به‌ویژه خانواده‌های کم‌درآمد - شده است؛ زیرا زنان به‌جای تشویق مرد برای پیشرفت و تعالی، پیوسته شوهر خود را به کسب ثروت ترغیب می‌کنند و این مسئله، نه تنها موجب انحراف مرد از اهداف و برنامه‌های آتی زندگی‌اش می‌شود، بلکه از او ماشین چاپ پول با تفکر مصرف‌گرایی می‌سازد. در حالی که مردها به‌جای هدر دادن سرمایه مالی و عقلی خود برای مصرف‌زدگی، می‌توانند از آن در دیگر عرصه‌های مهم زندگی بهره‌گیرند و سریع‌تر به موفقیت مدنظر خود برسند.

برخی از زنان، مثل همسر شهید رجایی، هیچ‌گونه توجهی به مصرف‌گرایی ندارند و با قناعت‌گرایی، سبک زندگی ساده و معقولی را از همان ابتدای شروع زندگی مشترک انتخاب می‌کنند. ایشان درباره خرید دوران نامزدی‌اش می‌گوید: «شهید رجایی موارد ضروری را می‌خرید و درباره طلا و جواهر می‌گفت، اینها باشد بعد برویم با فرصت و وقت مناسب و با سلیقه یکدیگر بخریم. من هم که می‌فهمیدم، دلم به حال او می‌سوخت و از طرفی هم خوشم می‌آمد که چنین عزت‌نفس و مناعت‌طبعی دارد.» اما نوعروسان امروز، به جای آنکه با برنامه‌ریزی‌های دقیق از سرمایه‌های مالی شوهرشان برای موفقیت وی بهره‌گیرند و تنها به داشتن امکانات ضروری قانع باشند، برای رسیدن به خواسته‌های مصرف‌زدگی خود، شوهر را به قرض و بدهکاری ناچار می‌کنند. همسر شهید رجایی همچون خود شهید، همواره در زندگی قناعت را پیشه می‌کردند و با توجه به اینکه تدبیر شهید، فراهم کردن وسایل رفاهی در حد ممکن بود، خانم «عاتقه صدیقی (پوران رجایی)» هیچ‌گاه اعتراض نمی‌کردند و همواره ساده‌زیست بودند. حال آنکه ایشان با توجه به مقام و موقعیت همسرشان، می‌توانستند

توقعات مصرفی فراوانی داشته باشند؛ اما پیوسته با قناعت و رضایت زندگی کردند. امام صادق علیه السلام در حدیثی درباره زن قناعت‌پیشه می‌فرماید: «بهترین زنان شما، زنی است که اگر چیزی به او داده شد، شکر و سپاس گوید و اگر از چیزی محروم شد، راضی و قانع باشد.»^۱

۷. برقراری آرامش

یکی دیگر از عوامل سبب‌سازِ موفقیت مرد، وجود حس آرامش در خانه است؛ به‌ویژه برای مردانی که در خانه کار یا پژوهش می‌کنند. محیط خانه چنین مردانی، باید بیش از دیگران سرشار از آرامش و تفاهم، خوشرویی و احترام، محبت و گذشت و عاری از تنش، مشاجره، ناراحتی و... باشد تا آنها بتوانند علاوه بر آسوده‌خاطر بودن و استراحت جسمی و فکری، به تعالی اندیشه پردازند. فراهم کردن این محیط برعهده زن است؛ «زیرا خداوند در قرآن کریم، اصالت در ایجاد آرامش را به زن داده، او را در این امر روانی اصل دانسته و مایهٔ مودت و رحمت یاد کرده است.»^۲

در قرآن مجید آمده است:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ
بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً...»^۳ و از نشانه‌های او، این است که از
خودتان همسرانی برای شما آفرید تا با آنها آرام گیرید و میانتان
مهر و رحمت نهاد.»

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۹.

۲. میترا اژدری، «افکارمان را بشوییم»، مجله پیام زن، ش ۲۷۶، ص ۲۶.

۳. روم: آیه ۲۱.

تاریخ نمونه‌های بسیاری را از این‌گونه زنان به خود دیده است؛ اما اسوه تمام زنان جهان، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، برای برقراری آرامش، به‌گونه‌ای رفتار می‌کرد که حضرت علی علیه السلام می‌فرمود:

«وَلَقَدْ إِلَيْهَا كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنَكَ عَنِّي الْهُمُومَ وَالْأَحْزَانَ؛^۱
هرگاه به خانه می‌آمدم و به فاطمه می‌نگریستم، همه اندوهم
برطرف می‌شد.»

زن و حفظ اسرار خانواده

حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی*

مقدمه

از صفات زیبای خداوند متعال، آشکار کردن زیبایی‌ها و پوشاندن صفات زشت است؛ چنان‌که در «حدیث کنز العرش» می‌خوانیم:

«يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ وَ لَمْ يَهْتِكِ السُّتْرَ؛^۱ ای خداوندی که خوبی را ظاهر می‌کنی، بدی را می‌پوشانی، بر خطاها سرزنش نمی‌کنی و پرده‌ها را نمی‌دری!»

پروردگار مهربان بسیاری از زشتی‌های رفتار ما را آشکار نمی‌سازد؛ بلکه نیکی‌ها و زیبایی‌ها را نمایان می‌کند که بنده‌اش را در نظر دیگران خوش‌سیرت نشان دهد. اگر چشم‌پوشی خداوند نبود، انسان خود را رسوا می‌ساخت و انگشت‌نمای عام و خاص می‌شد. بنابراین، خدا رازدار است و رازداران را دوست می‌دارد.

امیرالمؤمنین عليه السلام در دعای کمیل می‌فرماید:

«وَ كَمْ مِنْ نَتَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نَشْرُتُهُ؛ (خدایا!) و چقدر از

* پژوهشگر و استاد سطح عالی حوزه علمیه.

۱. شیخ صدوق، التوحید، ص ۲۲۱.

صفات زیبایی که من لایقش نبودم، در میان مردم منتشر کرده‌ای!»

خداوند متعال دربارهٔ رازداری خویش فرموده است: «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَيَّ غَيْبِيهِ أَحَدًا؛^۱ دانای نهران است و کسی را بر غیب خود آگاه نمی‌کند». او، بر همهٔ اسرار مطلع است و از تمام اتفاقات، آگاه؛ اما با این حال، هیچ‌کس از اسرار غیب او آگاه نیست. خداوند متعال خود، رازهای بندگان را می‌پوشاند و برای همین بر رازداری تأکید دارد.

انسان مؤمن هم ممکن است، اسرار پنهانی و رازهای سربه‌مهر دیگران را بداند؛ اما هرگز آن را فاش نمی‌کند و آبروی کسی را نمی‌برد. او اسرار خود، اسرار خانواده و دوستان و حتی اطلاعات پنهانی مملکت را حفظ می‌کند و رازدار است؛ چراکه حفظ اسرار و آبروداری، از صفات الهی است؛ پس کتمان سرّ، یکی از ویژگی‌های بارز اهل ایمان است که از صفات الهی نشأت گرفته و انسان مؤمن همواره به اخلاق الهی متخلق است.^۲

قرآن بر اهمیت رازداری در ماجرای اصحاب کهف هم تأکید کرده است که آنان به فرستادهٔ خود برای خرید آذوقه از شهر، توصیه کردند: «وَلْيَسْتَلْطَفْ وَ لَا يَشْعُرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا؛^۳ فرستاده باید با لطافت عمل کند و هیچ‌کس را بر (راز) شما متوجه نسازد.»

همچنین در سوره‌های قصص: آیه ۱۰، آل عمران: آیه ۱۱۸ و توبه: آیه ۷۴، به

۱. جن: آیه ۲۶.

۲. قانون مجازات اسلامی، افرادی را که به موجب قانون محرم اسرار مردم هستند (مانند وکلای دادگستری، کارگزاران بورس اوراق بهادار، مرکز آمار، رسانه‌های عمومی و پزشکان، جراحان و داروفروشان)، در صورت افشای اسرار مستحق مجازات می‌داند.

۳. کهف: آیه ۱۹.

اهمیت رازداری و خطر افشای آن پرداخته شده است.

در این میان حفظ اسرار شخصی و خانوادگی خود و دیگران، یکی از فضیلت‌های اخلاقی بسیار مهم است. وجود این صفت در هر انسانی، نشانه‌ی کمال ایمان، عقلانیت، آزادگی، امانت‌داری، آینده‌نگری و ثبات شخصیت است.

حضرت علی علیه السلام فرمود: «صَدْرُ الْعَاقِلِ صُنْدُوقُ سِرِّهِ؛^۱ سینه عاقل، صندوق سرّ اوست.» انسان عاقل هرگز گنجینه‌ی اسرار خود را در معرض عموم قرار نمی‌دهد.

در فرهنگ اسلامی، انسان مسلمان نه تنها موظف به حفظ اسرار خویش است، بلکه اسرار دیگران را هم پیش خود نگه‌می‌دارد و هرگز آن را بدون رضایت صاحبانشان افشا نمی‌کند؛ چراکه افشای آن، گاهی منشأ حسد، کینه‌توزی و رقابت‌های ناسالم می‌شود، افراد تگ‌نظر و کینه‌توز بر انسان هجوم می‌آورند و مصالح صاحبان راز به خطر می‌افتد؛ چنان‌که قرآن شریف در داستان حضرت یوسف علیه السلام درباره اهمیت پوشاندن راز فرمود:

«قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ

الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ؛^۲ [يعقوب] گفت: ای پسرک من!

خوابت را بر برادرانت حکایت مکن که برای تو نیرنگی می‌اندیشند؛ زیرا

شیطان برای آدمی دشمنی آشکار است.»

رازداری و تحکیم بنیان خانواده

مسئله هر کسی در زندگی خویش اسراری دارد که جایگاه اجتماعی و اعتلای

۱. فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۴.

۲. یوسف: آیه ۵.

شخصیت وی در گرو حفظ آن است. این مهم، زمانی بیشتر جلوه می‌کند که اسرار پنهانی مربوط به روابط زوجین و زندگی خصوصی آنان باشد. در این صورت، حفظ اسرار خانواده از لوازم یک زندگی موفق، آرام و بی‌دغدغه است. در موفقیت خانواده یکی از قوانین لازم، حفظ اسرار خود و دیگر اعضاست. این خصلت آثار و برکات فراوانی دارد که مهم‌ترین آن، پایدارتر شدن زندگی، استحکام آن و جلب اعتماد بیشتر همسران است.

برای همین، خداوند متعال دو رکن اساسی خانواده، یعنی زن و شوهر را به منزله لباسی قلمداد می‌کند که باید پیوستگی شدیدی در تمام ابعاد زندگی با هم داشته باشند.^۱

یکی از ویژگی‌های لباس، عیب‌پوشی و محافظت از حریم خصوصی انسان است و قرآن شریف این پیام را می‌رساند که اگر زن و مرد از افشای رازها و اختلافات خود پرهیز کنند و عیب‌های همدیگر را بپوشانند، یکی از مهم‌ترین وظایف خود را در تحکیم پیوند زناشویی انجام داده‌اند. این تعبیر، نهایت ارتباط معنوی مرد و زن و نزدیکی آنها را به یکدیگر و نیز مساوات‌شان را در این زمینه روشن می‌سازد.

از منظر پیشوای ششم، امام جعفر صادق علیه‌السلام، اسرار هر شخصی فقط در وجود او قرار می‌گیرد و مانند خون در رگ او جاری می‌شود؛ نه رگ‌های دیگران. آن گرامی فرموده است: «سِرُّكَ مِنْ دَمِكَ فَلَا يَجْرِيَنَّ مِنْ غَيْرِ أَوْ دَاجِكَ؛^۲ سرّ تو، همچون خون توست که فقط باید در رگ‌های تو جاری باشد.»

آری رازهای میان زن و شوهر، مانند خون در شریان حیاتی خانواده و جامعه

۱. بقره: آیه ۱۸۷: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ.»

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۷۱.

است. پاسداری از آن هم، بر عهده زن و مرد است. همان‌طور که خون، عامل بقای انسان است و اگر از بدن خارج شود، جان هم پر می‌کشد، اسرار خانواده هم همین‌طور است. اگر رازهای پنهانی میان زن و شوهر افشا شود، روح و روان آن خانواده افسرده و پژمرده می‌شود؛ در حقیقت همسر به معنای هم‌سر است. رازهای آنان به هم گره خورده و با افشای یکی، دیگری هم لطمه خواهد خورد. سعدی می‌گوید:

خامشی به که ضمیر دل خویش با کسی گفتن و گفتن که مگوی
ای سلیم! آب ز سرچشمه بیند که چو پر شد، نتوان بستن جوی^۱

افشای رازهای خصوصی، می‌تواند به‌صورت بیان راز همسر برای دیگران، بیان راز خود برای دیگران، بیان راز دیگران برای همسر یا بیان رازهایی از زندگی مشترک برای دیگران باشد. این موارد، هر کدام آثار سوئی بر روابط زن و شوهر دارد؛ البته در مواردی استثنایی هم، آثاری مثبت دارد که اشاره خواهد شد.

نقش زن در حفظ اسرار

در این میان، نقش زن در حفظ اسرار شوهر چنان مهم است که قرآن کریم، بانوان شایسته را با آن ویژگی توصیف می‌فرماید:

«فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ»^۲ همسران شایسته، آنهایی هستند که متواضع‌اند و در غیاب همسر خود، اسرار او را در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده حفظ می‌کنند.»

در مقابل، همسران حضرت لوط و نوح علیهم‌السلام را به دلیل افشای راز

۱. سعدی، گلستان، باب هشتم، آداب صحبت.

۲. نساء: آیه ۳۴.

همسرانشان نکوهش می کند و می فرماید:

«صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَاتَتَا تَحْتَ
عَبْدَيْنِ مِّنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَاتَتَاهُمَا؛^۱ خداوند برای کسانی که
کافر شده اند، به همسر نوح و همسر لوط مثل زده است. آن دو تحت
سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند که به آنها خیانت کردند
(رازشان را فاش نمودند).»

علامه طبرسی، مفسر عالی مقام شیعه می نویسد: «زنان حضرت نوح و
لوط علیهم السلام که در این آیه خائن معرفی شده اند، قطعاً خیانت جنسی نکرده اند؛ زیرا
تمام زنان پیامبران عفیف بوده اند؛ بلکه مراد افشای راز شوهرانشان بوده است؛
برای مثال، زن حضرت نوح علیها السلام، کسانی را که به وی ایمان می آوردند، به حاکم
وقت و دشمنان آن حضرت گزارش می داد.^۲»

رازداری حضرت فاطمه علیها السلام

شیخ صدوق، در کتاب شریف «امالی»، از عایشه روایت می کند که روزی
حضرت فاطمه علیها السلام به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و به صورت پنهانی با ایشان
گفت و گو کرد. وقتی درباره مضمون گفت و گویش با پیامبر از او پرسیدم، فرمود:
«مَا كُنْتُ لِأَفْشِي سِرَّ رَسُولِ اللَّهِ؛^۳ من، راز رسول خدا را افشا نخواهم کرد.»

حدیث دوست نگویم مگر به حضرت دوست

که آشنا سخن آشنا نگه دارد

۱. تحریم: آیه ۱۰.

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۴۷۹.

۳. شیخ صدوق، امالی، ص ۵۹۵.

پی آمدهای افشای راز

فاش کردن اسرار خانواده از سوی زنان، عواقب ناخوش آیندی دارد که در بیشتر مواقع، دامن گیر خود فرد فاش کننده هم می شود. افشای اسرار، سبب دوری از موفقیت و حتی شکست فرد در راه تصمیم هایش می شود.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«افشاء السِّرِّ سُقُوطٌ؛^۱ برملا کردن راز، (مایه) سقوط است.»

ما در اینجا به برخی از عواقب آزاردهنده افشای راز می پردازیم:

الف) غضب خدا

خداوند هرگز افشای رازها و عیوب را دوست ندارد و با ندای رسا فرموده است:

«لَا يَحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ؛^۲ خداوند، افشای بدی های

دیگران را دوست ندارد.»

علامه در تفسیر «المیزان» می نویسد: «اینکه قرآن فرمود، خداوند سخن زشت به جهر گفتن را دوست نمی دارد، کنایه است از اینکه در شریعتی که تشریح فرموده، این عمل را نکوهیده شمرده و ممکن است به حد حرمت برسد.»^۳

زنی که راز همسرش را بی جهت و به خاطر تمایلات نفسانی فاش کند، قطعاً از ردیف زنان نیکوکار و دوستان خدا خارج شده و گناهی انجام داده که خسارت جبران ناپذیر آن به خود و خانواده اش برمی گردد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«مَنْ كَشَفَ حِجَابَ غَيْرِهِ انْكَشَفَتْ عَوْرَاتُ نَفْسِهِ؛^۴ کسی که پرده

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۱۵.

۲. نساء: آیه ۱۴۸.

۳. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۷، ص ۲۰۱.

۴. اربلی، کشف الغمة، ج ۲، ص ۱۵۸.

اسرار دیگری را بردارد، عیوب اسرار خودش نیز برملا خواهد شد.»

ب) شیوع سریع اسرار

هر زن و شوهری می‌دانند که اگر اسرار خصوصی از حریم خانواده بیرون رفت، به‌سرعت گسترش می‌یابد و هرگز قابل بازگشت نیست؛ به‌ویژه در عصر ما که در عرض چند لحظه، در فضای مجازی به گوش همه می‌رسد. انسان با نشر اسرار خود نزد دیگران، بستر تحقیر خودش را فراهم می‌کند.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«سِرُّكَ سُرُورُكَ إِنْ كَتَمْتَهُ فَإِنْ أَدَعَيْتَهُ كَانَ نُبُورُكَ؛^۱ سرّ تو مایه

خوشحالی توست، به شرطی که آن را کتمان کنی. اگر افشا کنی، (ای بسا) مایه هلاک تو می‌شود.»

اگر زن دوست دارد که شوهرش با او کاملاً یک‌رنگ باشد و چیزی را پنهان نسازد، باید به‌قدری رازنگه‌دار و بااحتیاط باشد که بدون اجازه شوهر، برای هیچ‌کس و در هیچ حال چیزی را بازگو نکند؛ حتی برای خویشان و دوستان صمیمی‌اش. در رازداری، صحیح نیست راز شوهر را به دیگری بگویند و بعد، سفارش کنید که او به کسی نگوید؛ زیرا او هم حتماً دوستانی دارد، و ممکن است اسرار شما را در اختیار آنان قرار دهد و بعد، سفارش کند که به کسی نگویند و پس از مدتی اندک، انسان متوجه می‌شود که اسرارش فاش شده است. گفت لیکن فاش گردد از سماع کل سِرِّ جاوز الاثنین شاع^۲ بنابراین، شخص عاقل، اسرارش را به هیچ‌کس نمی‌گوید.

۱. لیشی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، ص ۲۸۶.

۲. «هر رازی که از دو نفر فراتر رفت، پنخس خواهد شد.»

ج) سلب اعتماد دیگران

اگر بانویی نتواند راز نگه‌دار باشد، قطعاً اعتماد دیگران از او سلب خواهد شد. زنی که رازدار شوهرش نباشد، جایگاهش را در خانواده و نزد شوهر از دست خواهد داد. افشاکننده راز، حتی از منظر اهل بیت علیهم‌السلام هم در معرض نکوهش است.

امام سجاد علیه‌السلام می‌فرماید:

«وَدِدْتُ وَاللَّهِ أَنِّي افْتَدَيْتُ حَـصَلَتَيْنِ فِي الشَّيْبَةِ لَنَا بِبَعْضِ لَحْمِ سَاعِدِي النَّزْقِ وَ قَلَّةِ الْكَيْمَانِ؛^۱ به خدا سوگند! دوست دارم برای جبران دو خصلت شیعیان، مقداری از گوشت بازویم را فدیة دهم؛ شتاب‌زدگی و رازدار نبودن.»

د) خیانت در امانت

کسی که بتواند اسرار خود و دیگران را حفظ کند، به‌یقین فردی امین قلمداد می‌شود. او در حقیقت، امانت‌داری شایسته است. امام صادق علیه‌السلام مهم‌ترین درجه امانت‌داری را حفظ اسرار - که به نوعی امانت است - شمرد. او می‌فرماید:

«لَا يَكُونُ الْأَمِينُ أَمِيناً حَتَّى يُؤْتَمَنَ عَلَيَّ ثَلَاثَةَ فَيُؤَدِّيَهَا عَلَيَّ الْأَمْوَالُ وَ الْأَسْرَارُ وَ الْفُرُوجِ وَ إِنْ حَفِظَ اثْنَيْنِ وَ صَنَعَ وَاحِدَةً فَلَيْسَ بِأَمِينٍ؛^۲ کسی را نمی‌توان امین دانست، مگر اینکه در سه چیز امانت داده شود و آن را ادا کند: اموال، اسرار و نوامیس که اگر در دو مورد از عهده برآید و در یکی خیانت کند، امین نخواهد بود.»

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۲۱، ح ۱.

۲. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۴۸.

ناگفته نماند طبق این حدیث، اهمیت حفظ اسرار، مهمتر از حفظ اموال است و امانتداری در اموال آسانتر از اسرار است.

اگر خدای ناکرده، زن یا شوهر بخواهد در زندگی مشترک از اعتماد همسر سوءاستفاده کرده و راز همسرش را فاش کند، به آرمان خانواده خیانت کرده و زندگی خود، همسر و فرزندانش را در معرض نابودی و فروپاشی قرار داده است و سرانجام از خیانت خود هم بهره‌ای نخواهد برد؛ چراکه عاقبت خیانت، بیچارگی، سرگردانی و بی نتیجه بودن تلاش‌های فرد خائن است.

قرآن می‌فرماید:

«أَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ»^۱ قطعاً خداوند، نیرنگ خائنان را

به جایی نمی‌رساند.»

خیانت زن به مرد، می‌تواند در شکل‌های مختلفی بروز داشته باشد:

خیانت مالی؛ یعنی زن در غیاب و بی‌اذن مرد، در اموال او تصرف کند و در جایی که رضایت ندارد، مصرف کند و به مرد نگوید.

خیانت عرضی (آبرویی)؛ یعنی زن اسرار مرد را فاش و او را نزد دیگران بی‌آبرو کند.^۲

گذشته از آن، از منظر قرآن کریم خدعه (نیرنگ و فریبکاری) از صفات کفار و منافقان است.^۳

زن و شوهر باید راز هم را حفظ کنند. زن نباید راز شوهرش را پیش کسی باز

۱. یوسف: آیه ۵۲.

۲. خیانت مرد به زن هم انواعی دارد که از جمله آنها، می‌توان به آزار همسر، چشم‌چرانی بیرون منزل که خیانت با چشم است، روابط نامشروع یا خودداری از پرداخت حقوق زن و یا دادن نسبت‌های ناروا به او اشاره کرد.

۳. مائده: آیه ۱۳ و انفال: آیه ۵۸.

گوید. مرد هم نباید در جمع دوستان یا مهمانی، راز همسرش را فاش کند. آنان باید اسرار هم را پوشیده نگه‌دارند تا زندگی شیرین و مستحکمی داشته باشند.

امام علی علیه السلام در سخنی حکیمانه فرمود:

«اِحْفَظْ أَمْرَكَ وَ لَا تُنْكِحْ حَاطِبًا سِرِّكَ»^۱ امور و اسرار خودت را

نگه‌دار و دختر رازت را عروس هر خواستگاری نکن.

به شمشیرم زد و با کس نگفتم که راز دوست از دشمن نهان به

ه) تحقیر در جامعه

اگر زن یا مردی نتواند این وظیفه مهم خانوادگی را رعایت کند، باید منتظر عواقب اسف‌بار و دردناک آن باشد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«مَنْ صَغَفَ عَنْ حِفْظِ سِرِّهِ لَمْ يَقْوِ لِسْرٍ غَيْرِهِ»^۲ کسی که نتواند

رازدار اسرار خود باشد، نمی‌تواند اسرار دیگران را نیز حفظ

کند.

زنی که در حفظ اسرارش، ناتوان یا بر آن بی‌اعتناست، نمی‌تواند رازدار خانواده و همسرش باشد و نباید توقع داشته باشد که همسرش هم سر او را پوشیده نگه‌دارد. در نتیجه، اسرار پنهانی آنان فاش شده، آبرویشان میان مردم خواهد ریخت و جایگاه اجتماعی خود را نیز از دست خواهند داد.

و) تزلزل بنیان خانواده

حفظ اسرار خانواده، از مهمترین علل استحکام بنیان آن است؛ چنان‌که افشای

۱. تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم، ص ۳۲۰.

۲. همان، ص ۶۴۹.

رازهای خصوصی بین زن و شوهر، عامل فروپاشی بنیان خانواده‌هاست.

قرآن در آیات سورهٔ تحریم،^۱ این امر مهم را یادآور شده، یکی از علل تزلزل روابط زوجین را افشای راز می‌داند و می‌فرماید:

«وَ إِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَ أَظْهَرَهُ
اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَ أَعْرَضَ عَن بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ
أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِي الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ؛ هنگامی که پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
رازی را با یکی از همسرانش^۲ در میان نهاد، او آن را فاش کرد.
وقتی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به همسرش خطای او را گوشزد کرد، او پرسید
چه کسی تو را از این راز نهانی آگاه ساخت؟ فرمود خداوند دانا
و آگاه، آن را به من اطلاع داد!»

در ادامهٔ آیه، خداوند متعال آن همسر خطاکار را توبیخ کرده و یادآور می‌شود
که این عمل ناپسند، ممکن است موجب جدایی آنان از همسرشان شود و
می‌فرماید:

«إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَ إِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ
هُوَ مَوْلَاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ
* عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكَنَّ مُسْلِمَاتٍ
مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَاتِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ تَيِّبَاتٍ وَ أَبْكَارًا؛ اگر
شما توبه کنید به نفع شماست که دل‌هایتان از حق منحرف شده
است. اگر همین‌طور با افشای اسرار خانوادگی علیه همسر
بزرگوارتان اقدام کنید، کاری از پیش نخواهید برد؛ زیرا خداوند

۱. تحریم: آیات ۳، ۴ و ۵.

۲. فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۱۹۴.

یاور اوست و همچنین جبرئیل و مؤمنان صالح و فرشتگان پشتیبان اویند. امید است اگر او شما را طلاق دهد، پروردگارش به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد؛ همسرانی مسلمان، مؤمن، متواضع، توبه‌کار، عبادت‌کننده، مهاجر، غیرباکره و باکره.^۱

ز) ورود اغیار در حریم خصوصی

زنانی که رازهای خانوادگی را بیرون از خانه بازمی‌گویند، در حقیقت نامحرمان را به حریم خصوصی خود دعوت کرده و آنان را بر خود مسلط نموده‌اند. نامحرمان با اطلاع از وضعیت داخلی و اخبار شخصی خانواده، قادر خواهند بود همواره دیگر مسائل آنان را نیز رصد کنند.

امام علی علیه السلام فرمود:

«سِرُّكَ أَسِيرُكَ فَإِذَا أَفْشَيْتَهُ صِرْتُ أَسِيرَهُ»^۲ راز تو اسیر توست؛ اگر آشکارش ساختی، تو اسیر آن شده‌ای.»

مرز افشاگری خوب و بد

این را هم بدانید که مخفی‌کاری نابجا با حفظ اسرار کاملاً متفاوت است. زمانی که زن و شوهری یا دوستان آنان واقعیت‌های انکارناپذیری را با دروغ‌پردازی مخفی می‌کنند، نه تنها کمکی به خانواده نمی‌کنند، بلکه موجبات تزلزل ارکان خانواده را در درازمدت فراهم می‌سازند.

۱. این آیات درباره افشای رازی خانوادگی، از سوی یکی از همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شده است.

۲. لیبی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، ص ۲۸۵.

رسول خدا ﷺ در این زمینه فرمود:

«ثَلَاثَةٌ لَيْسَ لَهُمْ حُرْمَةٌ صَاحِبٌ هَوَىٰ مُبْتَدِعٌ وَ الْإِمَامُ الْجَائِزُ وَ
الْفَاسِقُ الْمُغْلَبُ بِالْفِسْقِ؛^۱ برای سه کس حرمتی در نگه داشتن رازشان
نیست: شخص بدعت‌گذار و هواپرست، پیشوای ظالم و فاسقی که
فسقش را آشکار می‌کند.»

پنهان کردن اعتماد، دروغ‌گویی، صفات زشت اخلاقی، انحرافات عقیدتی،
خیانت به کشور و مواردی از این قبیل که پنهان‌کاری نابجاست، کاملاً با رازداری
صادقانه متفاوت است.

عوامل و زمینه‌های افشای راز

ضعف نفس و ایمان، سستی عقل، خودخواهی، عصبانیت، هیجان احساسات،
تسلط بر شوهر، کینه‌توزی، آسان بودن ارتباطات، ابتلا به بیماری‌های روحی و
اخلاقی و نقدپذیر نبودن شوهران، می‌تواند از انگیزه‌های افشای راز در خانم‌ها
باشد.

همچنین پُرحرفی، عقده حقارت و دوستی‌های صمیمانه از عوامل افشای
راز هستند؛ برای مثال خانم‌های پرحرف، برای اشباع میل سخن‌گویی، از هر
دری سخن به میان می‌آورند و یافته‌های خویش را به دیگران انتقال می‌دهند.
چنین کاری سبب پرده برداشتن از اسرار آدمی می‌شود.

عصبانیت از عوامل افشای راز

زن‌ها زودتر از مردها تحت تأثیر عواطف و احساسات قرار می‌گیرند. معمولاً
احساسات آن‌ها بر تعقلاتشان غلبه دارد. وقتی عصبانی می‌شوند، خویشان‌داری

۱. حرّ عاملی، تفصیل وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۸۹.

برای‌شان دشوار است. در آن لحظه امکان دارد از اسراری که در اختیار دارند سوءاستفاده کنند و اسباب گرفتاری مرد را فراهم سازند. شاید خوانندگان محترم، به این نوع حوادث، آگاهی داشته باشند! ولی برای نمونه توجه شما را به داستان زیر جلب می‌کنیم:

زنی به نام ... با فاش کردن راز شوهرش باعث شد که او به یک سال زندان محکوم شود. او می‌گوید: «من شوهرم را از جان و دل دوست داشتم؛ ولی چندی‌ست که به من کم‌محبت شده است. این کار را کردم تا از این پس بیشتر دوستم بدارد.

این خانم گردن‌بند گران‌قیمت خواسته بود؛ ولی شوهرش زیر بار نرفت. او هم تقلب در ازدواجشان را فاش کرد تا وی به زندان بیفتد.^۱

راه‌های درمان

توسعه صداقت و رفاقت، توجه به عواقب دنیوی و اخروی، خشکاندن ریشه‌ها، افزایش سعه صدر، تمرین کتمان سرّ، آگاهی از برکات رازداری، درددل با محرم اسرار، انتقادپذیری شوهران و عادت به کم‌حرفی و سکوت، از روش‌های درمان این رذیله اخلاقی در خانم‌هاست.^۲

اگر بانویی نتواند رازش را پنهان کند، بهتر است با محرم اسرار حقیقی درددل کند و روح و جاننش را با نجوا و ارتباط با حضرت حق سبک نماید که با پشتیبانی او دلگرم و آرام می‌شود؛ البته بهترین رازدار بندگان، خالق ستار و

۱. ابراهیم امینی، همسرداری، ص ۱۶۳.

۲. البته برای شرح ریشه‌ها و عوامل افشای راز، راه‌های درمان و همچنین برکات رازداری مقاله‌ای مستقل نیاز است.

پرده پوش مهربان است. قرآن درددل همسر فرعون را با خداوند متعال چنین نقل می‌کند:

«إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَ
عَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ؛^۱ وقتی گفت پروردگارا! خانه‌ای
برای من نزد خودت در بهشت بساز و مرا از فرعون و کار او نجات ده و
مرا از گروه ستمگران رهایی بخش!»

عوامل و قلمرو دخالت والدین در زندگی عروس و داماد

مرضیه محمدخانی*

مقدمه

«خانواده»، رکن اساسی در هر جامعه‌ای است و سلامت و رشد این بنیان، در گرو توجه به اموری است که در عمل، به شکوفایی آن بینجامد. بدیهی است که باید جایگاه هر یک از اعضای خانواده به نیکویی شناخته و پاس داشته شود تا نتایج مطلوب از تشکیل این نظام مقدس به دست آید.

یکی از عرصه‌های شایان توجه در این حوزه، بحث قلمرو دخالت والدین در زندگانی عروس و داماد است. در این نوشتار، می‌کوشیم به بررسی عوامل و قلمرو این موضوع بپردازیم و بایدها و نبایدهای آن را ترسیم نماییم.

نقش پدر و مادر در تحکیم بنیاد زناشویی

خانواده عروس و داماد، چنانکه در اصل انتخاب همسر نقش مهمی دارند، در تحکیم بنیاد زناشویی نیز می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند؛ طوری که آنها را می‌توان پشتوانه ازدواج دانست. عروس و داماد در آغاز زندگی، غالباً از آیین

ظریف همسررداری بی‌اطلاع‌اند و چون نآزموده و بی‌تجربه‌اند، غالباً با اختلاف سلیقه و پاره‌ای از مشکلات اخلاقی و اجتماعی مواجه خواهند شد که ممکن است روابط خانواده را تیره کند و اساس آن را در معرض خطر قرار دهد؛ لذا به مشاوره عاقل، باتجربه و خیراندیش نیاز دارند. بهترین افرادی که می‌توانند این نقش مهم را ایفا کنند، خانواده‌عروس و داماد هستند. اگر آنها عاقل و باتدبیر باشند، می‌توانند بزرگ‌ترین خدمت را به این خانواده‌نویا انجام دهند و در حل مشکلات، به یاری‌شان بشتابند؛ برای همین وجود خانواده‌فهمیده و خیرخواه، برای عروس و داماد، نعمتی بزرگ است که به هنگام خواستگاری نیز، باید به آن توجه کرد؛ اما یکی از مهم‌ترین دلایل اختلافات زوج‌های جوان، دخالت والدین و اطرافیان، در زندگی زناشویی آنان است.^۱

متأسفانه بعضی از والدین، نه تنها به تحکیم بنیاد ازدواج فرزندان‌شان کمک نمی‌کنند، بلکه به اختلافات و نزاع‌های خانواده‌جدید دامن می‌زنند و در تیره‌تر ساختن روابط آنها و احیاناً در قطع روابط و جدایی‌شان جدیت می‌نمایند. خانواده‌عروس و داماد، برای جذب و سلطه به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در کار آنها دخالت می‌کنند. فرزندان را به بهانه‌جویی و توقعات بی‌جا تشویق می‌نمایند تا عیوب کوچک همسرشان را بزرگ و غیرقابل تحمل جلوه دهند. این پدران و مادران، در قالب دل‌سوزی و خیرخواهی، بزرگ‌ترین خیانت‌ها را در حق فرزندان و همسر او مرتکب می‌شوند.^۲ بسیاری از روان‌شناسان، بخش اعظم اختلافات خانوادگی را در کشور، دخالت‌های غیرمنطقی و غیرکارشناسانه نزدیکان عروس و داماد می‌دانند؛ به‌گونه‌ای که «۵۰ تا ۶۰ درصد طلاق‌ها به

۱. ابراهیم امینی، جوان و انتخاب همسر، ص ۲۵۳.

۲. همو، جوان و همسرگزینی، ص ۲۰۹.

علت دخالت خانواده‌ها اتفاق می‌افتد.»^۱ «اکثر پژوهش‌های انجام شده در ایران درباره طلاق، این حقیقت را منعکس کرده‌اند که دخالت دیگران، مانند اقوام، آشنایان و والدین، موجب شعله‌ور شدن اختلافات زنان و شوهران می‌شود که در بعضی از موارد، به طلاق منجر می‌شود.»^۲

آقای ... می‌نویسد:

«تا حال سه مرتبه مادرزنم ما را تا آستانه طلاق برده، مثل عقرب نیش می‌زند، به دخترش یاد می‌دهد که به من بی‌احترامی کند، به کارهای منزل نرسد و توقعات بی‌جا داشته باشد. هر وقت به خانه ما می‌آید، تا یک هفته منزل ما به جهنم بدل می‌شود؛ برای همین چشم دیدنش را ندارم.»^۳

زن سی‌ساله‌ای به نام ... مادر پنجاه‌ساله‌اش را که باعث جدا شدن او از همسرش شده بود، کتک زد. زن گفت:

«از بس مادرم از شوهرم بد گفت و او را متهم به بی‌اعتنایی به خانواده کرد، با وی اختلاف پیدا کردم و حاضر شدم از او طلاق بگیرم. فوری پیشیمان شدم؛ اما پیشیمانی سودی نداشت؛ زیرا شوهرم شش ساعت پس از جدا شدن از من، دخترخاله‌اش را نامزد کرد و من از فرط ناراحتی مادرم را کتک زدم.»^۴

برای جلوگیری از این معضل، ضروری است والدین با حیطه‌ها و مرزهای دخالت در زندگی عروس‌ها و دامادها آشنا شوند.

۱. سخنرانی دکتر باجقلی در سومین روز کنگره روان‌درمانی و مشاوره، نقل از سایت: www.aftabir.com

۲. آسیب‌شناسی خانواده، <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=11039>.

۳. اطلاعات هفتگی، ش ۱۶۴۶.

۴. همان، ش ۱۶۲۸.

عوامل و زمینه‌های دخالت والدین در زندگی عروس و داماد

وقتی صحبت از طلاق به میان می‌آید، ذهن بیشتر افراد به سمت اعتیاد، خیانت و... کشیده می‌شود؛ اما یکی از علل شایع طلاق در کشور ما دخالت خانواده‌ها در زندگی زوج‌های جوان است. «بسیاری از اساتید خانواده‌درمانی، ریشه بیشتر اختلافات خانوادگی در ایران، دخالت‌های غیرمنطقی نزدیکان زوجین است.»^۱

این دخالت‌ها از عوامل متعدد نشأت می‌گیرد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. وابستگی عاطفی

یکی از مشکلات زندگی مشترک، وابستگی زن یا شوهر به خانواده‌اش است که تأثیرش را به صورت دخالت‌های خانواده در زندگی نشان می‌دهد. بسیاری از افراد بالغ، فکر می‌کنند بعد از عبور از دوران نوجوانی، شخصیتی مستقل از خانواده دارند؛ اما زمانی که به دلایلی مثل ازدواج از خانواده دور می‌شوند، وابستگی‌های عمیق عاطفی و فکری‌شان بروز پیدا می‌کند؛ حتی «در مواردی ملاحظه می‌شود که والدین و اعضای خانواده هر یک از همسران، علاقه چندانی به مداخله در زندگی فرزندشان ندارند؛ ولی میزان و شدت وابستگی هر یک از زوجین به والدین یا دیگر نزدیکان، در حدی است که خواه ناخواه آنان را وارد حریم زندگی مشترک می‌کنند.»^۲

همسران این نکته را مد نظر داشته باشند «وقتی می‌توانید رابطه زناشویی تان را سالم توصیف کنید که پیوند عاطفی عمیقی بین شما و همسرتان برقرار شده

۱. علی محمد صالحی، پاس‌داشت حریم همسر، ص ۱۰.

۲. جلال یونسی، مدیریت روابط زناشویی، ص ۷۷.

باشد. هر زمان که این ارتباط عاطفی را با افراد دیگری سهیم شوید، آشکارا در یک چرخهٔ بیمارگونه از روابط قرار گرفته‌اید. اگر می‌خواهید این رابطهٔ ناسالم را از بین ببرید، باید به خود و همسران کمک کنید تا از وابستگی‌های شدید به پدر و مادر رها شوید؛ بدون اینکه ذره‌ای در احساس دوست‌داشتن پدر و مادر، خللی وارد شود.^۱

۲. نداشتن مهارت ابراز وجود

یکی از عوامل مهم و زمینه‌ساز دخالت والدین و نزدیکان در زندگی عروس و داماد، نداشتن مهارت کافی در ابراز وجود است. ابراز وجود «توانایی بیان نظرهای خود به صورت روشن، مستقیم و شایسته، ضمن ارج نهادن به دیگران است.»^۲ به بیان دیگر، ابراز وجود حمایت از حق و عقیدهٔ خود است؛ بدون اینکه به حق و عقیدهٔ دیگران تجاوز شود. البته این امر، به معنای قطع رابطه با اطرافیان یا عدم بهره‌گیری از تجربیات و نصایح دیگران نیست.

«گاهی زوجین برای مقابله با دخالت‌های دیگران و برقراری ارتباط صحیح با آنان، از مهارت کافی برخوردار نیستند؛ بنابراین رفتارهایی از خود بروز می‌دهند که راه را برای این مداخلات هموار می‌کنند. محققان، مهارت ابراز وجود را راهی می‌دانند که براساس آن، فرد قادر به بیان حقوق خود است.»^۳ همسرانی که در این زمینه مشکل دارند، نمی‌توانند از حق خود و خواسته‌هایشان، به‌گونه‌ای مناسب دفاع کنند. این افراد، نمی‌توانند «نه» بگویند و

۱. ریحانه دوستدار، «رابطهٔ زنانشویی سالم»، روزنامهٔ اطلاعات، یک‌شنبه ۱۹ شهریور ۱۳۹۱.

۲. ریس شان و رودریک س. گراهام، آموزش ابراز وجود: چگونه همان کسی باشید که واقعاً هستید؟، ص ۷۹.

۳. سعید کاوه، مداخله و مشکل‌آفرینی در زندگی همسران، ص ۵.

در برابر دیگران، «بله‌گو» هستند و به دیگران اجازه می‌دهند به جای آنها صحبت کرده و تصمیم بگیرند.

۳. کمک‌های اقتصادی

کمک‌کردن و یاری‌رساندن والدین به فرزندان، کار پسندیده‌ای است که باعث قوام و تحکیم نهال نوپای زندگی عروس و داماد می‌شود؛ چنانکه برخی والدین چنین کاری می‌کنند؛ اما اگر این کمک‌های اقتصادی با منت همراه شود و زمینه‌های دخالت والدین را در زندگی عروس و داماد فراهم سازد، امری مذموم است؛ زیرا با این کار، زمینه فروپاشی نظام خانواده فرزندان را فراهم می‌کند؛ چه بسا برخی خانواده‌ها، کمک‌های مالی به فرزندان را بهانه‌ای برای دخالت در زندگی آنها قرار می‌دهند و تا زمانی که وابستگی وجود داشته باشد، زمینه دخالت آنان و اثرپذیری فرزندان هم وجود دارد! بنابراین کمک‌های اقتصادی، باید به‌گونه‌ای باید باشد که فرزند به آنان وابسته نشود و بدون چشم‌داشت انجام شود:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ؛^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقه‌های خود را با منت و آزار باطل نکنید، مانند کسی که مالش را برای خودنمایی به مردم، انفاق می‌کند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارد.»

۴. تفاوت فرهنگی

تفاوت فرهنگی، یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز در طلاق‌هاست.^۲ ارزش‌های

۱. بقره: ۲۶۴.

۲. شناسه خبر: ۲۳۷۷۹۴۸، جمعه ۴ مهر ۱۳۹۳: www.mehrnews.com

فردی و اجتماعی، آداب و رسوم، رفتار و سلوک و حتی آداب لباس پوشیدن و غذا خوردن زن و مرد می‌تواند، زمینه‌های همدلی بیشتر را بین آن دو پدید آورد. برای همین، به‌ویژه در کشور گسترده‌ای که در قالب یک فرهنگ و جامعه واحد، از خرده‌فرهنگ‌های متعدد (ترک، کرد، عرب، لر و...) برخوردار است، توجه به این امر در مجموعه ملاک‌های ازدواج، اهمیت خاصی دارد و همان‌طور که اشاره شد، تفاوت در آنها زمینه‌ساز اختلاف‌هاست.

تفاوت فرهنگی بین همسران، در دو عرصه می‌تواند آسیب‌زا باشد:

الف) تفاوت فرهنگی در خانواده‌های همسران

تفاوت اول، در فرهنگ خانواده‌های همسران است؛ موضوعی که منبع انواع اختلافات و سوءتفاهم‌ها می‌شود و خود را بیشتر در قالب اختلاف نظر در برگزاری مراسم مشترک، برخورد اجتماعی همسران و رعایت قوانین پیدای پنهان خانوادگی نشان می‌دهد. این موضوع، همواره ناخوش‌آیند بوده و گاه تا پایان عمر، همت همسران صرف تلاش برای کم‌رنگ کردن این تفاوت‌ها و نیز در رابطه خودشان می‌شود. در این وضعیت، خانواده‌های زن و شوهر زمینه را برای دخالت فراهم می‌بینند و در هر موقعیتی با تفاخر به اصل و نسب و گذشته خود، سعی می‌کنند عروس یا داماد خویش را سرزنش یا تحقیر کنند.

قرآن در نکوهش این رفتار می‌فرماید:

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنْفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَ

لَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا»^۱ آیا ندیدی آنهایی را که خودستایی می‌کنند؟

(این خودستایی‌ها ارزش ندارد) بلکه خدا هر کس را که بخواهد

می‌ستاید و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد.»

امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید:

«أَفْبِحُ الصَّدْقِ ثَنَاءَ الرَّجُلِ عَلَى نَفْسِهِ؛^۱ زشت‌ترین سخن درست، مدح و ثنای انسان از خویشتن است.»

ب) آسیب میان همسران

دومین تفاوت فرهنگی، ممکن است در خود همسران باشد. در واقع مشکلات در سطح دوم، از مشکلات در سطح تفاوت فرهنگی خانوادگی بسیار عمیق‌تر بوده و خانواده را به راحتی از هم می‌پاشد. مشاوران ازدواج معتقدند در حقیقت اختلاف فرهنگی خانواده‌ها، در صورتی که زوج به یکدیگر علاقه داشته و از نظر فرهنگی شبیه باشند، مهارت‌آموزی آنان در مواجهه با خانواده همسران است؛ ولی اگر مشکل، تفاوت فرهنگی بین خودشان هم باشد، موضوع در بیشتر موارد بی‌نتیجه خواهد ماند؛ چراکه هر کدام از زوج‌ها، اعتقاد دارند مشکل از دیگری است و فرد مقابل باید تغییر کند.

باید گفت اگرچه فرهنگ به تنهایی نمی‌تواند در اختلاف سطح طبقات اثرگذار باشد و نمی‌توان با قاطعیت گفت که افراد از فرهنگ‌های مختلف، نمی‌توانند با هم ازدواج کنند، بی‌تردید تشابه فرهنگی می‌تواند نقش مهمی در موفقیت یک ازدواج داشته باشد و تفاوت فرهنگی، زمینه اختلاف را به وجود می‌آورد و ممکن است والدین هر یک از عروس و داماد، با تصور اینکه عروس یا داماد در شأن همدیگر نیستند، در زندگی آنها دخالت کنند؛ برای همین، دختر و پسر باید تلاش کنند که خانواده‌هایشان از همه لحاظ، به‌ویژه از لحاظ فرهنگی، با هم سنخیت و تناسب داشته باشند تا بهتر بتوانند یکدیگر را درک کنند و نگذارند تفاوت فرهنگی در روابط زن و شوهر اثر بگذارد.

۱. جمال‌الدین خوانساری، شرح بر غررالحکم، ج ۲، ص ۳۸۹.

۵. انتقال تجربه

بعضی از والدین معتقدند که صاحب تجربه‌های فراوان هستند و فرزندانشان باید از این تجارب بهره‌مند شوند؛ از این رو برای خود این حق را قائل‌اند که در زندگی فرزندشان دخالت کنند. البته کسی منکر نیاز همیشگی فرزند به تجربه و راهنمایی والدین نیست؛ اما اگر این رفتار از حد تعادل خارج شود، دیگر راه‌گشا نیست؛ بنابراین شایسته است والدین به فرزندان این فرصت را بدهند تا آنان خود تجربه کسب کنند و اگر بخواهند به ازای هر اشتباه در زندگی فرزندشان ورود کنند، مانع رشد و شکوفایی آنان می‌شوند.

شیوه دخالت والدین

دخالت والدین در زندگی عروس و داماد، نباید جنبه تخریبی داشته باشد؛ در این صورت، باید از دخالت والدین جلوگیری کرد. روان‌شناسان نیز در این موارد، توصیه کرده‌اند که والدین در مشکلات و مسائل فرزند با همسرش، دخالت نکنند؛ اما اگر دخالت‌ها از روی نصیحت، خیرخواهی، امر به معروف و نهی از منکر، مشاوره و راهنمایی یا حکمیت و داوری باشد، عروس و داماد باید از آن استقبال کنند و از این تجربیات و راهنمایی‌ها، به نحو شایسته بهره ببرند.

شیوه‌هایی که والدین می‌توانند در زندگی عروس و داماد ورود کنند، به شرح ذیل است:

۱. مشاوره و راهنمایی

«مشورت و تبادل افکار، یکی از قدیمی‌ترین و ریشه‌دارترین امور در زندگی انسان‌ها بوده است و می‌توان گفت، آن موقع که انسان متوجه شد مغز محدود

یک نفر از عهده‌درک مسائل زندگانی برنمی‌آید، مشورت را اصلی ضروری برای خویشتن انتخاب کرد.»^۱

خداوند در بیان اوصاف مؤمنان، می‌فرماید:

«... وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ؛^۲ آنها کسانی

هستند که کارهایشان با مشورت انجام می‌شود.»

مشاوره یک یا چند عقل دیگر، برای یافتن راه صحیح است. امام علی علیه السلام

می‌فرماید:

«مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا؛^۳ کسی که با دیگران

مشورت می‌کند، در عقل آنها شریک می‌شود.»

مشورت ادراک و هوشیاری دهد عقل‌ها مر عقل را یاری دهد^۴

زوج‌های جوان باید به این نکته توجه داشته باشند که به علت کم‌تجربه

بودن، از برخی قواعد زندگی بی‌اطلاع هستند؛ بنابراین بهتر است برای حل این

مشکلات، با فردی آگاه مشورت کنند. بسیار اتفاق افتاده است، افراد مشکلات

پیش رو را برای خود غیرقابل حل دانسته‌اند؛ اما با مشورت دیگران، به راحتی این

مشکل را حل کرده‌اند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که با صاحبان خرد

مشورت کند، از نور خرد دیگران بهره می‌برد.»^۵

بهترین کسانی که زوج‌های جوان برای حل مشکلات خود به آنها رجوع

می‌کنند و از آنان یاری می‌خواهند، والدین هستند. در این صورت، بر والدین

۱. محمدتقی جعفری، تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، ج ۳، ص ۹۱.

۲. شوری: آیه ۳۸.

۳. صحیحی صالح، نهج البلاغه، ص ۵۰۰.

۴. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر سوم، بیت ۱۰۴۳.

۵. همان، ص ۴۴۲.

لازم است با استفاده از آگاهی‌ها و تجربه‌های خویش، فرزندان را در حل مشکلات یاری کنند^۱ و خصوصیات یک فرد راهنما و مشاور را در خود ایجاد نمایند؛ بنابراین شایسته است، والدین در ارائه مشاوره به فرزندان خود، مطالب ذیل را مد نظر داشته باشند:

- آگاهی و پختگی لازم را داشته باشند؛

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«خَيْرُ مَنْ شَاوَرْتَ ذَوُو النَّهْيِ وَالْعِلْمِ وَالتَّجْرِيبَةِ وَالْحَزْمِ؛^۲ بهترین کسی که با او

مشورت کنی، کسی است که صاحب عقل، علم، تجربه‌ها و دوراندیشی باشد.»

- رازدار مشکلات فرزندان باشند؛

- در مشاوره از استبداد رأی بپرهیزند.

تردیدی نیست که والدین و دیگر اطرافیان زوج‌های جوان، خواهان نیک‌بختی و آسایش عروس و داماد هستند و به‌یقین دارای تجاربی هستند که هر یک راهنمای زندگی آنان خواهد بود؛ ولی این موضوع مهم را نباید فراموش کنند که اگر این خیرخواهی با عقل و تدبیر کافی و با در نظر گرفتن شرایط زندگی زوج‌های جوان نباشد، به زیان آنان خواهد بود؛ بنابراین انتظار می‌رود، والدین ضمن ارائه دیدگاه‌ها و مشورت‌های خود، استقلال نظر و قدرت تصمیم‌گیری را از آنان سلب نکنند. اگر والدین توانایی حل مشکل فرزندان خود را نداشتند؛ از نظرهای متخصصان استفاده کرده یا آنها را به مراکز تخصصی مشاوره راهنمایی کنند و تا پایان مشکل، در کنارشان باشند.

۱. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «لَا مُظَاهَرَةَ أَوْثَقَ مِنَ الْمُسَاوَرَةِ؛ حمایت‌کننده و پشتیبانی قوی‌تر از

مشورت نیست.» (محمدی ری‌شهری، میزان الحکمة، ج ۲، ص ۱۵۲)

۲. جمال‌الدین خوانساری، شرح بر غررالحکم، ج ۳، ص ۴۲۸، ح ۴۹۹۰.

۲. داوری

یکی از اصولی که در حوزه خانواده به آن توجه داده شده، اصل «حکمیت» است. داوری در مواردی است که در روابط خانوادگی، تفاهم جای خود را به شقاق و اختلاف داده است. توصیه قرآن در این مورد، تشکیل «محکمه صلح خانوادگی» است:

«وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا
 إِنَّ يُرِيدَا إِصْلَاحًا^۱ و اگر از جدایی میان آن دو (زن و شوهر) بیم
 دارید، داوری از خانواده آن (شوهر) و داوری از خانواده این
 (زن) تعیین کنید. اگر سر سازگاری دارند، خدا میان آن دو
 سازگاری خواهد داد.»

بنابراین اگر بین زوجین، اختلاف شدت گرفت و زن و مرد سر ناسازگاری داشتند، لازم است والدین و بستگان، برای حل اختلاف آنان، به صورت حکم (داور) به مشکلات آنان رسیدگی کنند.

«انتخاب داور از بستگان زن و مرد، به چند علت اهمیت دارد:

- خویشاوندان زوجین، از وضعیت روانی و شرایط زندگانی آنها آگاه‌ترند؛
- وجود داورهایی از خویشاوندان، مایه دلگرمی آنهاست؛ زیرا اطمینان دارند که از حقوق و منافع آنها حمایت خواهد شد؛ - ملاحظات روابط خویشاوندی، موجب پذیرش نظر داوران از سوی زوجین خواهد شد؛
- خویشاوندان بیش از دیگران، به حمایت دوطرفه پرداخته و سعی بیشتری در تحکیم روابط و اصلاح بین زوجین دارند؛
- خویشاوندان به روش و فنون حل مشکلات زوجین، راه‌های جلب محبت

آنها و نقاط مورد اتکایشان آگاهی بیشتری دارند و بهتر می‌توانند به راز و سبب نفرت و کراهت طرفین پی ببرند؛»^۱

- در صورت رعایت حکمیت و داوری، قداست و حرمت خانواده، بیشتر از مراجعه به دادگاه حفظ می‌شود.

شرایط و وظایف داوران در حل اختلاف زن و شوهر

- «دو حکم باید بالغ، عادل، عاقل و به کار خود بصیر و بینا باشند.»^۲

- «مناسب است دو داور افزون بر خیر و اصلاح، خردمند، با درایت و دارای همسر باشند، مسائل خانوادگی را به خوبی درک کنند و با بصیرت و خبرگی به قضاوت بنشینند. در مرحله اول، داوران باید برای ریشه‌یابی اختلاف با جدیت پرسش‌هایی را طرح کنند و در خلوت، از هر یک بخواهند تا حقیقت را بیان کنند. زن و شوهر نیز با صراحت و بی‌پرده مسائل را در میان بگذارند.»^۳

- اگر داوران به راه‌حلی نرسیدند، نمی‌توانند بین زن و مرد به جدایی حکم کنند؛ بلکه خود زوجین در این باره تصمیم‌گیری می‌کنند. داوران برای کشف راه حل اختلاف برگزیده می‌شوند و بدیهی است اگر آنها برای اصلاح زن و شوهر به راه‌حلی نرسند، حل مسئله یا جدایی به تصمیم‌گیری خود زن و مرد مربوط است. همچنین داوران نمی‌توانند زوجین را به ادامه زندگی مشترک ملزم کنند و همان‌گونه که در انعقاد پیمان زناشویی، زن و شوهر باید آزادی کامل داشته باشند، در آشتی و پایان اختلاف نیز، باید آزادی کامل داشته باشند.»^۴

۱. علی قایمی، نظام حیات خانواده در اسلام، ص ۳۵۴.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۷۵.

۳. صادق احسان‌بخش، نقش دین در خانواده، ج ۲، ص ۳۷۱.

۴. احمد بهشتی، خانواده در قرآن، ص ۱۰۶.

۳. امر به معروف و نهی از منکر

یکی از مؤثرترین روش‌هایی که والدین می‌توانند مطالب ضروری و لازم را به زوج‌های جوان انتقال دهند، استفاده از امر به معروف و نهی از منکر است. با نگاهی به زندگانی پیامبران و معصومان علیهم‌السلام، درمی‌یابیم که امر به معروف و نهی از منکر، یکی از مهم‌ترین شیوه‌های هدایت آنان بوده است.

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

«إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَاجُ الصَّالِحِينَ؛^۱ یقیناً امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و روش صالحان است.»

فریضه امر به معروف و نهی از منکر، می‌تواند والدین را در هدایت و راهنمایی زوج‌های جوان به سوی زندگی سالم و شایسته یاری کند. به‌کارگیری امر به معروف و نهی از منکر، شاید روشی ساده به نظر برسد؛ ولی درواقع، کاربرد این روش نیازمند رعایت شرایط و آدابی است که عدم توجه به آن، باعث از بین رفتن ساختار خانواده‌های جوان خواهد شد!

مهم‌ترین شرایطی که والدین را در اجرای امر به معروف و نهی از منکر یاری می‌رساند، عبارت‌اند از:

- آگاهی به امور معروف و منکر

- نرم‌خویی و محبت

یکی از شیوه‌های مهم و اثرگذار امر به معروف، نرم‌خویی و محبت است؛ خصلتی که موفقیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، مرهون آن بوده است:^۲

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۳۹۶.

۲. آل‌عمران: آیه ۱۵۹.

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا

مِنْ حَوْلِكَ؛^۱ به سبب رحمت خداست که تو با آنها چنین خوش خوی و مهربان هستی. اگر تندخو و سخت دل بودی، از گرد تو پراکنده می شدند.»

به جز بنای محبت که دائم آباد است خراب می کند ایام هر بنایی را^۲

پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره تأثیر سخن مهربانانه و محبت آمیز می فرماید:

«تَلْوِيحُ زَلَّةٍ الْعَاقِلِ لَهُ أَمْضُ مِنْ عِتَابِهِ؛^۳ لغزش انسان عاقل را با

نهایت کمال، ادب و کنایه تذکر دادن، برای او مؤثرتر از سرزنش است.»

- شیوه عملی

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در بیشتر کارها، مثل حفر خندق، ساختن مسجد و برنامه های اجتماعی و فرهنگی، قبل از اینکه دیگران را به این کارها تشویق کنند، خود پیش قدم می شدند.

- احترام به شخصیت عروس و داماد

یکی از روش های صحیح و کارآمد در امر به معروف و نهی از منکر زوج های جوان، به کارگیری روش احترام و تکریم شخصیت است. این شیوه در حقیقت، پشتوانه سلامت بشر و از مهم ترین عوامل رشد شخصیت است. (قرآن کریم در راستای تربیت انسان ها، این شیوه را به کار برده و مقام انسان را در آیات گوناگون ستوده است؛ بلکه او را در بسیاری از آیات به صورت های «یا ایها الذین»، «یا ایها الانسان» و «یا بنی آدم» مخاطب ساخته تا انسان با توجه به

۱. آل عمران، آیه ۱۲۲.

۲. عبرت نایینی.

۳. تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۸۵.

شرافت و جودى خود که لياقت مخاطب بودن را برای خداوند جهان دارد، قدر خویش را دانسته و به استعدادها و قابليت‌های فراوانی که در او به ودیعت نهاده، واقف شده و آن را ارزان از دست ندهد. به‌کارگیری این روش، به‌قدری مؤثر است که تلخ‌ترین دستورالعمل شفابخش در کامشان شیرین می‌شود.^۱

- تذکرات و مواعظ به زوج‌های جوان، باید در خفا و به دور از حضور دیگران صورت پذیرد؛ زیرا ممکن است به شخصیت آنان لطمه وارد شود و امر به معروف و نهی از منکر، نتیجه معکوس داشته باشد.

امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید:

«مَنْ وَعَظَ أَحَاهُ سِرًّا فَقَدْ زَانَهُ وَ مَنْ وَعَظَهُ عَلَانِيَةً فَقَدْ سَأَنَهُ»^۲ هر کس برادر دینی خود را پنهانی نصیحت کند، او را آراسته و اگر آشکارا نصیحتش کند، ارزش او را کاسته است.»

توصیه به والدین

خانواده عروس باید توجه داشته باشند که اگر طالب خیر و سعادت دختر و دامادشان هستند، همواره به دخترشان سفارش کنند که با شوهرش بسازد و به او احترام بگذارد. در زندگی آنها دخالت نکنند و بگذارند با رفتار، اخلاق و خواسته‌های یکدیگر آشنا شوند تا در تنظیم برنامه زندگی و حل مشکلات به تفاهم برسند. به داماد احترام بگذارند، شخصیت او را گرامی بدانند و هرگز به او توهین نکنند. عیب‌جویی و خرده‌گیری نکنند و عیوب کوچک او را بزرگ و غیرقابل تحمل جلوه ندهند. هیچ‌گاه دختر خویش را به توقعات بی‌جا، بلندپروازی و بهانه‌جویی تشویق نکنند.

۱. مهدی موسوی کاشمیری، روش‌های تربیت، ص ۸۰.

۲. ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۸۹.

خانواده داماد نیز توجه داشته باشند که عروس آنها با صدها امید و آرزو به خانه شوهر آمده تا در کنار او، زندگی مستقل و آرامی داشته باشد. سعادت و خوشبختی داماد نیز به همین امر بستگی دارد. والدین باید اجازه دهند آنان زندگی مستقلی تشکیل بدهند. در کارشان دخالت نکنند. بگذارند با اخلاق و رفتار یکدیگر آشنا شوند تا در تنظیم برنامه زندگی و حل مشکلات، به تفاهم برسند. به عروس خویش احترام بگذارند تا او هم به آنها احترام بگذارد. درصدد عیب‌جویی و خرده‌گیری نباشند که هیچ‌کس بی‌عیب نیست! عیوب کوچک عروس را بزرگ و غیرقابل تحمل جلوه ندهند.^۱

۱. ابراهیم امینی، جوان و انتخاب همسر، ص ۲۵۴ و ۲۵۵.

عوامل ناسازگاری دختران با والدین

حجت الاسلام والمسلمین محمد سبحانی نیا*

مقدمه

اختلاف نظر در خانواده، میان والدین و دختران و ناسازگاری بین آنها، پدیده‌ای است که اکنون بیش از پیش، در خانواده‌های ایرانی شایع شده و شکایت دختران از والدین و گله‌مندی والدین از دختران زیاد شده است. بیشتر والدین، از اینکه فرزندان‌شان به حرف‌های آنها گوش نمی‌دهند، شکایت دارند. در مقابل، بسیاری از فرزندان، به‌ویژه دختران نیز، گله‌مندند که چرا والدین، آنها را درک نمی‌کنند و بیشتر دستور می‌دهند و نصیحت می‌کنند؟ همه می‌پرسند: «چرا دختران مانند گذشته حرف شنوی ندارند؟» «آخرین بررسی‌های انجام‌شده توسط اداره سلامت نوجوانان و جوانان وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، نشان می‌دهد که ۵۹ درصد دخترها و ۴۰ درصد پسرها، با خانواده احساس راحتی نمی‌کنند.»^۱

البته ناسازگاری و اختلاف نظر میان والدین و دختران جوان که معمولاً بین

* استادیار دانشگاه کاشان.

۱. سلامت نیوز: ۲۶/۱۰/۱۳۹۲، کد خبر: ۱۰۳۸۸۶.

دوازده تا هجده سالگی است، امری عادی و طبیعی است. والدین متعلق به نسلی و دختران متعلق به نسلی دیگرند و این تفاوت نسل‌ها، ناگزیر ویژگی‌های فردی متفاوتی برای آنان رقم زده است. با این حال، کشمکش بین نسلی و ناسازگاری دختران با والدین، این نگرانی را ایجاد می‌کند که در صورت عدم مدیریت صحیح آن، فاصله‌ای عمیق میان جوان و خانواده‌اش به وجود آید؛ در نتیجه آسیب‌های اجتماعی نیز در جامعه گسترش یابد. در وضعیتی که والدین، نوجوانان را ناسازگار می‌پندارند و نوجوانان هم رفتار والدین خود را قبول ندارند، امکان وقوع بسیاری از حوادث ناگوار برای نوجوان وجود دارد. پرسش اساسی آن است که برای به حداقل رساندن اختلاف‌نظرها و کاستن ناسازگاری‌ها چه می‌توان کرد؟ شکی نیست که مادران به دلیل نزدیکی با دختران، مهم‌ترین نقش در افزایش یا کاهش تضاد و ناسازگاری دختران در کانون خانواده دارند؛ لذا بالابردن سطح آگاهی خانواده‌ها، برای پیش‌گیری از به وجود آمدن چنین رفتارهایی، ضروری به نظر می‌رسد.

علل و انگیزه‌های ناسازگاری دختران

عوامل مختلفی در ناسازگاری دختران دخالت دارند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. علل زیستی

نقص‌های مادرزادی، معلولیت‌های جسمی و ذهنی، دردهای مبهم بدن، وضع ترشح غدد، اختلالات معدوی، وجود انگل، آلرژی، آسم و ناراحتی‌های عصبی، از عوامل مربوط به شرایط شخصی فرد است که می‌تواند به ناسازگاری با محیط اطراف منجر شود.

۲. علل اجتماعی

ناسامانی، اختلاف و درگیری بین اعضای خانواده، طلاق، بدآموزی از الگوهای خانه، مدرسه و جامعه، مشکلات اقتصادی، اختلاف نسلی و غیره، در بروز ناسازگاری و تضاد دختران با والدین، نقش بسزایی دارد. از آنجا که در جامعه با جمعیت جوان روبه‌رو هستیم، تفاوت و اختلاف نسلی، حائز اهمیت است؛ از این رو به اختصار آن را مطرح می‌کنیم.

از نظر اصطلاحی، شکاف نسلی به معنی «بریده‌شدن و منفرد گشتن از دوست یا کسی است.»^۱ مفهوم فاصله نسلی نیز با شکاف نسلی مترادف است؛ طوری که فاصله نسلی به اختلافات مهم بین دو نسل در تجربه، ارزش‌ها و هنجارها و به‌طور کلی به اختلاف و شکاف فرهنگی قابل توجه بین دو نسل گفته می‌شود.^۲

فاصله نسلی، نسل‌های مختلف را به لحاظ ارزش و هنجاری از یکدیگر متفاوت می‌کند؛ طوری که جوانان در ذوق و سلیقه و نحوه تفکر از بزرگسالان خود فاصله می‌گیرند. فاصله سلیقه‌ای نسل‌ها در انتخاب غذا، موسیقی، لغات گفتاری، پوشش و نگرش نمود پیدا می‌کند. امروز نوجوانان و جوانان ما، کلماتی به کار می‌برند که والدین به سختی معانی آنها را درک می‌کنند. «از دهه نود میلادی، تغییرات به دلیل انقلاب صنعتی شتابنده شد و این شتابندگی انقلاب صنعتی، دگرگونی همه‌جانبه به دنبال داشت. تفاوت بین نسلی، امروز به پنج سال رسیده است؛ به این معنا که هر پنج سال، یک تفاوت نسل جوان رخ می‌دهد.»^۳

۱. علی اکبر علیخانی، گسست نسل‌ها، ص ۱۹۱.

۲. محمدحسین پناهی، «شکاف نسلی موجود در ایران و اثر تحصیلات بر آن»، فصل‌نامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، ش ۱۷، پاییز ۱۳۸۳، ص ۴.

۳. خیرگزاری تسنیم، ۲۸ اردیبهشت، ۱۳۹۲، شناسه خیر: ۵۸۷۹۹.

مؤلفه‌های فاصله نسل‌ها

۱. کاهش ارتباط کلامی

یکی از مؤلفه‌های تشخیص بروز شکاف نسل‌ها، کاهش یا حتی از بین رفتن ارتباط کلامی یا گفت‌وگو میان نسل گذشته با نسل جدید است. امروز خانواده‌ها دیگر مانند گذشته دور یکدیگر جمع نمی‌شوند و هر یک از اعضای خانواده، به‌ویژه نوجوانان و جوانان، مشغول فعالیت یا پرکردن اوقات فراغت خود با بازی‌های رایانه‌ای و تلفن همراه هستند و کمتر با والدین خود ارتباط کلامی برقرار می‌کنند.

۲. اختلال در فرآیند همانندسازی

اختلال در فرآیند همانندسازی، یعنی الگوپذیری نسل نوجوان و جوان از نسل قبلی که مهم‌ترین ویژگی ارتباط میان دو نسل است، در حالت گسست دچار وقفه می‌شود. در زمان‌های دورتر، دو نسل متواتر از یکدیگر الگوبرداری می‌کردند؛ یعنی جوانان، والدین را الگوی خود قرار می‌دادند، همانند آنان عمل می‌کردند و از تجربیات ارزشمندشان استفاده می‌کردند؛ ولی امروز دختران، دیگر مانند گذشته این کار را انجام نمی‌دهند؛ زیرا والدین خود را عقب‌تر از زمان حال می‌دانند و نقطه‌نظرها و پیشنهادهای آنان را قبول ندارند؛ لذا می‌روند سراغ شخصیت‌های دیگر که از طریق اینترنت، ماهواره و... معرفی می‌شوند. امروز فرزندان از شبکه‌های اجتماعی، رسانه و مدرسه تأثیر بیشتری می‌پذیرند تا از خانواده! در حقیقت، جوانان از نظر فیزیکی نزد خانواده هستند؛ اما از نظر ارزشی به بیرون تعلق دارند.

۲. بی‌تعمدی به فرهنگ خودی

پیشرفت فن‌آوری‌های نوین و گسترش وسایل ارتباط جمعی در جامعه، موجب

شده است که فرهنگ‌ها از مرزهای جغرافیایی کشورها فراتر رفته و بر فرهنگ دیگر کشورها اثر بگذارند؛ بنابراین با دور شدن دو نسل از یکدیگر، نسل جدید هیچ‌گونه تعهدی به فرهنگ خودی نشان نمی‌دهد.

۴. نداشتن درک متقابل دو نسل از یکدیگر

دو نسل (دختر و مادر)، زبان گفتار و رفتار یکدیگر را متوجه نشده و نداشتن درک متقابل از یکدیگر، موجب می‌شود دختر به پند و نصیحت‌های مادر اعتنایی نکرده، آنها را تاریخ‌گذشته دانسته و راه چاره را در مشورت با غیرخانواده جست‌وجو کند. این موضوع، می‌تواند عاملی برای بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و ناسازگاری دختران در محیط خانه باشد.

۵. نابردباری والدین

نسل جدید مانند هر نسلی، گاه خطا و لغزش‌هایی دارد؛ اما نسل گذشته که گذشته خود را به یاد نمی‌آورد، نمی‌تواند لغزش را امری طبیعی بداند و آن را قبول کند. این امر باعث عدم تحمل والدین در مقابل لغزش‌های دختران شده و هر لغزش کوچک برای آنان غیرقابل تحمل و شاید غیرقابل بخشش می‌شود!

۳. علل روانی

یکی از عوامل ناسازگاری دختران نوجوان با والدین، رسیدن آنان به سن بلوغ است که با برخی از بحران‌های روانی و تغییر هویت و شخصیت آنان همراه است. نوجوان با رسیدن به سن بلوغ و بحران هویت، رفتاری ناسازگار از خود نشان می‌دهد. این دوران از نظر جسمی، روانی و عاطفی موقعیت پیچیده‌ای را برای نوجوان ایجاد می‌کند؛ لذا نمی‌توان رفتارهای کودکان، یا بزرگسالان را از آنان انتظار داشت. در این سنین تغییر و تحولات بسیاری، هم از نظر جسمی و

هم عاطفی و روانی برای نوجوان ایجاد می‌شود. نوجوانان در این دوران، دچار نوعی بی‌ثباتی عاطفی، روانی و فکری می‌گردند که آن را «بحران بلوغ» می‌نامند. این بحران، دختران تازه به بلوغ رسیده را در وضعیتی مبهم و پیچیده قرار می‌دهد که نمی‌دانند چه باید بکنند. همین عدم اطمینان به نقش خود، موجب مشکلات زیادی برایشان می‌شود و آنان را زودرنج، دودل و بی‌ثبات می‌سازد. البته آزادی خواهی، استقلال طلبی و نوگرایی که از خصوصیات دوران بلوغ است نیز، می‌تواند منشأ این ناسازگاری باشد.

۴. علل تربیتی

افراط و تفریط در محبت، ناهماهنگی بین عاملان تربیتی در خانه، مدرسه و جامعه، مقایسه، تحقیر و سرزنش بیجا و فرق گذاشتن بین دختر و پسر، در به وجود آمدن ناسازگاری دختران مؤثر است. بسیاری از والدین، به اشتباه تصور می‌کنند فرزندان باید تنها شنونده‌های محض گفته‌های آنان باشند و گاه حتی حق کوچک‌ترین دخالت را هم درباره سرنوشت و آینده خودشان از آنها می‌گیرند. با این استدلال که فرزندان در هر سنی که باشند، باز هم بچه‌اند و بچه‌گانه رفتار می‌کنند و بدون حضور والدین، قادر نخواهند بود گلیم خود را از آب بیرون بکشند. در بسیاری اوقات، اعمال برخی مقررات خشک انضباطی و سخت‌گیرانه، برای تنظیم و کنترل دختران در خانه یا مدرسه و یا جامعه، زمینه را برای ناسازگاری فراهم می‌کند. خیلی از پدرها و مادرها، وقتی حرف از جنسیت فرزندان می‌شود، با تعارف و رودربایستی می‌گویند: «فرقی نمی‌کند یا هر چی خدا بخواهد»؛ اما ته دل بسیاری، هنوز پسر را بر دختر ترجیح می‌دهد. «براساس یک نظرسنجی اینترنتی، نزدیک به ۸۸ درصد مادران، اقرار کرده‌اند که با پسران خود به شیوه‌ای متفاوت رفتار می‌کنند و رفتار آنها تبعیض‌آمیز است. در

این نظرسنجی مشخص شد مادران، دختران خود را دو برابر بیشتر از پسران مورد انتقاد قرار می‌دهند. میزان انتقاد از دختران، ۲۱ درصد و از پسران، نزدیک به ۱۲ درصد است. بیش از یک‌پنجم مادران (۲۱/۵ درصد)، اعتراف کرده‌اند، در صورتی که پسر آنها شیطنت به خرج بدهد، آن را نادیده می‌گیرند؛ اما این موضوع دربارهٔ دختران، فقط ۱۷/۸ درصد است.^۱

بی‌شک، این خواستهٔ قلبی تمام والدین و دختران است که بتوانند ارتباطی مؤثر، سازنده و صمیمی با یکدیگر داشته باشند؛ طوری که فرزندان در هر سن و جایگاهی که قرار می‌گیرند، احترام موی سپیدشان را نگه‌دارند و به حرف‌هایی که از سر خیرخواهی و نصیحت‌هایی که از سر دلسوزی زده می‌شود، توجه کنند. از سوی دیگر والدین نیز، شخصیت دخترشان را به رسمیت بشناسند، آنها را درک کنند و نیازها، خواسته‌ها، افکار و احساسات آنها را به دیدهٔ احترام بنگرند. متأسفانه برخی از والدین، برای برخورد درست و سازنده با رفتارهای ناسازگارانهٔ فرزندشان، آمادگی و مهارت لازم را ندارند؛ از این رو، عده‌ای ضمن محکوم کردن خطاها و ناسازگاری‌های فرزندشان، به زور و تهدید متوسل می‌شوند! گروهی با طبیعی پنداشتن رفتارهای ناسازگارانهٔ فرزندانشان، پرچم تسلیم را بالا می‌برند و بعضی نیز با آزمون و خطا، تلاش می‌کنند، روش بهتری را برای کنترل آنان پیدا کنند. از آنجا که رفتار ناسازگارانهٔ نوجوانان، عکس‌العمل ناکامی و شرایط نامساعد محیطی آنان است، کاربرد اصول صحیح در تربیت، بسیار مفید و مؤثر خواهد بود. در این باره، باید اقدامات اصلاحی برای فرد ناسازگار انجام گیرد.

نکتهٔ دیگر اینکه از آنجا که فرزندان تا حدودی آینهٔ رفتارهای والدین هستند.

ریشه‌های ناسازگاری نوجوان را باید در نوع و ماهیت رفتار والدین جست‌وجو کرد. رفتار والدین به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم، مولد انواع ناسازگاری در رفتار دختران، به‌ویژه در دوران بلوغ و شروع مرحله عملی اجتماعی شدن است.

راه‌های مقابله با ناسازگاری دختران

۱. کاهش فاصله نسلی

فاصله نسلی، امری بدیهی است که در تمام جوامع، وجود داشته و دارد؛ اما شدت و قوت فاصله نسلی بسیار مهم است؛ چراکه اگر تعدیل و کنترل نشود، ممکن است به شکاف و گسست نسلی بینجامد. خوشبختانه شکاف میان نسل‌ها، هنوز در کشور ما ایجاد نشده است؛ اما همچنان کشمکش بین نسلی وجود دارد! تا فاصله نسلی کاهش نیابد، ناسازگاری‌ها و کشمکش‌ها ادامه خواهد داشت. کاهش فاصله نسلی، با مدیریت منطقی والدین انجام می‌گیرد.

۲. پذیرش تفاوت دو نسل

کشور ما کشوری جوان است و قسمت عمده جمعیت را جوانان تشکیل می‌دهند. اندیشه، روحیات و ظاهر جوانان با پدران و مادران خود، متفاوت است. روحیه جوان امروز به نوگرایی، گروه‌گرایی، میل به متفاوت بودن و هم‌نوایی با دوستان، گرایش دارد. والدین و دختران، باید این واقعیت ساده را بپذیرند که پدر و مادر از یک‌سو و فرزندان جوان از سوی دیگر، متعلق به دو نسل متفاوت‌اند. با در نظر گرفتن این تفاوت، بروز اختلاف نظر و ناسازگاری میان آنها طبیعی است. باید میان نسل گذشته و حاضر، همدلی ایجاد کرد. یکی از عوامل این ارتباط متفاهم و متقابل، درک این دو قشر و نسل از یکدیگر است. اگر هر یک از این دو نسل، شرایط حاکم بر دیگری و فرهنگ خاص تربیتی هر

نسل را درک کنند، هم دیدگاهشان از هم روشن‌تر و شفاف‌تر خواهد شد، هم توقعات و انتظارات، واقعی و عینی از یکدیگر خواهند داشت.

خداوند دربارهٔ تنوعی که در ابعاد مختلف میان انسان‌ها وجود دارد، فرموده است:

«وَ قَدْ خَلَقْنَاكُمْ أَطْوَارًا؛^۱ و به تحقیق، خداوند شما را به حالات و

هیئت‌های مختلفی آفرید.»

بر این اساس، امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«لَا تَقْسِرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى آدَابِكُمْ، فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ لِزَمَانٍ غَيْرِ

زَمَانِكُمْ؛^۲ آداب و رسوم خود را به فرزندانان تحمیل نکنید که

آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند.»

۳. درک دختر جوان

شناخت صحیح والدین از حالات روحی و روانی فرزندان خود و تغییراتی که در شخصیت و رفتار آنان ایجاد می‌شود، تأثیر بسیاری بر برخورد متقابل آنان دارد. یکی از حالات روانی و عاطفی نوجوانان، پرخاشگری است؛ چون به کمک این مکانیسم، او خاطرات تلخ گذشته و ضعف و حقارت خویش را پنهان و از این طریق اطرافیان را متوجه قدرت و بزرگی خود می‌کند. از طرفی، حساسیت‌ها و هیجان‌ها با تغییرات و تحولات غدد داخلی و میزان ترشحات هورمون‌ها رابطه مستقیم دارد. فعالیت‌های بدنی، ورزش و تفریح و انجام تکالیف دینی و عبادات، تأثیر فراوانی در حفظ تعادل عاطفی و کنترل خشم نوجوانان دارد. جوان با اظهار نظر در مسائل و بزرگ‌منشی، درصدد آزمایش دیگران و سنجش میزان

۱. نوح: آیه ۱۴.

۲. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۶۷.

مقاومت آنهاست. والدین نباید به این پدیده با دیده تردید بنگرند و احساس نگرانی کنند. همان طوری که والدین در ایام کودکی از راه رفتن مستقل آنها استقبال می‌کردند، باید از استقلال‌خواهی جوانان خود نیز که نشانه سلامت جسم و جان آنان است، دلشاد باشند. اسلام بر قبول این واقعیت تأکید کرده و بر تشریک مساعی و مشورت با جوانان در مسائل زندگی اصرار می‌ورزد.

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

«الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ»^۱
 فرزند در هفت سال اول، سید و آقای والدین است؛ در هفت سال دوم، بنده مطیع و فرمان‌بردار پدر و مادر و در هفت سال سوم، وزیر آنان است.»

«رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با به کار بردن کلمه وزیر، از طرفی تشخیص طلبی و استقلال‌جویی جوان را مورد توجه قرار داده و او را در کشور کوچک خانواده وزیر مسئول شناخته است و از طرف دیگر، به پدر و مادر فهمانده که با جوان امروز، همانند بچه دیروز رفتار نکنید. بچه دیروز، بنده و مطیع شما بوده و جوان امروز، وزیر و مشاور شماست.»^۲

۴. گوش‌دادن به حرف دختر

برای رسیدن به تفاهم، استفاده از مهارت گوش‌کردن فعال، ضروری است. گوش‌دادن، مبنایی‌ترین راه برای از بین بردن بسیاری از سوءتفاهم‌هاست. بسیاری از دختران می‌گویند: «والدین به حرفشان گوش نمی‌دهند!» در حالی که گفت‌وگو خیابانی دوطرفه است. اگر والدین می‌خواهند دخترشان به حرفشان

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۹۵.

۲. فلسفی، بزرگسال و جوان، ج ۱، ص ۴۲.

گوش دهد، باید به آنها اطمینان دهند که مشتاق شنیدن حرف‌های او هستند. شنیدن نظرهای متفاوت فرزندان، نشان‌دهنده آن است که برای آنها و نظرهایشان احترام و ارزش قائلیم.

۵. حرف‌زدن با دختر

از جمله عواملی که می‌تواند روز به روز فاصله دنیای والدین را از فرزندانشان بیشتر کند، حرف‌زدن است. بیشتر مشکلات و اختلافات بین والدین و دختران، از زمانی شروع می‌شود که کیمیای حرف‌زدن را از یاد ببرند و دختران این انتظار را داشته باشند که والدین، حتی اگر ما چیزی نگوییم باید بدانند مشکلمان چیست؟

در چندین سال پیش، اغلب فرزندان با مادرشان در خانه یا با پدرشان در مزرعه یا محل کار روزگار می‌گذراندند و با هم گفت‌وگو می‌کردند و اگر موانعی پیش می‌آمد، آن را از سر راه برمی‌داشتند؛ از این رو والدین قادر بودند به نیازها، آرزوها و شخصیت فرزندانشان پی ببرند. همچنین فرزندان وقت کافی برای شناختن بیشتر والدینشان داشتند؛ ولی امروز با ورود وسایل و تکنولوژی‌های جدید، مانند موبایل به عرصه خانواده‌ها، والدین و فرزندان ساعت‌های متمادی در کنار یکدیگر می‌نشینند، بدون آنکه حرفی برای گفتن داشته باشند. متأسفانه پایین آمدن مدت زمان گفت‌وگو بین افراد خانواده و فردیت‌گرایی، موجب شده تا فاصله نسلی بیش از پیش نمایان شود! کاهش ارتباطات کلامی میان اعضای خانواده، به مرز هشدار رسیده است و سلامت خانواده‌ها را تهدید می‌کند. براساس اظهارات رئیس انجمن مددکاری ایران، میانگین زمان گفت‌وگو در

خانواده‌های ایرانی، پانزده دقیقه است.^۱ در چنین خانواده‌ای، چگونه می‌توان امیدوار بود اعضای خانواده احساسات عاطفی و جامعه‌پذیری را تجربه کنند؟ البته کیفیت گفت‌وگوی والدین و دختر نیز بسیار مهم است. والدین در ارتباط و گفت‌وگو با دخترشان، باید به فکر «برد برد» باشند و سعی نکنند تنها حرف خود را بر کرسی بنشانند و اصطلاحاً برنده قاطع گفت‌وگو باشند؛ زیرا در طرف مقابل، احساسات منفی ایجاد می‌شود. نسل دیروز (والدین)، احساس دانایی و باتجربگی می‌کند و نسل امروز (فرزندان) که خواهان تطابق با پیشرفت‌های روز است، در برابر آنها واکنش نشان می‌دهد و چون از پس منطق و نصیحت‌های ریشه‌دار و سرشار از تجربه آنها بر نمی‌آید، به لجبازی روی می‌آورد.

۶. ورود والدین به دنیای جدید دختران

والدین باید در زمینه تکنولوژی و منابع جدید مانند اینترنت، اطلاعات کسب کنند تا بهتر بتوانند دنیایی را که فرزندشان در آن بزرگ می‌شود، درک کنند. دختران هم می‌توانند با مطالعه منابع تاریخی و هم‌صحبتی با نسل قدیم، بستری را که نسل قدیم در آن رشد کرده، بشناسند تا بتوانند زمینه‌های مشترک بیشتری برای صحبت بیابند و از بروز کشمکش پیش‌گیری کنند.

۷. دوست‌شدن با فرزند

هیجانان‌درونی مختص سن نوجوان و دوران بلوغ، دختر را نیازمند محبت و حمایت عاطفی می‌کند؛ اگرچه ممکن است این نیاز را به‌صورت مستقیم مطرح نکنند و اصلاً آشکار نسازد. استفاده مداوم و همه‌جانبه از تحکم و زور در برابر

فرزندان، باعث طغیان آنان می‌شود.

امام علی علیه السلام فرموده است:

«قُلُوبُ الرِّجَالِ وَحْشِيَّةٌ فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ؛^۱ دل‌های انسان‌ها

وحشی‌اند؛ پس به کسی روی می‌آورند که با آن‌ها انس گیرند.»

در موارد متعددی، می‌توان مشکلات جدی فرزندان را تنها با تذکری آرام و

برخوردی صمیمانه و به دور از خشونت از بین برد.

همچنان که هیچ‌گاه فندق را با پُتک نمی‌شکنند. مادری که همیشه با زبان

سرزنش و توبیخ با دخترش حرف می‌زند و همیشه بین حرف‌های دخترش،

دنبال چیزی برای مچ‌گیری و ملامت او می‌گردد، قطعاً نمی‌تواند دوست

دخترش بشود!

۸. احترام به دختر

متأسفانه، گاهی پدران و مادران نظرها، رغبت‌ها و علائق خود را بر فرزندان

تحمیل می‌کنند و حتی بدون توجه به سن و موقعیت آنان، رنگ و مدل لباس برای

آنها انتخاب می‌نمایند. در چنین موقعیتی، بروز رفتارهایی از قبیل لج‌بازی،

مقاومت منفی و سرکشی قابل پیش‌بینی است. تحکم بی‌منطق برای نوجوان،

حتی اگر پذیرفته شود، در جایی دیگر رفتار تهاجمی وی را در پی خواهد داشت.

مادر نباید افکار غلط و انحرافی دربارهٔ دختر خود داشته باشد؛ برای مثال، نگوید

فرزندم این کار را می‌کند تا حرص مرا دریاورد یا او باعث تمام مشکلات در

خانه است. چنین افکاری، زمینهٔ ناسازگاری او را فراهم می‌سازد.

۱. صبحی صالح، نهج البلاغه، حکمت ۵۰، ص ۴۷۸.

۹. همدلی

نسل‌ها به شرطی می‌توانند به هم نزدیک شوند که بتوانند خود را به جای دیگری قرار دهند؛ یعنی بتوانند آسیب‌های اجتماعی را از نگاه نسل دیگر بررسی و واکاوی کنند. نگاه همدلانه به یکدیگر داشتن، یعنی به رسمیت شناختن ارزش‌های نسل دیگر. نمی‌توان تنها از نسلی انتظار داشت که به نفع نسل دیگر رفتار همدلانه پیش گیرد. برای نزدیک شدن نسل‌ها، هر دو باید از رفتار مبتنی بر تعصب پرهیزند. در این رابطه، جریان همدلی حضرت ابراهیم علیه السلام با مشرکان قابل تأمل است؛ زمانی که ایشان به‌جای مخالفت و جبهه‌گیری سریع، استدلال آورد:

«فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَأَجِبُ
الْآفَلِينَ * فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ
يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ * فَلَمَّا رَأَى السَّمْسَ بَازِعَةً
قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا
تُشْرِكُونَ»^۱ وقتی (تاریکی) شب او را پوشانید، ستاره‌ای دید و
گفت که این خدای من است. اما وقتی غروب کرد، گفت که
غروب‌کنندگان را دوست ندارم! پس چون ماه را در حال طلوع و
شکافنده افق دید، گفت که این پروردگار من است و چون غروب
کرد، گفت که حَقًّا اگر پروردگارم مرا هدایت نکند، حتماً از گروه
گمراهان خواهم بود. چون خورشید را در حال برآمدن و
درخشان دید، گفت که این پروردگار من است؛ این بزرگتر است!
و چون غروب نمود، گفت که ای قوم! قطعاً من از آنچه شریک
(خداوند) قرار می‌دهید، بیزارم.»

۱۰. جلب اعتماد دختر

«اعتماد»، پلی دوطرفه است! دختر تا زمانی که باور نکند والدین به او اعتماد دارند، به پدر و مادر خود اعتماد نخواهد کرد. لازم است والدین، نگاه بالا به پائین به دخترشان نداشته و رابطه‌ای صمیمی و دوستانه برقرار کنند تا بتوانند اعتماد او را جلب کنند و به جای نه گفتن به خواسته‌های معقول فرزندشان، کمی فکر کرده و راه‌های تسهیل انجام آن را با شرایط صحیح فراهم آورند.

۱۱. پرهیز از نصیحت مستقیم

جوانان از شنیدن نصیحت و اندرز مستقیم گریزان هستند. نوجوانان اعمال خود را بی نقص می‌دانند و پند و اندرز مستقیم را بر نمی‌تابند. امام رضا علیه السلام فرموده‌اند: «النَّصِيحَةُ خَشِيئَةٌ»^۱ نصیحت (مستقیم) ناخوش‌آیند و تلخ است. والدین برای اصلاح رفتار دختران، باید از روش غیرمستقیم، مانند شیوه «به در بگو، تا دیوار بشنود»، استفاده کنند تا از مقاومت روانی فرزندشان کاسته شود. در صورتی هم که مجبور شوند به‌طور مستقیم اشکالات او را بگویند:

اولاً: به کمترین مقدار بسنده کنند؛ چراکه امام علی علیه السلام فرمود: «الإفراطُ في الملامة يَشْبُ نَارَ اللَّجَاجَةِ»^۲ زیاده‌روی در سرزنش، آتش لجاجت را شعله‌ور می‌سازد.»

ثانیاً: پیش از انتقاد، از او اجازه بگیرند؛

ثالثاً: ابتدا نقاط مثبتش را بگویند؛

رابعاً: به جای پیام «تو»، از پیام «من» استفاده کنند. در پیام «تو» (توبی‌نظمی)، اشکال را متوجه فرزند می‌کنند؛ اما در پیام «من» (وقتی می‌بینم لباس‌هایت را

۱. شیخ صدوق، عیون اخبارالرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۹۰.

۲. تمیمی آمدی، غررالاحکم و دررالکلم، ص ۲۲۳.

می‌ریزی، ناراحت می‌شوم) احساس خودشان را بیان می‌کنند که تأثیر افزون‌تری دارد؛

خامساً: از «رفتار» فرزندشان انتقاد کنند و «خودش» را به باد انتقاد نگیرند.

۱۲. گذشت از لغزش‌های دختران

پدران و مادران، باید بدانند که وضع آشفته روحی دختر جوانشان، پدیده‌ای طبیعی است و چه بسا ممکن است از روی جهالت و ندانم‌کاری، خطاهایی از او سربزند! آنها باید با صبر، ظرافت و درایت، اشکالات فرزندشان را نادیده گرفته و به‌طور ماهرانه‌ای برطرف کنند. هرگز نباید حجم انتقادات، با حجم اشتباهات، برابری کند؛ وگرنه این نوع رفتار، مشکل‌آفرین می‌شود. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «جهلُ الشَّبابِ معذورٌ علمُهُ مَحْقُورٌ»^۱ ناآگاهی نوجوانان پذیرفته و آگاهی و دانش آنان ناچیز است.»

سخنی با دختران جوان

یکی از دیرپاترین و سرنوشت‌سازترین ارتباط‌ها، همراهی و هم‌زیستی انسان با پدر و مادر است. دختران جوان برای برقراری ارتباطی عاطفی با والدین، لازم است همواره به نکات زیر توجه داشته باشند:

۱. هرچند والدین در بعضی اوقات در برخورد با فرزندان خود دچار اشتباه می‌شوند، در همه حال ما وظیفه داریم به آنها احترام بگذاریم؛ حتی اگر آنان به ما بی‌احترامی کنند. در اسلام، احسان و تکریم والدین از جایگاه بسیار بلندی برخوردار است.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا آيَاهُ وَ بِالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا، إِمَّا يَبْلُغَنَّ
عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَ قُلْ
لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا؛^۱ پروردگار تو فرمان داد که جز او را نپرستید و به
پدر و مادر نیکی کنید. هرگاه یکی از ایشان یا هر دو نزد تو به
پیری رسند، به آنها أُف (سخن ناخوش) مگو و بر آنان بانگ و
فریاد مزن و با ایشان گفتار نیکو بگو.»

برخورد پسندیده براساس عرف هر جامعه و به‌کارگیری واژگان زیبا و شیوا،
تواضع و فروتنی در برابر آنان، مهربانی و محبت، دعای خیر برای ایشان، دوری
از درشت‌گویی یا حتی به‌کار نبردن واژه اف، خسته شدم، آخ و دیگر اصوات
ناجوری که ایشان را ناخوش آید، از جمله روش‌های احسان، اکرام و احترام به
پدر و مادر است. فرزندان باید از جدل و بحث‌های بیهوده که ممکن است به
تیرگی روابط منجر شود و موجب ناراحتی پدر و مادر گردد، اجتناب ورزند؛
یعنی برای پدر و مادر حریم قائل شوند و شرایط سنی آنها را در نظر بگیرند. این
دستور قرآنی، مطلق است؛ یعنی به هر مادر و پدری باید احترام کرد، خواه با
انسان رفتار خوبی داشته باشند و خواه بد! امام باقر علیه السلام فرمود:

«ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - لِأَحَدٍ فِيهِنَّ رُحْصَةً أَدَاءَ الْإِمَانَةِ إِلَيَّ
الْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ وَ الْوَفَاءَ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ وَ بُرِّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا
أَوْ فَاجِرَيْنِ؛^۲ سه چیز است که در آنها خداوند - عَزَّ وَ جَلَّ - برای
کسی رخصتی نداده است: ادای امانت به نیکوکار و بدرفتار،

۱. اسراء: آیات ۲۳ و ۲۴.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۲.

وفای به عهد (همین طور) به نیکوکار و بدرفتار و خوش رفتاری با والدین، چه آن دو نیکوکار باشند چه فاجر!»

فریادزدن، درستی کردن، اف و اخ کردن، اعتراض نمودن، دشنام و ناسزا دادن، پیشی گرفتن از ایشان در نشستن و درازکشیدن و امور دیگر، می تواند از مصادیق بی احترامی به آنها باشد که باید از آنها پرهیز کرد. گفته اند که یکی از مراجع بزرگوار نجف اشرف که هر روز بالای منبر درس می گفت، روزی بر زمین نشست و تدریس کرد. پس از درس، شاگردان از او پرسیدند: «چرا امروز بر فراز منبر نرفتید؟» پاسخ داد: «امروز پدرم که در ایران پیشه کشاورزی دارد، به مجلس درس آمده بود و من نخواستم بالاتر از او بنشینم.»^۱

امام سجاد علیه السلام، در دعای بیست و چهارم صحیفه سجاده می فرماید:

«خداوند! چنان کن که از هیبت پدر و مادرم همانند هیبت سلطان مستبد، هراسان باشم و به هر دو، چونان مادری مهربان نیکی کنم و در نظرم طاعت و فرمانبرداری از آنان و نیکی ام به ایشان را، از لذت خواب، شیرین تر و برای عطش سینه ام، از شربت گوارا در کام شخص تشنه، خنک تر گردان، تا میل و خواسته ایشان را بر میل و خواسته خویش مقدم بدارم و خشنودی آنان را بر رضای خویش ترجیح دهم و نیکی ایشان را در حق خود، هرچند اندک، زیاد بینم و نیکی خویش در حق ایشان را هرچند بسیار، اندک شمارم.»^۲

۲. دختران می توانند با ایجاد فضای عاطفی و نزدیک با پدر و مادر خود، نگرش آن ها را به خود تغییر داده و اصلاح کنند. اگر بتوانید بلوغ فکری، عقلی و

۱. پایگاه خبری قدس آنلاین، کد خبر ۲۰۹۲۷۰، مورخ ۱۳۹۳/۲/۲۱.

۲. صحیفه سجاده، ص ۱۱۶.

رفتاری خود را در صحنه عمل و در واکنش‌های خود، به آنها نشان دهید، خود به خود آنان نیز طرز رفتارشان را تغییر خواهند داد.

۳. آنچه شما آن را دخالت در امور شخصی‌تان تلقی می‌کنید و مانع استقلال‌خواهی می‌دانید، از نگاه پدر و مادرتان، دل‌سوزی و علاقه شدید به شماست و مطمئن باشید که دل‌سوزترین افراد، پدر و مادرند؛ هرچند برخی رفتارهایشان را نپسندیم یا واقعاً هم صحیح نباشند. هرگز هیچ پدر یا مادری، قصد سوءاستفاده از فرزند خود ندارد!

۴. به والدین‌تان نزدیک‌تر شوید. برای این کار لازم نیست آزادی‌ها و استقلال مشروع خود را از دست بدهید و فقط تن به خواسته‌های آنها بدهید؛ بلکه کافی است درک کنید دغدغه‌های آنان چیست، به قضایا چگونه نگاه می‌کنند و در ذهنشان چه می‌گذرد. برای رسیدن به آن هم، کافی است با آنها گفت‌وگو کنید و در اوقاتی که با هم می‌گذرانید، درباره مطالب و نقطه‌نظرهای خود با آنان سخن گوئید.

پاداش تحمّل و مدارا

مهدی ناجی عظیمی*

مقدمه

یکی از موضوعاتی که در طول تاریخ برای اندیشمندان از اهمیّت برجسته‌ای برخوردار بوده، چگونگی تعامل، تفاهم و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز انسان‌ها با یکدیگر است. انسان‌های سالم همیشه به دنبال فاکتورهای بهبود روابط اجتماعی و تعاملات سازنده بوده و از نزاع و درگیری و قطع روابط با یکدیگر برحذر بوده‌اند.

«تحمّل و مدارا» نیز که یکی از همین فاکتورهای تعامل سازنده است که عامل اثربخش در بهبود روابط اجتماعی و ایجاد آرامش روانی در جامعه است و از گسترش دشمنی‌ها و تخریب روابط انسانی جلوگیری می‌کند. شناخت مفهومی واژه «تحمّل»، می‌تواند به ما در رسیدن به اهداف کاربردی «تحمّل و مدارا» کمک کند:

تعریف مفهوم تحمّل

بنا بر اعتقاد غزالی، تحمّل به معنای ثبات، استقامت و پایداری در مخالفت با

* کارشناس ارشد مشاوره خانواده.

هوای نفس است.^۱ همچنین «تحمل فشارهای روانی»، به معنی «توانایی مقاومت (مقابله) در برابر روی دادها، موقعیت‌های فشارآور و هیجانات قوی» آورده شده است.^۲

واژه‌های مترادف با تحمل نیز، مانند «مدارا»، «تساهل»، «حلم» به همین معانی به کار رفته است. از جمله «مدارا» که به معانی زیر آمده است: «ملایمت، نرمی، مماشات، بردباری، تحمل، فروتنی، شفقت و سازگاری نشان دادن»^۳ همچنین لغت «سَهْل» ریشه «تساهل»، به معنای آسان گرفتن، چشم‌پوشی، سعه صدر و تحمل هرگونه عقیده مخالف است.^۴ «حلم» نیز، به معنای «خودنگهداری» و «آرامش نفس در برابر خشم و احساسات» است.^۵

می‌توان برای مفهوم تحمل، به واژه «منبع کنترل» در نظریه راتر اشاره کرد. مفهوم کنترل، عملاً به تسلط بر روی دادها می‌انجامد. این مفهوم در این نظریه، باور افراد را درباره نقش خود در مواجهه با اتفاقات ناخوش‌آیند بیرونی نشان می‌دهد. از طرفی افراد دارای «کنترل بیرونی»، معتقدند رفتارها و گفته‌های ناخوش‌آیند دیگران، تأثیر زیادی بر عمل‌کرد آنها داشته است و در مقابل افرادی که دارای «کنترل درونی» هستند، اعتقاد دارند محرک‌های ناخوش‌آیندی که دریافت می‌کنند (مانند ابراز خشم اطرافیان)، تحت کنترل خود آنهاست؛^۶

۱. محمد غزالی، کیمیای سعادت ص ۳۴۵.

۲. احمد ایزدی طامه و همکاران، «مقایسه تأثیر آموزش صبر و حل مسئله بر کاهش پرخاشگری...»، فصل‌نامه دانش انتظامی، ش ۳، ص ۲۰۷ - ۱۸۲.

۳. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ذیل واژه «مدارا».

۴. حسین فرزانه‌فر، «تساهل و مدارا در اندیشه‌های سیاسی اسلام»، مجله مطالعات اسلامی، ش ۶۳، ص ۱۸۵ - ۱۵۵.

۵. جواد ایروانی، «خاستگاه مدارا و عفو از دیدگاه قرآن و حدیث»، مجله الهیات و حقوق، ش ۱۷، ص ۱۸۸ - ۱۵۳.

۶. دوان شولتز و سیدنی آلن شولتز، نظریه‌های شخصیت، ص ۴۸۰.

بنابراین داشتن احساس کنترل بر افکار و رفتار، می‌تواند بر توانایی کنارآمدن با فشار روانی و به حداقل رساندن آثار زیان‌بخش آن اثرگذار باشد.

از دیگر متغیرهایی که در واکنش به اختلافات، خشم و پرخاش‌گری مؤثر است، متغیر «افزایش‌دهنده و کاهش‌دهنده اختلافات» است. غالباً افرادی که در برابر بروز اختلافات تحمّل بالایی دارند، خود را بزرگتر از مسائل و اختلافات و حتی مشکلات می‌بینند و آستانه تحمّل بالاتری دارند.^۱

اهمیت و ضرورت تحمّل و مدارا

امروز تحمّل و مدارا از هر زمان دیگر ضروری‌تر است؛ زیرا در دورانی زندگی می‌کنیم که مسائلی چون اقتصاد، ارتباطات، وابستگی متقابل، تفاوت‌های فرهنگی، گرفتاری‌ها و مشکلات و دگرگونی رفتارهای اجتماعی و... مطرح است. از آنجا که تنوع و گوناگونی، بخش‌های مختلف جامعه را از یکدیگر جدا می‌کند، تحمّل و مدارا نکردن دیگران، جامعه را به‌طور بالقوه تهدید می‌کند.^۲

در اهمیت بحث «تحمّل»، همین بس که در قرآن کریم، تعداد ۹۳ آیه به موضوع صبر و تحمّل پرداخته است.^۳ همچنین کلمه تحمّل ۱۴ بار، پذیرش اشتباه دیگران و بخشش آنان ۲۱ بار، حلم، بردباری و صبر ۲۵ بار، تحمّل عقاید مخالف ۱ بار، رفق، نرمی و مدارا ۸ بار در نهج‌البلاغه تکرار شده است.^۴

سازمان‌های بین‌المللی نیز به اهمیت تحمّل توجه می‌کنند تا جایی که

۱. ام. رابین دیماتو، روان‌شناسی سلامت، ج ۱، ص ۷۳۰.

۲. محمد فولادی، «تساهل و تسامح از منظر دین»، مجله معرفت، ش ۳۵، ص ۱۷-۱.

۳. بابک شمشیری و علی شیروانی شیری، «مفهوم صبر در قرآن...»، فصل‌نامه تربیت اسلامی، ش ۱۳، ص ۹۸-۷۹.

۴. علی نصر اصفهانی و همکاران، «بررسی تحمل و مدارا...»، دوفصل‌نامه مدیریت اسلامی، ش ۲، ص ۱۳-۱۱۳.

یونسکو سال ۱۹۹۵ را «سال مدارا» اعلام می‌کند.^۱
در ادبیات ما نیز تحمّل و مدارا سابقه‌ای طولانی دارد. حافظ آن را کلید
«آسایش دو گیتی» می‌شمارد و می‌گوید:
آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است
با دوستان مروت، با دشمنان مدارا^۲

عرصه تحمّل

۱. عرصه فردی

شاید بتوان یکی از بهترین بیان‌های قرآن را درباره تحمّل، سوره عصر دانست. در این سوره، خداوند بیان می‌کند که انسان در معرض خسران و نابودی است؛ مگر کسانی که از چهار اصل اساسی و بنیادی برخوردار هستند. این چهار اصل عبارت‌اند از: ایمان، عمل صالح، حقیقت‌جویی و صبر و تحمّل. آنچنان که برخی مفسران گفته‌اند، «صبر و تحمّل» در سوره عصر، معنی وسیع و گسترده‌ای دارد که هم صبر بر اطاعت و عبادت را شامل می‌شود و هم صبر در برابر انگیزه‌های معصیت و گناه و هم صبر در برابر مصائب و حوادث ناگوار.^۳

۱. تحمّل در برابر گناه

در قرآن آیات متعددی وجود دارد که خداوند انسان را به تحمّل در مقابل گناه

۱. یونسکو، کاهش آستانه تحمل، ۱۹۹۵ م.

۲. دیوان حافظ، ص ۹۹.

۳. این نوع تقسیم‌بندی، بر اساس حدیثی است که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: «الصَّبْرُ ثَلَاثٌ: فَصَبْرٌ عَلَى الْمُصِيبَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَ صَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ...» (محسن قرآنی، تفسیر نور، ج ۷، ص ۵۸۵)

و معصیت فرامی خواند: «قَالُوا إِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَ هَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ.»^۱

ابوالفتح رازی در تفسیر این آیه گفته است: «هر کس متقی باشد، از معاصی پرهیزد، واجبات را بجای آورد و صبر کند از محارم، خدای - تعالی - رنج نیکوکاران را ضایع نکند و مزد ایشان را بدهد...»^۲.

۲. تحمل در اطاعت و عبادت

خداوند در آیات متعددی پیامبر و مؤمنین را در برابر سختی های عبادت به صبر دعوت می کند: «رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَ اصْطِرِّ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا.»^۳

در «کشف الاسرار» میبدی، در تفسیر این آیه چنین آمده است: «صبر کردن بر عبادت، دلیل است بر آنکه عبادت سخت و خسته کننده است و مؤمن بر صبر بر آن امر شده؛ زیرا صبر مقرون به سختی و ناخوش آیند است.»^۴

۳. تحمل در برابر مصائب و مشکلات

خداوند در بعضی آیات قرآن مسلمانان را در برابر حوادث و مشکلات، مانند مرگ عزیزان، از دست رفتن اموال و دارایی و پیش آمدن حوادثی که قلبها را از خوف لبریز می کند و گرسنگی و فقر به همراه می آورد، به صبر و پایداری فرامی خواند: «وَ لَتَبْلُوَنَّكُمْ بِشِيءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ

۱. یوسف: آیه ۹۰.

۲. ابوالفتح رازی، روح الجنان و روح الجنان، ج ۶، ص ۴۳۴.

۳. مریم: آیه ۶۵.

۴. رشیدالدین میبدی، کشف الاسرار و غده الأبرار، ج ۶، ص ۷۶.

الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ»^۱ استقامت و پایداری در مقابل این روی دادها، موجب شکفته شدن استعدادهای نهفته روح می گردد و انسان را به خدا یا منبع کمال پیوند می دهد. امعقیل زنی بادیه نشین بود و پسری به نام «عقیل» داشت که شترانشان را به چرا می برد. روزی دو میهمان به خانه اش وارد شدند. در همان حال خبر آوردند که بر اثر ازدحام شتران، پسرت به چاه افتاده و جان سپرده است. امعقیل بدون آنکه موضوع را به اطلاع میهمانان برساند، به پیام آور گفت: «این گوسفند را ذبح و طعامی برای میهمانان و خویشان درست کن.» پس از خوردن غذا، میهمانان از ماجرای کشته شدن پسر او باخبر شدند و همه از صبر و روحیه عالی این زن تعجب کردند. امعقیل به میهمانان گفت: «آیا در میان شما کسی هست که از کتاب خدا چیزی بداند و با تلاوت آن مرا تسلی دهد؟» یکی از حاضران این دو آیه را تلاوت کرد: «وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ»^۲ (ای محمد ﷺ!) بشارت ده صابران را، آنان که وقتی دچار مصیبت و بلا می شوند و می گویند ما از خدا و به فرمان او آمده ایم و به سوی او رجوع خواهیم کرد. اینها مشمول دعا و رحمت پروردگارشان هستند و ایشان هدایت شده گان اند.»

امعقیل مصیبت دیده با شنیدن این آیات، دست به دعا برداشت و عرض کرد: «خدایا! من به آنچه در این آیه فرموده ای و مسئولیت داشتم، از شکیبایی و صبر به قضا عمل کردم. اینک تو هم آنچه را که به صابران وعده داده ای، عمل کن.» بعد از آن گفت: «اگر کسی باقی می ماند، او حضرت محمد ﷺ است که برای

۱. بقره: آیه ۱۵۱.

۲. بقره: آیه ۱۵۶.

امّش باقی می ماند.»^۱

گفتنی است که صبر و تحمل آثاری هم دارد که به برخی از آنها اشاره می شود:

- سلامت روانی و جسمانی

در دهه گذشته، تحقیقات گسترده‌ای درباره تحمل و گذشت و تأثیر آن در سلامت روان انجام شده و اغلب پژوهش‌های صورت گرفته، بیانگر تأثیر مستقیم تحمل و گذشت با ابعاد اثرگذار در سلامت روان بوده است.^۲ این تحقیقات نشان می دهد که تحمل و گذشت، در کاهش اضطراب، افسردگی، پرخاشگری و اختلالات عاطفی - رفتاری مؤثر است. همچنین شواهد نشان داده است که سلامت روانی، بیشتر تحت تأثیر شیوه مقابله افراد با تحمل فشار روانی قرار دارد.

از سوی دیگر، دانشمندان دریافته اند که بروز یا تشدید برخی بیماری های جسمانی، مانند بیماری عروق کرونر، قلب، سرطان، آسم و... از حالات روانی فرد متأثر است؛^۳ بنابراین خشونت عامل بروز یا تشدید پاره‌ای از بیماری های روانی و جسمانی است و تحمل و مدارا، دارویی است که از سوی اسلام تجویز شده است.

- آرامش و آسایش

زندگی اجتماعی با ناملایمات و نزاع‌هایی آمیخته است که از تراحم منافع

۱. شهید ثانی، مسکن الفؤاد عند فقد الأحبة والأولاد، ص ۷۹.

۲. غباری بناب، «رابطه عفو و گذشت با میزان اضطراب...»، مجله حوزه و دانشگاه، ش ۳۱، ص ۵۶.

۳. بهنام بهراد و یدالله رستگاری، «تحلیل رابطه خصومت و خشم با...»، پژوهش های روان‌شناختی، ش ۱، ص ۹.

افراد با یکدیگر ناشی می‌شود. در چنین وضعی، غالباً اغماض، تحمّل و سعه‌صدر، تنها راه برخورداری از آرامش و آسایش در زندگی است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در کلامی کوتاه و حکمت‌آمیز به این واقعیت اشاره فرموده است: «رنج و آزار را تحمّل کن؛ وگرنه هرگز خرسند نخواهی بود.»^۱

- برکت و فزونی روزی

در آموزه‌های اسلامی، مدارا و خوش‌اخلاقی موجب خیر، برکت و زیادی روزی معرفی شده است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «همانا در مدارا، زیادی و برکت است و هرکس از فضیلت مدارا محروم باشد، از خیر محروم ماند.»^۲ امام کاظم علیه السلام نیز فرموده‌اند: «همانا مدارا و نیکی و خوش‌اخلاقی، سرزمین را آباد می‌سازد و روزی را افزایش می‌دهد.»^۳ بدیهی است که مدارا با مردم و حسن معامله با آنان و در نتیجه، کسب اعتماد و اعتبار اجتماعی، از مهم‌ترین اسباب کسب روزی است. افزون بر آن، ممکن است تحمّل بدی‌ها، از عوامل غیبی و معنوی برکت و افزایش روزی نیز باشد.

در اینجا، پس از بیان آثار صبر، به راه‌کارهای ایجاد آن می‌پردازیم:

راه‌کارهای ایجاد تحمّل فردی

- آنگاه که انسان روح خود را بزرگ و ذات خود را با عظمت‌تر از رنجش و دلتنگی از فرومایگان ببیند، دیگر احساس ضعف و دلتنگی نکرده و موجب کینه‌توزی و انتقام‌جویی نمی‌گردد؛ بلکه آنها را محرومانی می‌بیند که شایسته ترحم و بخشش‌اند.

۱. صبحی صالح، نهج البلاغه، حکمت ۲۱۴.

۲. علی اصغر خسروی شبستری، خلاصه‌ای از اصول کافی، ص ۵۷.

۳. ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۹۵.

- اعتقاد به روز واپسین و پاداشهای الهی و نیز هدفمندی جهان آفرینش، سهولت تحمّل آزار مخالفان و فرو بردن خشم و غضب را در پی دارد.

- قرآن کریم در آیه ۱۸۶ سوره آل عمران، برای تقویت روحی مؤمنان و بالابردن میزان تحمّل آنان در برابر سخنان آزاردهنده مخالفان، دستور می‌دهد صبر و تقوا پیشه سازند.

- رسوخ قدرت تحمّل در آدمی، نیازمند تمرین و مراقبت مستمر است. باید انسان بکوشد تا در حد امکان از اعمال خشونت و واکنش‌های منفی پرهیز کند و با تکرار این کار، به تدریج تسلط بر خشم به صورت عادت مثبت درمی‌آید. امیر مؤمنان علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«اگر بردبار نیستی، خود را به بردباری وادار؛ چه اندک است کسی که خود را همانند گروهی کند و از جمله آنان نشود!»^۱

۲. عرصه خانوادگی

خداوند متعال، مرد و زن را مایه آرامش یکدیگر قرار داده و الفت را میان آنها برقرار ساخته است. از مهم‌ترین وظایف آنها، خوش خلقی و مهربانی با همسر است. امام سجاد علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«حق زن این است که... او را گرمی دار و با او نرمی کن. هر چند حق تو بر او واجب‌تر است، حق وی بر تو این است که با او مهربان باشی و... و اگر نادانی کرد او را ببخشی.»^۲

۱. صبحی صالح، نهج البلاغه، حکمت ۱۹۸.

۲. زهرا رودباری، «بررسی خشونت و مدارا از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ص ۲۷.

بر این اساس وظیفه زوجین آن است که برخوردی مؤدبانه و کریمانه داشته باشند، لغزش‌های یکدیگر را نادیده گرفته و در رفع آنها بکوشند و در مقابل بدرفتاری یا سوءخلق دیگری صبر و تحمل داشته و یکدیگر را مورد گذشت قرار دهند.

همچنین پس از خدای متعال، والدین اولین کسانی هستند که بیشترین حقوق را بر گردن انسان دارند. فرزندان ممکن است در اثر کم‌حوصلگی و بی‌صبری رفتاری ناپسند از خود بروز دهند که موجب ناراحتی والدین شود. در اینجا قرآن مجید دستور می‌دهد که کمترین بی‌حرمتی به آنها نباید صورت گیرد و فرزندان نباید طوری رفتار کنند که والدین احساس ناراحتی کنند؛ بنابراین فرزندان باید از کوچک‌ترین تعابیر نامؤدبانه بپرهیزند، با گفتاری مهربانانه و بزرگووانه با والدین برخورد کنند و نهایت فروتنی را در برابر آنها به خرج دهند. فرزندان باید با به یادآوردن دوران کودکی خود که چگونه والدین آنها را تربیت و سرپرستی کرده‌اند تا رشد نمایند، آنان را تحمل کرده و به درگاه الهی برای آنها دعای خیر کنند.

از طرفی، والدین نیز باید از خطا و اشتباه فرزندان خود درگذرند. به این سبب که آنان تجربه اندک و ناپختگی فراوان دارند. امام سجاد علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«اما حق خردسال مهرورزی به او، پرورش و آموزش، گذشت از اشتباهات او، نرمش با او، کمک به او و پرده‌پوشی خطاهای کودکی اوست؛ زیرا آن سبب توبه است و نیز باعث مدارا کردن با او و تحریک نمودن اوست که این به رشد او نزدیک‌تر است.»^۱

آثار تحمّل در خانواده

از آثار مثبت تحمّل و مدارا با خانواده، کسب محبوبیت در میان آنان است. درگیری با افراد خانواده، آدمی را در نظر آنان پست و بی‌ارزش می‌سازد و در مقابل، بردباری، به وی شخصیت و بزرگی می‌بخشد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«اگر می‌خواهی گرمی و محترم باشی، نرمخو باش و اگر می‌خواهی خوار و ذلیل گردی، خشونت روا دار.»^۱

بنابراین مدارا با خانواده موجب جذب آنان به فرد می‌گردد. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که ایشان دلیل تحمّل و مدارا با خانواده را، جذب آنان به سوی دین می‌داند.^۲

راه کارهای ایجاد تحمّل

آموزش خانواده، راهی مؤثر برای افزایش قدرت تحمّل در میان زوجین است. زوجین باید بیاموزند که یکدیگر را تحمّل کنند؛ چنانکه دوست دارند همسرشان، آنان را تحمّل کنند. تحمّل یعنی رفتار با دیگران، به روشی که دوست دارید با شما رفتار شود. زوجین باید فراگیرند که آداب و رسوم و فرهنگ خانواده همسر با آداب و رسوم و فرهنگ خانواده خودشان، متفاوت است؛ بنابراین باید اطلاعاتی درباره یکدیگر داشته باشند تا دچار سوءتفاهم نشده و رفتار همسر را سوءتعبیر نکنند. از طرفی باید زوجین خصوصاً بانوان، از هرگونه اقدام تصمیم‌گیری و داوری در حالت خشم پرهیزند و هر کلامی را بر زبان جاری نسازند تا مقدمات اختلاف و کشمکش در میان خود و شوهرانشان، ایجاد نشود.

۱. کلینی، الکافی، ص ۱۹۷.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۳۸.

بدیهی است که تفاوت در بین انسانها وجود دارد و هر انسانی رفتاری منحصر به فرد دارد. باید از وجود این تفاوتها لذت برد و زندگی خود را با دیگران مقایسه نکرد.

می‌دانیم که به غیر از معصوم، همه انسانها ممکن است خطاها و لغزش‌هایی داشته باشند. دو نفر که با هم زندگی می‌کنند، باید لغزش‌ها و خطاهای یکدیگر را بخشیده و آن را تحمل نمایند. اگر اعضای خانواده بخواهند درباره یکدیگر سخت‌گیری کنند و لغزش‌های همدیگر را دنبال کنند، قطعاً زندگی آنها از هم خواهد پاشید.

خانم‌های محترم! ممکن است شوهران شما خطا یا لغزشی را مرتکب شوند یا ممکن است بر اثر خستگی کار روزانه و...، از روی خشم و غضب، به شما اهانتی کنند یا ناسازی از دهانشان بیرون بیاید و یا کاری بکنند که مورد پسند شما نباشد؛ چنین لغزش‌هایی از هر مردی ممکن است سر بزنند! رفتار وی را تحمل کنید و وقتی از کردار خود پشیمان شد، او را ببخشید. اگر عذرخواهی هم نمود، صبوری پیشه کنید که این روش برخورد، باعث شکنجه و جدان وی خواهد شد. نباید این‌طور فکر کرد که اگر من سکوت کنم، کوچک می‌شوم و شوهرم جرأت بیشتری پیدا می‌کند و بر من مسلط می‌شود. هرگز چنین نیست؛ بلکه این عمل، کاری عاقلانه و از لوازم شوهرداری است و حفظ سلامت خانواده به آن مربوط است.^۱ اگر زنی نقصی در همسرش می‌بیند و احساس می‌کند که قابل اصلاح نیست، همسرش را با همان نقص بپذیرد و آن رفتار را نادیده گرفته و تحمل نماید. بیشتر عیب‌ها قابل اغماض‌اند و می‌شود با تحمل آنها، خوش و خرم زندگی کرد.

۱. ابراهیم امینی، همسرداری، ص ۴۹.

۳. عرصه اجتماعی

ایجاد جامعهٔ منسجم در گرو آن است که افراد آن، اندیشه‌ها و سلیقه‌های مختلف را تحمّل و از کنار برخوردهای سفیهانه، با اخلاق کریمانه درگذرند و با تحمّل، کینه‌ها را به محبت بدل سازند.

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند:

«آیا برترین اخلاق دنیا و آخرت را به شما نگویم؟ گذشت از کسی که بر تو ستم روا داشته و پیوند با آنکه از تو بریده و نیکی به شخصی که با تو بدی کرده و بخشش به کسی که تو را محروم ساخته است.»^۱

قرآن کریم می‌فرماید:

«... وَ لِيَعْفُوا وَ لِيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ

رَحِيمٌ»^۲ آیا دوست ندارید خداوند شما را ببخشد؟ پس از خطا و لغزش دیگران درگذرید.»

خداوند خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَ لَا تُكِنُّ كَصَاحِبِ الْخُوْتِ إِذْ نَادَى وَ هُوَ

مَكْظُومٌ»^۳ (ای رسول خدا!) بر انکار و آزارشان، به خاطر حکم

خدای خود، تحمّل کن و مانند یونس مباحث که از خشم در

عذاب امتّ تعجیل کرد و بعد از پشیمانی و در ظلمت بطن ماهی،

به حال غم و اندوه خدا را خواند.»

قرآن کریم بیان می‌کند که تحمّل در زندگی اجتماعی و تعاملات بین فردی،

اهمیت بسیاری دارد.

۱. علی اصغر خسروی شبستری، خلاصه‌ای از اصول کافی، ص ۶۳.

۲. نور: آیه ۲۲.

۳. قلم: آیه ۴۸.

خداوند به پیامبر سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید:

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَّفُتِنُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ...»^۱ پس به (برکت) الهی، با آنان نرمخو (و پرمهر) شدی و اگر تندخو و سخت دل بودی، قطعاً از اطراف تو پراکنده می شدند. پس از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه...» به عبارت دیگر، اگر پیامبر سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قدرت تحمل و گذشت نداشت، قطعاً نمی توانست در میان جامعه خشن آن زمان، دین خدا را رواج دهد.

آثار تحمل

از آثار تحمل در جامعه، تبدیل کینه‌ها و دشمنی‌ها به محبت و دوستی است. کسی که بدی کرده و خوبی می بیند، قطعاً در او آثار روحی و روانی زیادی گذاشته و دلش را نرم خواهد کرد و او را از رفتار بد خود، پشیمان خواهد کرد. از نزدیک‌ترین گروه‌هایی که معاشرت با آنان بر هر انسان مسلمانی ضرورت دارد، بستگان، خویشاوندان و همسایگان او هستند که به گفته امام علی عَلَيْهِ السَّلَام بزرگ‌ترین گروهی هستند که از او حمایت می کنند و اضطراب و ناراحتی او را می زدایند و در هنگام مصیبت‌ها به او پرعاطفه‌ترین مردم می باشند. پیامبر آنچه‌چنان درباره همسایه سفارش فرمود که بعضی گمان کردند همسایه از همسایه ارث می برد.

امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید:

«خوش همسایگی تنها به این نیست که از آزار همسایه خودداری

کنی؛ بلکه آن است که بر آزار او نیز شکیبایی ورزی.^۱

همچنین خداوند پاداش کسی را که به سبب سامان یافتن امور، از حقّ شخصی‌اش درگذرد، خود برعهده گرفته است؛ («... فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ...»)^۲ گرچه حقی از او ضایع شده، به سبب گذشتی که مایه انسجام جامعه، کم‌شدن کینه‌ها، افزایش محبت و آرامش است، خداوند پاداش او را از فضل بی‌پایانش برعهده گرفته است و به فرموده امام صادق علیه السلام به دلیل اینکه خشمش را اعمال نکرده، خداوند در قیامت دلش را از خشنودی خویش لبریز می‌سازد.^۳

۱. زهرا رودباری، «بررسی خشونت و مدارا از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ص ۳۰.

۲. شوری: آیه ۴۰.

۳. کلینی، اصول کافی، ص ۲۶۳.

آسیب‌شناسی آرایش‌های زنان

معصومه محمدی سیف*

مقدمه

آرایش، امری فطری و طبیعی است. گرایش فطری زن به آرایش، آثار روانی بسیار مثبتی برای وی دارد. از طرفی، بی‌میلی به آراستگی و آرایش نیز، نشانهٔ اختلال شخصیتی در فرد بوده و افراط در آن نیز مشکلات فراوانی برای فرد و جامعه فراهم می‌کند. دربارهٔ آرایش زنان، باید دو مطلب از هم تفکیک شود: اول آرایش زن در محیط خانه و برای همسر، دیگری آرایش برای نشان‌دادن خود به دیگران و حضور در عرصهٔ عمومی. دربارهٔ مطلب نخست، اسلام با خودآرایی و زینت زنان مخالفتی ندارد و در مواردی، آنان را به این مسئله سفارش کرده است؛ اما دربارهٔ مطلب دوم، اسلام با خودآرایی و جلوه‌گری در مکان‌های عمومی کاملاً مخالف بوده و با آیات و روایات ارزشمندی، زنان را به این امر مهم متوجه می‌سازد. بر این اساس، پوشیدن جامهٔ زیبا، بهره‌گیری از مسواک و شانه‌زدن مو، خوش‌بو بودن، استفاده از انگشتر و آراستن خویش در محیط خانه و هنگام عبادت، جزء مستحبات مؤکد است. در واقع اصل آرایش و آراستگی در اسلام،

* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی.

مسئله‌ای پسندیده و نیکوست و در آن تفاوتی میان زن و مرد نیست. اما پرسش این است که آیا زن به حضور در عرصه عمومی و محل رفت و آمد محرم و نامحرم مجاز است که آرایش خود را در معرض دید همگان قرار دهد؟

جایگاه زیبایی و آرایش در اسلام

در روایات متعددی خوشبو کردن،^۱ آراستن ناخن،^۲ توجه به زیبایی چهره^۳ و رنگ موی زن^۴ از یک سو و لزوم آراستگی شوهر برای زن از سوی دیگر مورد توجه قرار گرفته است که مجموع این روایات، از توجه اسلام به این نیاز زن حکایت دارد. همچنین در آموزه‌های دینی، زنان از اینکه برای غیرهمسر خود زینت کنند، منع شده‌اند. دین مبین اسلام، به آرایش و زینت کردن در آیات و روایات فراوانی پرداخته و زنان را تشویق کرده که در مقابل همسر و در بستر خانواده، خود را به زیورها و بوی‌های خوش مزین سازند.

قرآن کریم در دو آیه تحت عنوان تبرج، زنان را از حضور در جامعه با هرگونه آرایش نامتعارف که سبب ارتباط گفتاری آنان با مردان نامحرم می‌شود و پیام‌های فاسدی به مردان منتقل می‌کند، نهی کرده است. در یک‌جا خطاب به زنان فرموده است: «شَرَّ نِسَائِكُمُ الْمُتَّبِرَّجَاتُ»^۵ بدترین زنان شما کسانی هستند که زیور و زیبایی خود را نشان می‌دهند.» در آیه دیگر نیز که درباره پوشش زنان سالمند است، می‌فرماید: «غَيْرِ مُتَّبِرَّجَاتٍ بِزِينَةٍ»^۶ زنان (در برابر نامحرمان) با

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۰۰.

۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۳۴.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۳۲۰.

۴. همان، ج ۷۶، ص ۱۰۲.

۵. سیوطی، الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر، ج ۱، ص ۶۳۰.

۶. نور: آیه ۶۰.

زینت‌ها و آرایش‌هایشان خودنمایی نکنند.» در جای دیگر نیز چنین آمده است: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى؛^۱ و در خانه‌هایتان بنشینید و آرام بگیرید و مانند دوره جاهلیت پیشین، آرایش و خودآرایی نکنید.» یکی از حکمت‌های این دستور قرآنی و اسلامی، این است که چون بانوان به‌طور طبیعی به‌گونه‌ای آفریده شده‌اند که غالباً مظهر جمال و زیبایی و مردان نیز مظهر شیفتگی و دلدادگی هستند؛ از این رو آشکار کردن زینت‌های بانوان، زمینه تحریک شهوت جنسی را ایجاد می‌کند. شهید مطهری می‌گوید: «زنان عرب، معمولاً خلخال به پا می‌کردند و برای این که بفهمانند خلخال قیمتی دارند، پای خود را محکم بر زمین می‌کوفتند. آیه کریمه از این کار هم نهی فرمود. از این دستور می‌توان فهمید هر چیزی که موجب جلب توجه مردان می‌گردد، مانند استعمال عطرهای تند و همچنین آرایش‌های جالب نظر در چهره، ممنوع است. به‌طور کلی، زن در معاشرت، نباید کاری کند که موجب تحریک، تهییج و جلب توجه مردان نامحرم شود.»^۲

عوامل مؤثر بر استفاده زنان از لوازم آرایش

درباره آرایش زنان، ذکر دو عامل حائز اهمیت است؛ عوامل خانوادگی و عوامل اجتماعی. در ابتدا به عوامل خانوادگی که شامل مواردی، همچون: فرهنگ حاکم بر خانواده، نگاه تحقیرآمیز خانواده و اعتماد به نفس کاذب است، مطرح شده و در بخش دوم، به بررسی عوامل اجتماعی که دربرگیرنده تهاجم فرهنگی غرب، مصرف‌گرایی، چشم و هم‌چشمی و شرایط جامعه امروزی است، بررسی می‌شوند که توجه به هر یک از این عوامل، در نوع خود بسیار ارزشمند است.

۱. احزاب: آیه ۲۳.

۲. مرتضی مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۴۶.

عوامل خانوادگی

۱. فرهنگ حاکم بر خانواده (بی توجهی والدین)

رفتار نادرست والدین و عدم کنترل فرزندان، یکی از علل گرایش جوانان به این معضل است. افزون بر عامل یادشده، فرهنگ حاکم بر خانواده و جامعه نیز، تأثیر بسزایی در نوع رفتار افراد دارد؛ وقتی افراد در محیطی رشد می کنند که مورد اهمیت و توجه کافی اعضای خانواده خود قرار گرفته و از استقلال نسبی برخوردار هستند، به میزان کم تری برای جلب نظر و تأیید اطرافیان تلاش می کنند که با آرایش کردن، خود را منصفه حضور بگذارند. «وقتی مادر و خواهر بزرگ خانواده که از اصلی ترین الگوهای کودک هستند، از لوازم آرایش استفاده می کنند و حساسیتی نیز به استفاده فرزند نوجوانشان از این وسایل نشان نمی دهند، در واقع زمینه استفاده زیاد جوانان را از لوازم آرایشی، به راحتی فراهم می کنند و ذهن و اندیشه او را از کشف استعدادهاش محروم می کنند.»^۱ آرایش و پوشش نامناسب مادر یا خواهر نزد نوجوان یا جوان بالغ، تأثیر سوء فراوانی دارد که بعدها گریبان گیر خانواده می شود. هرچند آرایش زن و شوهر برای یکدیگر، امری لازم و مورد توصیه اسلام است، نکته قابل ذکر این است که در خانواده ای با فرزندان نوجوان یا بالغ، این آراستن ها بایستی به حداقل ممکن کاهش یابد یا دور از چشم آنها اعمال گردد؛ زیرا دیدن این امور، می تواند برای جوان تحریک کننده باشد. بررسی های علمی نشان می دهد که گاهی مادران - دانسته یا ندانسته - در تحریک و انحراف فرزندان تأثیر دارند.^۲ یک خانم، باید برای حفظ

۱. معصومه محمدی سیف، دلم می خواهد از همه زیباتر باشم؛ آسیب شناسی استفاده افراطی از لوازم آرایشی و بهداشتی و تأثیر آن بر خانواده، ماهنامه پیام زن، شماره ۲۷۴، دی ماه ۱۳۹۳، ص ۷.

۲. علی قائمی، خانواده و مسائل جنسی کودکان، ص ۹۱.

خانواده‌اش تلاش مضاعف داشته باشد؛ زیرا بخش بزرگی از مسئولیت زندگی زناشویی برعهده خانم‌هاست. قرآن کریم نیز، برای حفظ کرامت زنان و مخدوش‌نشدن آن، توصیه می‌کند که باید وظایف خود را در برابر همسر به انجام رساند. آرایش و زیبایی را باید در محیط خانه و برای همسر انجام داد تا کانون خانواده، گرم و پرنشاط بماند و حتی در صورت خودداری زن از وظایف، می‌توان او را مجبور کرد؛ همچنان که خداوند نیز چنین می‌فرماید:

«وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا.»^۱ زن باید از ابزار جاذبه‌های جسمی خود در جمع پرهیزد و اگرچه زیبایی دوستی در همه انسان‌ها فطری و انکارناپذیر است، زن از همه این ترفندها، تنها باید برای جذب همسر خود بهره بگیرد و حق ندارد از این بخشش‌های خدادادی، در جذب نامحرم و بیگانه استفاده کند؛ چراکه این امر، در پایان به از میان رفتن کرامت انسانی او و جامعه پیرامونش خواهد انجامید. زن تنها در حضور محارم و در خانه حق خودنمایی دارد؛ ولی نه بسان زنان دوره جاهلیت در کوچه و بازار^۲ و میدان جنگ!^۳ در عصر جاهلیت، زنان را به جنگ می‌بردند تا با آوازخواندن، مردان را

۱. نساء: آیه ۳۴: «و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید، [نخست] پندشان دهید و [بعد] در خوابگاه‌ها از ایشان دوری کنید و [اگر تأثیر نکرد،] آنان را بزنید. پس، اگر شما را اطاعت کردند،

[دیگر] بر آنها هیچ راهی [برای سرزنش] مجوید که خدا والای بزرگ است.»

۲. رسول خدا ﷺ در حدیثی می‌فرماید: «مَثَلُ الزَّافِلَةِ فِي الزَّيْنَةِ فِي غَيْرِ أَهْلِهَا كَمَثَلِ ظِلْمَةِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ زن خودنمایی که برای غیرشوهرش زینت کرده، مثل تاریکی روز قیامت است.» (ر.ک:

الطبرانی، المعجم الكبير، ج ۲۵، ص ۳۸)

۳. در روایات متعددی آمده که شایسته است زن در برابر همسر خود تبرج و خودنمایی کند و همراه او لباس حیا را از تن درآورده و همراه او بپوشد. جابر بن عبدالله نقل می‌کند، نزد رسول الله ﷺ نشسته بودیم که ایشان فرمودند: «إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمُ الْوَلُودُ الْوَدُودُ الْعَفِيفَةُ الْعَزِيزَةُ فِي أَهْلِهَا

علیه دشمن تحریک کنند و حضور آنان باعث می‌شد که مردان از صحنه درگیری فرار نکنند.^۱

۲. نگاه تحقیرآمیز خانواده

«در کشورهای دیگر، آرایش بیش‌تر میان زنان مسن دیده می‌شود و دختران، به‌ویژه دانشجویان خود را آرایش نمی‌کنند؛ اما در ایران، عکس این مسئله اتفاق افتاده است. بی‌توجهی خانواده به شایستگی دختران، دلیل گرایش به زیبایی افراطی است. در واقع، عدم توجه مناسب به دختران و بی‌توجهی به دیگر شایستگی آنها، سبب گرایش بیش‌تر دختران به زیباشدن افراطی می‌شود. رسیدن حداقل سن آرایش به چهارده سال، زنگ هشدار است به خانواده‌ها که الگوی رفتاری مصرف لوازم آرایش را تبیین کنند. خانواده، عامل ثبات و سازش اجتماعی است. بسیاری از هنجارها و ناهنجاری‌های جامعه، مربوط به همین نهاد مقدس است.»^۲ هرچه محیط خانواده سالم و امن باشد، به همان اندازه در روحیه افراد و اعضای آن، اثر مثبت می‌گذارد و این آثار مطلوب به جامعه منتقل می‌شوند؛ بنابراین، سعادت جامعه تا حدود زیادی در گرو خانواده است. از

الدَّلِيلَةُ مَعَ بَعْلِهَا الْمُتَبَرِّجَةُ مَعَ زَوْجِهَا الْحَصَانُ عَلَى غَيْرِهِ الَّتِي تَسْمَعُ قَوْلَهُ وَ تُطِيعُ أَمْرَهُ وَإِذَا خَلَا بِهَا بَدَلَتْ لَهُ مَا يُرِيدُ مِنْهَا وَلَمْ تَبْدَلْ كَتَبَدَّلِ الرَّجُلُ؛ بهترین زنان شما کسی است که زیاد بچه بزیاید، مهربان و خون‌گرم و عقیف و پاکدامن بوده و در خانواده خودش محترم و باعزت باشد؛ اما در مقابل شوهر متواضع و حقیر باشد. در مقابل شوهر تبرج‌کنند؛ اما در برابر غیرشوهر، خود را حفظ کند. حرف شوهر را گوش کند و امرش را اطاعت کند. هنگامی که با شوهر خلوت می‌کند، آنچه را که شوهر می‌خواهد به او بدل کند و کوتاهی نکند.» (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۲۴)

۱. ابوالفضل علیشاهی قلعه‌جوقی و بی‌بی زینب حسینی، حوزه معنایی واژه نساء در قرآن کریم، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ش ۴۹، ص ۳۷.

۲. معصومه محمدی سیف، «دلم می‌خواهد از همه زیباتر باشم؛ آسیب‌شناسی استفاده افراطی از لوازم آرایشی و بهداشتی و تأثیر آن بر خانواده»، ماهنامه پیام زن، ش ۲۷۴، ص ۷.

سوی دیگر، هرگاه خانواده محیطی نامساعد و ناهنجار داشته باشد، به همان اندازه بر رفتارهای اعضای خانواده، اثر منفی گذاشته و موجب آسیب‌پذیری و اختلال‌های اجتماعی می‌شود. از طرفی الگوهای رفتاری تحقیرآمیز در خانواده، منشأ ایجاد انگیزه در افراد برای انجام عمل زیبایی است که تا دوران بزرگسالی نیز ادامه دارد و زمینه نارضایتی فرد از بدنش را فراهم می‌کند.

۳. اعتماد به نفس کاذب

از دیگر عوامل مصرف جنون‌بار لوازم آرایش در زنان، اعتماد به نفس پایین زنان و دختران جامعه است. دختران و زنان کشور ایران، از همان سنین نوجوانی صورت خود را نیازمند لوازم آرایش می‌دانند که بتوانند چهره‌شان را زیباتر نشان دهند و هر چه سنشان بالاتر می‌رود، این احساس نیاز، بیشتر شده و به تدریج جای خود را به جراحی‌های پلاستیک و تزریق بوتاکس برای جوان‌سازی پوست می‌دهد. مسئله این است که زنان و دختران ایرانی، هیچ‌گاه از ظاهر خود رضایت نسبی ندارند و همواره برای رسیدن به چهره ایده‌آل القایی، دنبال مصرف لوازم آرایش هستند. «به اعتقاد پژوهشگران، داشتن عزت‌نفس پایین و احساس نداشتن جذابیت فیزیکی و جنسی در افراد، احتمال گرایش آنها را به انجام جراحی‌های پلاستیک افزایش می‌دهد.»^۱ «عوامل زیادی می‌توانند عزت‌نفس فرد را متأثر سازند؛ از جمله عواملی مثل سن، موقعیت اجتماعی و اقتصادی، زمینه خانوادگی تصویر بدنی^۲ و روان‌شناختی از آن جمله هستند. افرادی که متحمل جراحی‌های زیبایی می‌شوند، بیشتر اوقات به دلیل عزت‌نفس پایین و فقدان تصورات مثبت از خود، بدریختی بدنی یا کسب توجه عمومی، تن به این کار

۱. سهرابی و همکاران، «بررسی نیم‌رخ آسیب‌شناسی روانی در متقاضیان جراحی پلاستیک»،

فصلنامه اصول بهداشت روانی، سال سیزدهم، ش ۳، ص ۲۶۲.

می‌دهند.^۱ زنان با گسترش حس عدم اعتماد به نفس، تصوّر می‌کنند آرایش، پوشاننده نقص آنهاست. آنان صورت خود را، هر چند بی‌عیب باشد، دارای عیب‌های بزرگ می‌دانند و برای حل این مشکل، به استفاده از لوازم آرایشی روی می‌آورند. «این مسئله می‌تواند علاوه بر کاهش اعتماد به نفس، به افزایش اضطراب در بین دختران منجر شود و با ایجاد دغدغه فکری در آنها، کارایی سازنده‌شان را محدود کند. همچنین به دلیل آنکه بدن، حامل «خود»، نمایش‌دهنده تفاوت در شیوه‌های زندگی و تجلی‌گاه هویت فردی است، تغییرها در ظاهر بدن یا به تعبیری آرایش کردن، می‌تواند نگرانی‌ها و مشکلات هویتی افراد را بازنمایاند. به نظر می‌رسد این دسته افراد، به علت تصویری منفی که از خود دارند، سعی در پوشاندن نقطه‌ضعف‌های خویش داشته و به آرایش‌های افراطی روی می‌آورند.»^۲

عوامل جمعی

۱. تهاجم فرهنگی غرب (جنگ نرم)

امروز یکی از راه‌هایی که دشمنان اسلام برای تسلط بر مسلمانان از آن بهره می‌جوید، سست کردن پایه‌های ایمان و تقوا در بین مسلمین است. مهم‌ترین ابزار برای نیل به این مقصود، ترویج بی‌حجابی و استفاده از لوازم آرایش و

1. Maffei G, Fossati A. [I disturbi di personalità: prospettive della ricerca in psicologia clinica per laprassi medica generale]. Ricerche di Psicologia 1997; 1: 317-27.(French).

۲. معصومه محمدی سیف، «دلم می‌خواهد از همه زیباتر باشم؛ آسیب‌شناسی استفاده افراطی از لوازم آرایشی و بهداشتی و تأثیر آن بر خانواده»، ماهنامه پیام زن، ش ۲۷۴، ص ۸.

خودنمایی زنان مسلمان است.^۱ اینجاست که مردان سست‌ایمان و سست‌اراده، عنان اختیار از کف داده و تسلیم تمایلات نامعقول و نامشروع جنسی می‌شوند! هر چقدر بی‌حجابی و خودنمایی و به دنبال آن روابط بی‌بندوبار جنسی در جامعه افزایش یابد، به همان اندازه، پایه‌های ایمان و تقوای افراد سست و ضعیف می‌شود؛ از این رو، نتیجه طبیعی آرایش افراطی، خودنمایی و جلوه‌گری در جامعه، چیزی جز تحریکات جنسی و به دنبال آن، افزایش روابط نامشروع^۲ جنسی و عاطفی و حتی تجاوز به عنف^۳ نخواهد بود. آرایش و خودنمایی زنان، زمینه‌ساز خیانت همسران به یکدیگر و خیانت، ضربه مهلکی بر پیوند زناشویی است. در احادیث و روایات چنین آمده که رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «أَيُّ امْرَأَةٍ تَكَلَّيْبَتْ ثُمَّ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا فَهِيَ تُلْعَنُ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَيَّ بَيْتِهَا مَتَى رَجَعَتْ؛^۴ هر زنی خود را معطر کند و از خانه خارج شود، مشمول لعنت الهی است تا وقتی به خانه برگردد.»

امروز رسانه‌ها به‌عنوان یکی از ابزار سمعی و بصری، به‌صورت مستقیم با روح و جان انسان‌ها در ارتباط هستند. رسانه‌ها در کنار نهادهای دیگری که طرز تفکر جامعه را می‌سازند، نقش مهمی برعهده دارند و دارای چنان قدرتی هستند که می‌توانند نسلی تازه در تاریخ انسان پدید آورند. رسانه‌ها از راه ارائه هنجارهای خاص اجتماعی، به افراد القا می‌کنند که رفتار ارائه‌شده، رفتار مناسب اجتماعی

۱. ماجرای اندلس - اسپانیا را هرگز فراموش نخواهیم کرد که دشمن تنها با ترویج «بی‌حجابی» و خودنمایی در میان زنان و نیز ترویج استعمال مشروبات الکلی، توانست بر اندلس اسلامی مسلط شود.

2. Liaisons.

3. Rape.

۴. کلینی، فروع کافی، ج ۵، ص ۵۱۸ و ۵۱۹.

است که باید آن را سرلوحه رفتار خود در زندگی قرار دهند؛ از این رو «ماهواره، اینترنت، فیلم و ژورنال‌های خارجی، از جمله رسانه‌های غیررسمی هستند که ممکن است تعارض جدی با نظام فرهنگی جامعه داشته باشند و چنانچه بستر اجتماعی مناسبی فراهم باشد، الگوهای رفتاری آنها، از سوی گروهی از افراد جامعه پذیرفته می‌شود.»^۱ تبلیغات ماهواره‌ای سبب شده است که بسیاری از افراد به جراحی‌های زیبایی روی آورند. استفاده از ژل‌های غیردائم نیز بسیار رایج یافته و از آنها برای گونه‌گذاری، افزایش حجم لب و برطرف کردن چین و چروک پوست استفاده شود. استفاده از این ژل‌ها در کشورهای اروپایی و آمریکایی، برای افراد با سنین بالا رواج دارد؛ اما در ایران، تمامی گروه‌های سنی - به‌ویژه بین خانم‌های زیر هیجده سال - برای این کار اقدام می‌کنند.

۲. مصرف‌گرایی

«فرهنگ مصرفی، فرهنگ مصرف است. معنای این عبارت آن است که در دنیای جدید، هسته اعمال اجتماعی، ارزش‌های فرهنگی، ایده‌ها، آرزوها و هویت‌ها، بیشتر در رابطه با مصرف تعریف می‌شوند و جهت می‌یابند تا توسط دیگر ابعاد اجتماعی مانند کار، شهروندی و جهان‌بینی مذهبی!»^۲ در واقع، رشد روزافزون مصرف‌گرایی، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که به همراه توسعه و فراوانی، دامن‌گیر افراد جامعه شده است. «جین مورگان» در این باره گفته است: «در رقابت برای شوهریابی و امنیت اقتصادی، آرایش لازم است... گاهی اوقات برای رقابت اقتصادی و کاریابی نیز لازم

۱. رفعت‌جاه، «هویت انسانی زن در چالش آرایش مد»، کتاب زنان، فصلنامه شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، ش ۳۸، ص ۱۶۱.

۲. همان، ص ۱۵۴.

است زنان آرایش کنند... در بازار رقابتی سکس که نمایانگر جامعه سرمایه‌داری است، زنان باید برای امنیت اقتصادی خود رقابت کنند؛ خواه به شکل کاریابی یا شوهریابی.^۱

در جامعه مصرفی، رسانه‌ها نقش اساسی دارند و با نمایش زندگی ستارگان سینما، ورزشکاران و... تلاش دارند آنها را که قهرمانان مصرف‌اند، الگو و گروه مرجع جامعه معرفی کنند تا جامعه را به مصرف هرچه بیشتر، تشویق نمایند. در این میان نیز، ماهواره و اینترنت نقش اول را در ترویج و جهانی شدن مصرف یک کالا بازی می‌کنند. این رسانه‌ها با کمک تبلیغات، می‌کوشند تا با رواج مدهای جدید، امیال جدیدی را در افراد به وجود آورند. تولیدکنندگان با تبلیغ و تلفیق این‌گونه نیازهای کاذب و با تغییر جایگاه نیازها و تقاضاها، سعی در فراهم آوردن شرایطی دارند تا فرد براساس آنها، لباس یا طرح نو و مُد جدید را جایگزین نیازهای اساسی خود کند.

۳. چشم و هم‌چشمی

در چشم و هم‌چشمی، یکی از عوامل اثرگذار در آرایش‌ها و جراحی‌های زیبایی این است که اطرافیان و نزدیکان فرد، آن را انجام داده و در گفت‌وگوها بیان می‌کنند که دوست دارند از چهره مناسبی برخوردار باشند. عده‌ای نیز گفته‌اند که قبل و بعد از آنها، بسیاری از دوستانشان نیز عمل زیبایی کرده‌اند و این کارشان در تصمیم‌گیری و عمل اجتماعی دیگران اثرگذار بوده است. در واقع، دختران جوان که یک نیروی فرهنگی و اجتماعی تازه‌اند و نه یک طبقه اجتماعی، دارای چشم و هم‌چشمی برای مصرف متظاهرانه نشانه‌ها هستند. آنها با این جراحی‌ها و نشانه‌ها، درصدد نشان دادن خود به دیگران هستند و این‌گونه می‌اندیشند که این

۱. هنسن، آرایش، مد و بهره‌کشی از زنان، ص ۹۸ - ۹۱.

نشانه‌ها، پایگاه اجتماعی‌شان را بالاتر از اطرافیان نشان می‌دهد. فردی که دچار چشم و هم‌چشمی است، به دلیل احساس حقارتی که دارد، به مقایسه‌ی مادی زندگی خود با دیگران می‌پردازد. چنین فردی، گرفتار نوعی خودکم‌بینی می‌شود و خویش را میان مردم خوار و پست می‌شمارد. او می‌خواهد در انجام کار یا زمینه‌ای از دیگران بهتر باشد و سعی می‌کند به نوعی سرپوشی بر این احساس بگذارد؛ برای همین، خود را توانمندتر و بهتر از آنچه هست، قلمداد می‌کند. در حالی که انسان باید دنبال تأمین نیازهای طبیعی خویش باشد، در حد طبیعی برای آنها تلاش کند و کمال مطلق را در این ابزارها و روش‌ها بجوید. از نظر این دسته افراد، اگر وضعیت مادی مطلوب شود، وضعیت اعتباری و روحی آنان نیز بهتر می‌شود؛ زیرا ملاک و معیار کرامت و اهانت را مادیات دنیوی می‌دانند؛ در حالی که کرامت انسان در تقوا و کمالاتی است که کسب می‌کند و برای آن پایانی نیست؛ چنانکه اهانت و خواری را باید در دوری از خداوند و بی‌تقوایی و نقص وجودی خود دانست. زنان از آنجا که به‌طور طبیعی و غریزی خواهان خودنمایی هستند و برای جلب رضایت دیگران تظاهر به برتری می‌کنند، به مسئله‌ی چشم و هم‌چشمی گرایش و تمایل بیشتری از مردان نشان می‌دهند. قرآن در این مسئله، از مؤمنان خواسته که با استباق و پیشی گرفتن در امور خیر، خود و جامعه را به سوی سعادت رهنمون سازند.^۱ به عبارت دیگر، تنها در امور خیر است که قرآن به مسئله‌ی سبقت‌گیری از هم یا به تعبیری چشم و هم‌چشمی مثبت و سازنده تأکید می‌کند. خداوند می‌فرماید: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ»^۲ در کارهای خیر مسابقه دهید.»

۱. بقره: آیه ۱۴۸.

۲. بقره: آیه ۱۴۸ و مانده: آیه ۴۸.

۴. شرایط جامعه‌امروزی

در جامعه مصرفی امروزی، تلاش‌های زیادی از سوی جوانان در باب داشتن ظاهر و بدنی زیبا انجام می‌گیرد تا هویت متمایزی که می‌خواهند از خود در اجتماع نشان دهند، حاصل شود؛ بدین‌سان جست‌وجو برای داشتن چهره و ظاهری زیبا و اندام کامل، بیش از آنکه با طرد هویت آنان مرتبط باشد، با پذیرش همراه است. در واقع همان‌گونه که در جامعه شاهد هستیم، وقتی خواسته‌های فرد با هنجارها، آداب و رسوم و عرف اجتماعی در تضاد باشد، نیل به آن خواسته‌ها بسیار هزینه‌بر خواهد بود؛ بنابراین باید با هنجارها، هم‌شکل شود. هم‌شکلی، فرآیندی محدودکننده است که فرد را در جامعه با افراد دیگری که با مجموعه شرایط اجتماعی مواجه‌اند، همانند می‌سازد. همانندی که رواج بیشتری یافت، اقلیت کم‌کم به اقلیتی هم‌شکل بدل می‌شود و درصدد هم‌نوایی با یکدیگر برمی‌آیند تا به اعتقاد خود، دیگر از قافله مد عقب نمانند و ناهنجاری را به هنجاری بین خود بدل کنند. در سطح شرایط اجتماعی، انگیزه‌های غیرشخصی، شامل عوامل متعددی است. برخی از زنان، جراحی زیبایی را به‌منزله نمادی برای بالاتر نشا دادن موقعیت اجتماعی خود می‌دانند و هدف از انجام این عمل را، بالابردن پرستیژ اجتماعی بیان می‌کنند. چنین افرادی معتقدند که جامعه‌امروزی، زیبایی طبیعی زنان را نمی‌پذیرد. جامعه در قلمرو زیبایی، به بیشتر زنان پشت کرده و آنان برای رفع عیب‌های جسمی و طبیعی خود، باید به ابزار کمکی مصنوعی متوسل شوند. از طرفی نیز «در سطح کلان، بیشتر مصاحبه‌شوندگان با بیان نارضایتی از ظاهر و بدن خود قبل از انجام عمل، زیبایی را راهی برای رسیدن به تصویر ایده‌آلی که در ذهن داشتند می‌دانند.»^۱

۱. سیدمهدی اعتمادی‌فرد و ملیحه امانی «مطالعه جامعه‌شناختی انگیزه‌زنان از گرایش به جراحی‌های زیبایی»، فصلنامه پژوهشنامه زنان، سال چهارم، ش ۸، ص ۱۷.

کلام آخر

حضور خودنمایانه زن در عرصه عمومی، فریاد بی صدایی برای ترویج بی بندوباری در جامعه است. درحقیقت، زن با حضور فاسد و شهوت انگیز خود بین مردم، حساسیت به ارزش های اسلامی، مانند عفت و شرم را از بین می برد. او درباره بی بندوباری به نوعی فرهنگ سازی می پردازد و به دیگران می گوید شما نیز این گونه آرایش کنید و لباس بپوشید. مقوله آرایش زنان و جلوه گیری آنان، بسیار حائز اهمیت است و توجه نکردن به این موضوع، چه بسا عواقب دشواری برای خانواده ها و هم چنین اعضای جامعه در پی خواهد داشت. به این دلیل، گوشزد کردن عوارض منفی استفاده نادرست و افراطی از لوازم آرایش، از وظایف والدین در برخورد با فرزندان است. به والدین توصیه می شود حریم آرایش را برای دختران خود مشخص کنند؛ برای مثال، والدین می دانند به طور طبیعی، فرزند نوجوانشان علاقه به زیباتر شدن دارد؛ از این رو، نباید این علاقه را از آنها دریغ کنند؛ بلکه باید اجازه دهند در شرایط و موقعیت های مناسب، مانند میهمانی های زنانه و خانوادگی، محیط منزل و... به این نیاز خود در حد طبیعی پاسخ دهند؛ اما برای وی مشخص سازند که این رفتار در هر موقعیت و مکانی نباید باشد. مصرف ماده آرایشی مثل لاک ناخن در یک دختر بچه، انگیزه ای می شود برای مصرف رژلب، رژگونه، آرایش چشم، ابرو و مژه و کم کم مصرف مواد آرایشی ساده، به مصرف مواد آرایشی مارک دار بدل می شود. این دور تسلسل، همچنان ادامه خواهد داشت و سنگینی و پی آمدهای عوارض آن، بر ابعاد مختلف زندگی شخص و خانواده و همچنین جامعه اثر منفی می گذارد. به هر حال، تا زمانی که الگوی زن برتر در جامعه ایران، مدل ها و خواننده های اروپایی باشد، وضعیت به همین منوال خواهد بود و لازم است برای حل این مشکل اجتماعی، استفاده از لوازم آرایش را از ابتدا در خانواده و والدین فرهنگ سازی آغاز کرد.

زینب علیها السلام، پیام‌آور عاشورا

حجت الاسلام والمسلمین حسن عاشوری لنگرودی*

مقدمه

سرّی در نینوا می‌ماند اگر زینب نبود

کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود

در عبور از بستر تاریخ، سیل انقلاب

پشت کوه فتنه‌ها می‌ماند اگر زینب نبود

حضرت زینب علیها السلام در سال ۶۰ هجری به همراه برادرش امام حسین علیه السلام قدم

در سفر کربلا می‌گذارد و در فاجعه غمبار آن، به خون غلتیدن ده‌ها تن از بهترین

عزیزان خود را به نظاره می‌نشیند و بعد از حادثه عاشورا گرفتار اسارت دشمن

می‌شود و با صبر و استقامتی بی‌نظیر، پیام جاودانه حضرت اباعبدالله

الحسین علیه السلام را به جهانیان می‌رساند؛ تا جایی که به آن حضرت پیام‌آور عاشورا

لقب داده‌اند. در این گفتار، به صورت اختصار، در مورد پیام‌رسانی حضرت

زینب علیها السلام در نهضت عاشورا مباحثی را بیان می‌داریم.

* عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی و پژوهشگر حوزه علمیه قم.

زینب علیها السلام در جریان نهضت کربلا

زینب علیها السلام با اینکه همسر داشت، همراهی برادرش حسین علیه السلام را بر ماندن در کنار شوهرش ترجیح داد و شوهرش هم به این سفر رضایت داد؛^۱ چراکه در نهضت عاشورا همان‌گونه که امام حسین علیه السلام مسئولیت بزرگ الهی را بر عهده داشت، زینب علیها السلام نیز چنین بود و او می‌بایست به همراه امام حسین علیه السلام باشد. او جانشین امام حسین علیه السلام در کربلا بود و امام سجاد علیه السلام نیز او را در دوره اسارت، جانشین خود کرده بود.^۲

در توضیح این سخن، بیان می‌داریم: قیام امام حسین علیه السلام دو بخش دارد؛ «عرصه خون» و «تجلی پیام».

بخش اول، بخش خون بود و با رهبری امام حسین علیه السلام تا عصر عاشورا امتداد داشت و با شهادت و ایثار شهیدان کربلا، این بخش به پایان رسید. بخش دوم، پیام‌رسانی و پاسداشت از خون گلگون‌کفنان دشت نینواست که با پرچم‌داری امام زین‌العابدین علیه السلام و حضرت زینب کبری علیها السلام از عصر عاشورا آغاز می‌شود. قیام امام حسین علیه السلام، آغاز مبارزه‌ای است که ادامه و هدایت آن، مرهون فداکاری‌های حضرت زینب علیها السلام است.

عاشورا، با خون حسین بن علی علیه السلام پدید آمد و زینب کبری علیها السلام با رفتارهای خردمندانه‌اش در دوره اسارت، آن را پرورش داد و بارور نمود. وظیفه مهم او، پس از عصر عاشورا، پاسداری از نهضت خونین امام حسین علیه السلام و رساندن پیام حسینی «هَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ» برای جهانیان است.

۱. سید محسن امین، اعیان الشیعة، ج ۷، ص ۱۳۷.

۲. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۹.

اگرچه رهبری واقعی بازماندگان قافله کربلا و پاسداری از نهضت خونین عزیزان به خون‌غلتیده کربلا برعهده امام سجاد علیه السلام می‌باشد، اما به جهت مصالحی، به صورت آشکار حضرت زینب علیها السلام مسئولیت پاسداری و پیام‌رسانی نهضت کربلا را در دست می‌گیرد و پیام انقلاب و شهادت سرخ حضرت سید الشهداء علیه السلام و یارانش را با سخنان آتشین به اطلاع افکار عمومی می‌رساند و طبل رسوایی حکومت پلید یزید را به صدا در می‌آورد.^۱

در این بخش، حضرت زینب علیها السلام راه سخت و دشواری را در پیش دارد. او باید در بین جمعیتی سخن بگوید که گویی گوششان ناشنوا و چشمانشان نابیناست و در حماقت و نادانی کامل به سر می‌برند.

او باید از این پس، آگاهانه بیندیشد و تصمیم بگیرد و از هر موقعیتی به خوبی استفاده کند و با زبان حال و قال، آنان را از غفلت بیدار کند و آگاهی بدهد تا احساس مسئولیت کنند و آن‌گاه خواه‌ناخواه شورش و انقلاب پدید آید.

شیوه‌های پیام‌رسانی حضرت زینب علیها السلام

حضرت زینب علیها السلام در این مسئولیت سنگین پیام‌رسانی، از شیوه‌های گوناگون بهره جست؛ از جمله:

۱. استغاثه و گریه

پس از اینکه امام حسین علیه السلام و اصحاب باوفایش به شهادت رسیدند، حضرت زینب علیها السلام در موقعیت‌های گوناگون می‌کوشید تا با استغاثه، نوحه‌خوانی و سوگواری، احساسات مردم را برانگیزد. زینب کبری علیها السلام در عصر عاشورا، با آهی

۱. مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۵۲.

جانکاه، برای حسین علیه السلام می‌گریست و با صدای اندوهبار و قلبی پُر درد، با استغاثه به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گفت:

«يَا مُحَمَّدَاهُ صَلَّى عَلَيْكَ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ هَذَا الْحُسَيْنُ مُرْمَلٌ بِالِدَّمَاءِ
مُقَطَّعُ الْأَعْضَاءِ وَ بِنَاتِكَ سَبَايَا إِلَى اللَّهِ الْمُشْتَكَى وَ إِلَى مُحَمَّدٍ
الْمُصْطَفَى وَ إِلَى عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَ إِلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ إِلَى حَمْرَةَ
سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ يَا مُحَمَّدَاهُ هَذَا حُسَيْنٌ بِالْعِرَاءِ تَسْفِي عَلَيْهِ الصَّبَا قَتِيلٌ
أَوْلَادِ الْبَغَايَا وَ حُزْنَاهُ وَ كَرْبَاهُ الْيَوْمَ مَاتَ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَا
أَصْحَابَ مُحَمَّدَاهُ هَؤُلَاءِ ذُرِّيَّةُ الْمُصْطَفَى يُسَاقُونَ سَوْقَ السَّبَايَا وَ فِي
رِوَايَةٍ يَا مُحَمَّدَاهُ بِنَاتِكَ سَبَايَا وَ ذُرِّيَّتِكَ مَقْتَلَةٌ تَسْفِي عَلَيْهِمْ رِيحَ الصَّبَا
وَ هَذَا حُسَيْنٌ مَجْزُورُ الرَّأْسِ مِنَ الْقَفَا مَسْلُوبُ الْعِمَامَةِ وَ الرَّدَاءِ؛^۱ ای
محمد! ای فرستاده خدا! درود فرشتگان آسمان بر تو باد، این
حسین توست که در خون غوطه‌ور است، اعضایش پاره‌پاره شده
و دخترانت به عنوان اسیر، حرکت داده می‌شوند. شکایت‌م را به
سوی خدا و محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و علی مرتضی و فاطمه زهرا و
حمزه سید شهیدان می‌برم. فریاد ای محمد! این حسین است
که به روی خاک افتاده و باد شمال خاک بیابان را بر بدنش
می‌پاشد. به دست ناپاک‌زادگان کشته شده است. آه! چه اندوه
جانکاه و چه مصیبت جان‌سوزی است. امروز، مرگ جدم رسول
خدا صلی الله علیه و آله را احساس می‌کنم. ای یاران محمد! اینها ذریه و
فرزندان پیامبر برگزیده خدا هستند که به اسارت برده می‌شوند.»

زینب علیها السلام آن‌گاه اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله را مخاطب قرار داد و گفت:

«يَا حُزْنَاهُ! يَا كَرْبَاهُ! الْيَوْمَ مَاتَ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ، يَا أَصْحَابَ مُحَمَّدَاهُ!

۱. سید بن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۳۳.

هُؤْلَاءِ ذُرِّيَةِ الْمُصْطَفِيِّ يُسَاقُونَ سَوْقَ السَّبَايَا؛^۱ امروز جدّم رسول خدا از دنیا رفته. ای اصحاب پیامبر! اینان ذریه رسول خدا هستند که آنان را همانند اسیران می‌برند.»

سپس، با چشمی خون‌فشان به جسد سرور شهیدان رو کرد و گفت:

«بَابِي مَنْ أَصْحِي، عَسْكَرُهُ فِي يَوْمِ الْإِثْنَيْنِ نَهْبًا، بَابِي مَنْ فَسْطَاطُهُ مُقَطَّعُ الْعُرَى. بَابِي مَنْ لَا غَائِبُ فَيُرْتَجَى وَلَا جَرِيحُ فَيُدَاوَى. بَابِي مَنْ نَفْسِي لَهُ الْفِدَاءُ. بَابِي الْمَهْمُومُ حَتَّى قَضَى. بَابِي الْعَطْشَانُ حَتَّى مَا مَضَى. بَابِي مَنْ شَيْبَتُهُ تَقَطَّرُ بِالدَّمَاءِ. بَابِي مَنْ جَدَّهُ رَسُولٌ إِلَهُ السَّمَاءِ. بَابِي مَنْ هُوَ سَبُطُ نَبِيِّ الْهُدَى. بَابِي مُحَمَّدُ الْمُصْطَفَى. بَابِي خَدِجَةُ الْكُبْرَى. بَابِي عَلِيٌّ الْمُرْتَضَى. بَابِي فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةُ النِّسَاءِ بَابِي مَنْ رُدَّتْ لَهُ الشَّمْسُ وَ صَلَّى؛^۲ به فدای آن کس که سپاهش روز دوشنبه غارت شد. به فدای آن که ریسمان خیامش را قطع کردند. به فدای آن که نه غایب است تا امید بازگشتنش باشد و نه مجروح است که امید بهبودیش باشد. به فدای آن که جان من فدای او باد. به فدای آن کس که با دلی اندوهناک و بالبی تشنه او را شهید کردند. به فدای آن که از محاسنش خون می‌چکید. به فدای آن که جدّ او رسول خداست و او فرزند پیامبر محمد مصطفی و خدیجه کبری و علی مرتضی و فاطمه زهرا سیده زنان است. به فدای آن کس که خورشید برای او بازگشت تا نماز گزارد.»

راوی گوید: استاغاه حضرت زینب ع، «فَأَبْكْتُ وَ اللَّهُ كُلُّ عَدُوٍّ وَ صَدِيقٌ؛^۳

پس، هر دشمن و دوستی را گریاند.»

۱. همان، ص ۱۳۳.

۲. همان، ص ۱۳۳-۱۳۴.

۳. همان، ص ۱۳۵.

محتشم کاشانی در این باره چنین سروده است:

ناگاه چشم دختر زهرا در آن میدان

بر پیکر شریف امام زمان فتاد

بی اختیار نعره «هَذَا حَسِين» از او

سر زد چنان که آتش از او در جهان فتاد

پس با زبان پُرگله آن بضعة الرسول

رو در مدینه کرد که یا أَيُّهَا الرَّسُول

این کشته فتاده به هامون حسین توست

وین صید دست و پا زده در خون، حسین توست

این ماهی فتاده به دریای خون که هست

زخم از ستاره بر تنش افزون، حسین توست

این خشک‌لب فتاده دور از لب فرات

کز خون او زمین شده جیحون، حسین توست

این قالب طپان که چنین مانده بر زمین

شاه شهید ناشده مدفون، حسین توست

فاطمه، دختر امام حسین علیه السلام می گوید: «جلوی خیمه ایستاده بودم و بر پیکر

قطعه قطعه شده پدر و یارانش و صحنه تاختن اسبها بر پیکرشان، نگاه می کردم

و با خود می اندیشیدم که اینان بعد از پدر، با ما چه خواهند کرد! ناگهان متوجه

شدم سواری به سوی زنان یورش می برد و با ته نیزه آنان را می راند و آنها هم به

یکدیگر پناه می برند و چادرها و مقنعه های زنان گرفته شده و فریاد و محمداه! وا

علیاه! وا جداه! وا ابتاه بلند است. قلبم فرو ریخت و با وحشت به جست و جوی

عمه ام پرداختم.

در همین هنگام، دیدم آن سوار به سوی من می‌آید. با سرعت از آنجا گریختم؛ ولی او به طرف من آمد و یک باره ضربه سنگین ته نیزه را بر کتف خود احساس کردم و با صورت به زمین افتادم. او مقنعه‌ام را کشید و گوشواره‌ام را از گوشم کند و خون بر گونه‌هایم جاری شد و بی‌هوش شدم. وقتی به هوش آمدم، عمه‌ام را در کنار خود دیدم که گریه می‌کند و می‌گوید: بلند شو برویم ببینیم بر سر برادر و خواهرانت چه آمده است!

گفتم: «یا عَمَّتاه! هَلْ مِنْ خِرْقَةٍ اسْتُرِبْهَا رَأْسِي عَنْ أَعْيُنِ النَّظَارِ؟» عمه جان! آیا پارچه‌ای هست که با آن سرم را از چشم‌های تماشاچیان بپوشانم؟» فرمود: «یا بِنْتَاهِ وَ عَمَّتْكَ مِثْلُكَ؛ دخترم! عمه‌ات نیز مثل توست.» و من نگاه کردم دیدم او هم به همین مصیبت گرفتار است و دستش از شدت ضربه‌ها کبود شده است.^۱

۲. مرثیه خوانی و سوگواری

در کوفه آنگاه که به دستور عید الله ابن زیاد سرهای شهیدان را بر بالای نیزه قرار دادند و حضرت زینب سر مقدس برادر را مشاهده کرد این اشعار را سرود:

يَا هَلَالًا لَمَّا اسْتَمَّ كَمَالًا	غَالَهُ حَسْفُهُ فَأَبْدَا عُرُوبَا
مَا تَوَهَّمْتُ يَا شَقِيقَ فُؤَادِي	كَانَ هَذَا مُقَدَّرًا مَكْتُوبَا
يَا أَخِي فَاطِمِ الصَّغِيرَةِ كَلِمَهَا	فَقَدَّ كَادَ قَلْبُهَا أَنْ يَدُوبَا
يَا أَخِي قَلْبُكَ الشَّفِيقِ عَلَيْنَا	مَا لَهُ قَدْ فَسَى وَ صَارَ صَلِيبَا
يَا أَخِي لَوْ تَرَى عَلِيًّا لَدَى الْأَسْرِ	مَعَ الْإِيْتِمِ لَا يُطِيقُ وَجُوبَا
كَلَّمَا أَوْجَعُوهُ بِالضَّرْبِ نَادَاكَ	بِدَلٍّ يَغِيضُ دَمْعًا سَكُوبَا
يَا أَخِي ضَمَّهُ إِلَيْكَ وَ قَرَّبَهُ	وَ سَكَّنَ فُؤَادَهُ الْمَرْعُوبَا

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۶۰ و ۶۱.

مَا أَذَلَّ الْيَتِيمَ حِينَ يَنَادِي بِأَبِيهِ وَلَا يَرَاهُ مُجِيبًا

«ای ماه شب اول، اکنون که به سر حد کمال رسید، خسوف او را به ناگهانی ربود و غروب او را ظاهر نمود.

ای پاره قلبم! من گمان نمی‌کردم که این مصیبت بزرگ، مقدر و نوشته شده باشد.

ای برادر من! با فاطمه کوچک تکلم کن؛ زیرا نزدیک است که قلبش آب شود.

ای برادرم! آن قلب تو که بر ما مهربان بود، اکنون چه شده که نسبت به ما سخت گردیده است!

ای برادر! کاش علی بن حسین را می‌دیدم که اسیر شده و به علت غم یتیمی، طاقت خودداری ندارد.

آنچه وی را به وسیله ضربه اذیت و آزار می‌نمایند، در حالی تو را صدا می‌زند که ذلیل و اشگش ریزان است.

ای برادرم! علی بن حسین را در بر بگیر و به خود نزدیک کن و قلب وی را که دچار ترس شده، تسکین بده.

یتیم، چقدر ذلیل است؛ در آن موقعی که پدر خود را صدا می‌زند؛ ولی جواب نمی‌شنود!»

آنچه از این گونه اقدامات آن حضرت به دست می‌آید، این است که او می‌خواهد با این ناله‌های جان‌سوز، ولی آگاهانه و بیدارکننده، عواطف و احساسات مردم را تحریک نماید و آنان خودبه‌خود علیه استبداد و یزیدیان، قیام و شورش کنند.

مدتی که حضرت علیها السلام در شام اقامت داشت، در محله‌ای به نام «دار الحجاره» مراسم عزاداری برپا کرد و آن‌چنان نوحه‌سرایی و گریه‌وزاری می‌کردند که مردمی که در آنجا شرکت داشتند، تصمیم گرفتند به خانه یزید هجوم برند و او را به قتل برسانند.

۳. دعا

یکی دیگر از شیوه‌های تبلیغی حضرت زینب علیها السلام دعاست. او برای اینکه دشمن را مأیوس کند، در روز یازدهم وقتی که در کنار جسد برادر آمد، توقف کرد و با خلوصی خاص، متوجه خدا گردید و عرض کرد:

«اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنَّا هَذَا الْقُرْبَانَ؛^۱ خداوند! این قربانی را از ما بپذیر.» در نقل دیگر آمده است: «اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنَّا هَذَا الْقَلِيلَ الْقُرْبَانَ؛^۲ خداوند! این قربانی کوچک را از ما بپذیر.»

او در مجلس یزید این‌گونه دعا می‌کند: «... اللَّهُمَّ خُذْ بِحَقِّنَا وَانْتَقِمْ مِنْ ظَالِمِنَا وَ اِخْلُ غَضَبِكَ عَلَيَّ مَنْ سَفَكَ دِمَاءَنَا وَ نَفَضَ زِمَارَنَا وَ قَتَلَ حُمَاتِنَا وَ هَتَكَ عَنَا سُدُولَنَا؛^۳ بارخدا! حقوق پایمال شده ما را از تجاوزکاران باز گیر! و از کسانی که در حق ما شقاوت و بیداد روا داشتند، داد ما را بستان و انتقام ما را بگیر و آتش خشم خود را بر کسانی که خون‌های مردان آزادی‌خواه و ظلم‌ناپذیر ما را ریختند و یاران و دفاع‌گران از حقوق و آزادی ما را به خاک و خون کشیدند، فرود آور!»

۴. سخنرانی

حضرت زینب علیها السلام در هر موقعیت مناسبی، با سخنرانی آتشین، رسالت خود را به

۱. حسین شاکری، العقیلة والفواطم، ص ۶۱.

۲. همان، ص ۶۲.

۳. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۳۰۹.

بهترین وجه به انجام می‌رساند. در ذیل، به گوشه‌ای از سخنرانی‌های اثربخش آن بانوی بزرگوار اشاره می‌کنیم:

در جمع کوفیان

سپاهیان عیبدالله بعد از شهادت حسین علیه السلام و یارانش، بانوان اهل بیت علیهم السلام را وارد شهر کوفه کردند. هنگامی که کاروان اسیران به کوفه رسید، زنان، مردان و کودکان کوفه همه به معابر آمده تا اسرا را تماشا کنند؛ برخی ناراحت و برخی بهت‌زده و گروهی نیز از شدت تأثر، اشک می‌ریختند.

زینب علیها السلام مصمم بود تا دل‌های کوفیان را منقلب کند. او شاید از روز تاسوعا خواب به چشمانش نرفته بود. سرهای مقدس را پیش‌تر برده بودند. وضعیت بسیار عجیب و ناگوار بود. ابتدای دروازه کوفه، دختر علی و فاطمه، با شجاعتی بی‌نظیر و علی‌وار بر مسند خطابه ایستاد. راویان نقل کرده‌اند: زینب اشاره کرد که ساکت شوید. ناگهان نفس‌ها در سینه‌ها حبس شد و صدای زنگ شتران از صدا افتاد.^۱ فرمود:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الْأَخْيَارِ، أَمَا أَمَا بَعْدُ يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ يَا أَهْلَ الْخَتْلِ وَالْعَدْرِ وَالْخَذَلِ أَلَا فَلَا رَقَاتِ الْعِبْرَةَ وَ لَا هَدَاتِ الزُّفْرَةَ إِنَّمَا مَثَلُكُمْ كَمَثَلِ الَّتِي نَقَصَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةِ أَنْكَاثَا...»^۲ ستایش از آن خداست و درود بر پدرم محمد و خاندان پاک و نیکوکارش. ای مردم کوفه! مردمان حيله‌گر و خیانتکار! گریه می‌کنید؟ اشک چشمانتان خشک نشود و ناله‌هایتان آرام

۱. سید بن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۴۶؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج

۴۵، ص ۱۰۸؛ خوارزمی، مقتل الحسین، ج ۲، ص ۴۰.

۲. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۳۰۴؛ سید بن طاووس،

اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۴۶.

نگیرد! کار شما مانند آن زنی است که رشته‌های بافته‌شده خود را پنبه می‌کند. به خدا سوگند! باید گریه کنید، دامان خود را به نگی آلوده‌اید که پلیدی آن را تا ابد نتوانید شست. چگونه می‌توانید ننگ حاصل از کشتن فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله، خاتم پیامبران، معدن رسالت و سرور جوانان اهل بهشت را از دامان خود بزدا کنید؟ آیا می‌دانید چه جگری از رسول خدا دریده‌اید؟ چه زنان و دختران باعفت و باوقاری را از خاندان او به کوچه‌وبازار کشانده‌اید؟ چه خونی از آن حضرت بر زمین ریخته‌اید؟ و چه حرمتی از او شکسته‌اید؟»

چند نکته ظریف در این سخنرانی

۱. حضرت زینب علیها السلام در ابتدای خطبه، از پیامبر صلی الله علیه و آله تعبیر به «پدر» می‌کند و با انتخاب این کلمه، می‌خواهد خود و قافله اسیران را معرفی کند و نسبت خویش را با پیامبر روشن سازد تا همگان دریابند اهل این قافله، از کدام دودمان و قبیله‌اند و از این راه، افکار و احساسات مردم را در اختیار بگیرد و مردم آنان را با دیده اسیر ننگرند.

۲. سپس به بزرگ‌ترین نقطه ضعف کوفیان، یعنی سست‌عنصری و پیمان‌شکنی آنان اشاره می‌کند و با این کلمات و جملات، می‌خواهد آنان را بر این خصلت آگاه سازد.

۳. در فرازی دیگر از خطبه، با نگرشی دقیق و ظریف، با صفاتی همچون: «درمان دردها»، «چراغ راه امت» و «پناهگاه جمع»، به معرفی شخصیت امام حسین علیه السلام می‌پردازد تا جای شک و تردیدی برای آن قوم سست‌عهد باقی نماند.

۴. او آنان را کشنده حسین علیه السلام و خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی می‌کرد؛ تا به آنان بفهماند که چه جنایات هولناکی مرتکب شده‌اند.

سخنان او، کاملاً صحنه را تغییر داد؛ تا آنجا که صدای مردم کوفه به گریه بلند شده بود. زنان، موهای خود را افشان کرده بودند و خاک بر سر و روی خود می‌ریختند. او، صحنه دیگری از قیامت را در برابر مردم قرار داد. در آن روز، مردم کوفه از شنیدن این سخنان، همچون ستمکاران در قیامت، حیران و سرگردان شده و دست‌های خود را به دهان می‌گریزند.

سخنرانی در مجلس عبیدالله بن زیاد (کوفه)

عبیدالله بن زیاد، در آستانه ورود اسرا، مجلس جشنی برقرار کرد و دستور داد سرهای شهیدان را آوردند. سپس، بازماندگان شهیدان کربلا از جمله اهل بیت امام حسین علیه السلام را وارد کردند. شیخ مفید می‌نویسد:

«فَدَخَلْتُ زَيْنَبَ أُمَّتِ الْحُسَيْنِ فِي جُمْلَتِهِمْ مُتَنَكِّرَةً وَعَلَيْهَا أَزْدَلُ ثِيَابِهَا فَمَضَتْ حَتَّى جَلَسَتْ نَاحِيَةَ مِنَ الْقَصْرِ وَحَفَّتْ بِهَا إِمَامُهَا؛^۱ هنگامی که زینب به مجلس پسر زیاد وارد می‌شد، پست‌ترین لباس را به تن داشت و صورتش را با آستین پوشانده بود. او میان زنان، خود را مخفی می‌کرد و صورتش را با آستین می‌پوشاند. او در گوشه‌ای نشست و زنان و دختران نیز در اطرافش حلقه زده بودند.»

توجه ابن زیاد به او جلب شد و پرسید: «این زن کیست؟ پاسخی نشنید. بار دوم هم پرسید و پاسخی نشنید. بار سوم، یکی از دختران پاسخ داد: «هَذِهِ زَيْنَبُ بِنْتُ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ.» ابن زیاد گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَحَكُمْ وَ قَتَلَكُمْ وَ أَكْذَبَ أُخْدُوْتَكُمْ؛ شکر خدایی را که شما را رسوا کرد و کشت و افسانه شما را دروغ نمود!»

زینب علیه السلام در پاسخ فرمود:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِنَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ طَهَّرَنَا مِنَ الرَّجْسِ تَطْهِيراً وَ إِنَّمَا

يَفْتَضِحُ الْفَاسِقُ وَيَكْذِبُ الْفَاجِرُ وَهُوَ غَيْرُنَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ؛ ستایش برای خدایی است که ما را به وجود پیامبرش گرامی داشت و ما را از پلیدی پاک ساخت. فاسق رسوا می‌شود و فاجر دروغ می‌گوید و او غیر از ماست و ستایش، مخصوص خداست.»

ابن زیاد پرسید: «رفتار خدا با برادر و خاندان خود را چگونه دیدی؟»

حضرت زینب علیها السلام پاسخ داد:

«كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْقَتْلَ فَبَرَزُوا إِلَيَّ مَضَاجِعِهِمْ وَ سَيَجَمَعُ اللَّهُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ فَتَحَاجُّونَ إِلَيْهِ وَ تَحْتَصِمُونَ عِنْدَهُ؛^۱ اینان مردمی بودند که خداوند کشته‌شدن را برای آنان مقرر نموده بود و آنان نیز به آرامگاه خود شتافتند؛ ولی [بدان که] به‌زودی خدا میان تو و ایشان جمع می‌کند و تو را بازخواست می‌کند. پس، نگران باش که در آن روز، پیروزی از آن کیست!»

زینب علیها السلام در دارالاماره ابن زیاد چنان نیرومندانه و پرخاشگرانه سخن گفت و عبیدالله را حقیر و کوچک شمرد که توان سخن‌گفتن را از پسر زیاد گرفت.

سخنرانی در مجلس یزید (شام)

یزید به عبیدالله بن زیاد نامه نوشت که سر مبارک سید الشهداء علیها السلام و کسانی را که با او کشته شده‌اند و نیز آنچه از آنها غارت شده و اهل و عیال او را نزد او بفرستد. پس، عبیدالله دستور داد که امام سجاد علیها السلام را با زنجیر ببندند. سربازان نیز دست‌های او را به گردنش زنجیر کردند و سپس، او و دیگر اسرا را در پشت سرهای شهدا روانه کردند. امام سجاد علیها السلام فرمود: «مرا بر شتری عربیان و بی‌جهاز سوار کردند. سر مقدس پدرم را نیز بر نیزه‌ای زده بودند. زنان کاروان را پشت سر

۱. همان؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۱۶؛ سید بن طاووس، اللهوف علی قتلی

من، سوار قاطرها کردند و سربازانی نیزه به دست، ما را احاطه کردند. هرگاه یکی از ما می‌گریست، آن‌ها با نیزه به سر او می‌کوبیدند. این‌گونه، وارد دمشق شدیم.^۱

بدین ترتیب، کاروان اسرا را پس از گذراندن از مسیری طولانی به همراه سرهای نورانی و پاک، به طرف دمشق آوردند. چون نزدیک دروازه دمشق رسیدند، حضرت زینب علیها السلام، شمر را صدا زد و فرمود: «ما را از دروازه‌ای وارد دمشق کنید که مردم کمتر اجتماع کرده باشند و سرها را از محمل‌ها دورتر ببرید تا مردم به ما نگاه نکنند. شمر از روی خباثش، فرمان داد سرها را بالای نیزه‌ها زدند و در میان محمل‌ها قرار دادند. آن‌گاه آنان را از میان تماشاچیان عبور دادند و از دروازه اصلی دمشق گذراندند و در کنار پله‌های مسجد جامع شهر ننگه داشتند.^۲

سید بن طاووس می‌نویسد:

زنان و بازماندگان اهل بیت علیهم السلام را در حالی که به ریسمان‌ها بسته شده بودند، به مجلس یزید وارد نمودند. چون با آن حال در مقابل یزید ایستادند، علی بن حسین علیه السلام فرمود: «یزید! چه گمان می‌بری به رسول خدا اگر ما را با این حال ببیند؟» یزید دستور داد ریسمان‌ها را بریدند. در مجلس یزید، سر حسین علیه السلام را مقابل او نهادند و زن‌ها را پشت سر او جای دادند. هنگامی که چشم زینب علیها السلام به سر خونین برادرش حسین علیه السلام افتاد، با صدای محزونی که دل‌ها را به وحشت می‌انداخت، فریاد زد:

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۲۵.

۲. سید بن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۲۰۷؛ شیخ عباس قمی، نفس المهموم، ص

«یا حُسَیْنَاهُ! یا حَبِیْبَ رَسُوْلِ اللهِ! یا بَنِّ مَكَّةَ وَ مَنِی، یا بَنِّ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةَ النِّسَاءِ، یا بَنِّ بِنْتِ الْمُصْطَفَى!»^۱ ای حسین، ای محبوب رسول خدا، ای پسر مکه و منا، ای پسر فاطمه زهرا، بانوی همه زنان جهان و ای پسر دختر مصطفی!

راوی گوید: به خدا سوگند که با این ندای زینب علیها السلام، تمام کسانی که در مجلس بودند، گریستند.

یزید از سر کبر و غرور، دشمنی دیرینه خود به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، اسلام و قرآن را آشکار کرد و این اشعار را که سند زنده دیگری بر کفر او نسبت به مبانی اسلام است، با صدای بلند خواند:

لَعِبَتْ هَاشِمٌ بِالْمُلْكِ فَلَا خَبْرٌ جَاءَ وَلَا وَحَى نَزَلَ
ترجمه: «بنی هاشم به جهت حکومت بازی نمودند؛ نه خبری هست و نه وحیی نازل شده.»

لَيْتَ أَشْيَاخِي يَبْدُرُ شَهْدُوا جَرِعَ الْخَزْرَجِ مِنْ وَقَعِ الْأَسْلِ
ترجمه: «کاش بزرگان من که در جنگ بدر، کشته شده بودند، امروز می دیدند که ما بزرگان بنی هاشم را کشتیم و آن را به حساب جنگ بدر گذاشتیم.»

در این هنگام، زینب علیها السلام چون شیری خشمگین از جا برخاست و بعد از حمد خدا فرمود: «أَطْنَنْتَ يَا يَزِيدُ حَيْثُ أَخَذْتَ عَلَيْنَا أَقْطَارَ الْأَرْضِ وَأَفَاقَ السَّمَاءِ، فَأَصْبَحْنَا نُسَاقُ كَمَا تُسَاقُ الْأَسَارَى أَنْ بِنَا عَلَى اللَّهِ هَوَانًا، وَبِكَ عَلَيْهِ كَرَامَةٌ وَأَنَّ ذَلِكَ لِعِظَمِ خَطْرِكَ عِنْدَهُ، فَشَمَخْتَ بِأَنْفِكَ، وَنَطَرْتَ فِي عِطْفِكَ جَدْلَانَ مَسْرُورًا حِينَ رَأَيْتَ الدُّنْيَا لَكَ مُسْتَوْثِقَةً وَالْأُمُورَ مُتَسَقِّةً وَحِينَ صَفَا لَكَ مُلْكُنَا وَسُلْطَانُنَا، فَمَهْلًا مَهْلًا، أَنْسَيْتَ

۱. سید بن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۲۱۱؛ احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۳۰۷-۳۰۸.

قَوْلَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: وَ لَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُظْمِي لَهُمْ خَيْرٌ لَّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُظْمِي لَهُمْ لِيُزِدُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ؛^۱ ای یزید! آیا اکنون که زمین و آسمان را بر ما تنگ کردی و ما را همانند اسیران به هر سو کشاندی، می‌پنداری ما نزد خدا خوار شدیم و تو نزد او عزیز و گرامی؟ و تصور کردی این نشانه قدر و منزلت تو نزد خداست؟ از این رو، باد غرور به بینی انداختی و به خود بالیدی و از اینکه دیدی دنیا در کمند تو در آمده و امور تو سامان یافته و مُلک و خلافت ما در اختیار تو قرار گرفته، شادمان شدی؟ کمی آهسته‌تر! آیا سخن خداوند را فراموش کردی که فرمود: «آنها که کافر شدند [و راه طغیان پیش گرفتند]، تصور نکنند اگر به آنان مهلت می‌دهیم، به سودشان است. ما به آنان مهلت می‌دهیم تا بر گناهان خود بیفزایند و برای آنها عذاب خوارکننده‌ای است.»

«أَمِنَ الْعَدْلُ يَا بَنِي الطُّلَقَاءِ! تَحْدِيْرَكَ حَرَائِرِكَ وَ إِمَانِكَ، وَ سَوْقُكَ بَنَاتِ رَسُوْلِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ سَبَايَا، قَدْ هَتَكْتَ سُتُوْرَهُنَّ، وَ أَبْدَيْتَ وُجُوْهُهُنَّ، تَحْدُوْ بِهِنَّ الْأَعْدَاءُ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ، يَسْتَشْرِفُهُنَّ أَهْلُ الْمَنَاهِلِ وَ الْمَنَاقِلِ، وَ يَتَصَفَّحْنَ وُجُوْهُهُنَّ الْقَرِيْبُ وَ الْبَعِيْدُ، وَ الدَّنِيُّ وَ الشَّرِيْفُ، لَيْسَ مَعَهُنَّ مِنْ رِجَالِهِنَّ وُلِيٌّ وَ لَا مِنْ حُمَاتِهِنَّ حَمِيٌّ وَ كَيْفَ يُرْتَجَى مُرَاقَبَةٌ مَنْ لَفَظَ فُوهُ أَكْبَادَ الْأَرْكَبَاءِ، وَ نَبَتَ لَحْمُهُ مِنْ دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ؛ ای پسر کافر آزادشده! آیا این از عدالت است که تو زنان و کنیزان خود را پشت پرده‌ها بنشانی؛ ولی دختران رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ را اسیر کرده و به این سو و آن سو بکشانی و درحالی‌که پرده حرمت آنان را دریده و چهره‌های آنان را در معرض دید مردم قرار داده‌ای، آنها را توسط دشمنان در شهرهای مختلف بگردانی تا مردم هر کوی و برزن به تماشای آنان بنشینند و افراد دور و نزدیک و پست و شریف، به چهره‌هایشان چشم بدوزند؛ با آنکه همراه آنان مردان و حامیانشان

نمودند؛ [ولی چه سود از این سخنان؛ زیرا] چگونه می‌توان به حمایت و مراقبت آن کس امید داشت که [مادرش] جگر پاکان را به دهان گرفته و گوشتش از خون شهیدان روییده!»

«اللَّهُمَّ خُذْ بِحَقِّنَا، وَانْتَقِمْ مِنْ ظَالِمِنَا، وَ اَخْلِلْ عَصَبِكَ بِمَنْ سَفَكَ دِمَاعَنَا، وَ قَتَلَ حُمَاتِنَا، فَوَاللَّهِ مَا فَرَيْتَ إِلَّا جِلْدَكَ، وَلَا حَزَزْتَ إِلَّا لَحْمَكَ، وَ لَقَرَدَنْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ بِمَا تَحَمَّلْتَ مِنْ سَفَكِ دِمَاءِ ذُرِّيَّتِهِ، وَ انْتَهَكْتَ مِنْ حُرْمَتِهِ فِي عَنْرَتِهِ وَ لُحْمَتِهِ، حَيْثُ يَجْمَعُ اللَّهُ شَمْلَهُمْ، وَ يَلْمُ شَعْنَهُمْ، وَ يَأْخُذُ بِحَقِّهِمْ وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»^۱ خدایا! حق ما را بستان و از ستمگران بر ما، انتقام بگیر و خشمت را بر آن کس که خون ما را بر زمین ریخت و حامیان ما را کشت، فرو فرست. به خدا سوگند! [با این جنایت،] جز پوست خود را ندریدی و جز گوشت خود را نبریدی و در حقیقت، خود را نابود کردی؛ به یقین با حمل باری که - از ریختن خون فرزندان رسول خدا و هتک حرمت آن حضرت در ارتباط با خاندان و جگرگوشه‌هایش - بر دوش داری، بر رسول خدا وارد خواهی شد؛ در آنجا خداوند آنان را گرد خواهد آورد و پریشانی آنان را برطرف خواهد ساخت و داد آنها را بستاند؛ «گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده‌اند؛ بلکه زندگان جاویدند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند.»^۲

در شام، حضرت زینب علیها السلام که به ظاهر اسیر بود، با قدرت سخنوری‌اش دشمن را به اسارت گرفت. در لباس اسارت، پُر شکوه، قدرتمند و پُر صلابت

۱. آل عمران، آیه ۱۶۹.

۲. سید بن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۲۱۵ و ۲۲۱؛ مرقم، مقتل الحسین، ص ۳۵۷ - ۳۵۹؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۳۲ - ۱۳۵؛ احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۱۲۲ - ۱۳۰.

ظاهر شد؛ آن چنان که تیغ زبان زینب عَلَيْهَا همه آنچه یزید تنیده بود، از هم گسست و چهره واقعیت را نمایان ساخت. یزید در برابر افشاگری‌های اهل بیت عَلَيْهِمُ چنان خویش را درمانده یافت که برای حفظ موقعیت پوشالی خود، راهی جز خشونت ندید. از این رو، چند بار به قتل امام سجاد عَلَيْهِ فرمان داد؛ ولی چون این کار را به زیان خود دید، از آن چشم پوشید.

چند نکته مهم در این خطابه

۱. منزلت حجاب

حضرت زینب عَلَيْهَا، نه تنها در حالت عادی به حجاب اهتمام داشت، بلکه در بحرانی‌ترین لحظات زندگی از آن غافل نبود. بنابراین، در ابتدای سخن، بعد از حمد و ستایش خدا، از حجاب یاد می‌کند و می‌گوید: «أَمِنَ الْعَدْلُ يَا بَنِي الطُّلُقَاءِ!...؛ آیا این کار از عدالت است، ای پسر آزاد شده که زنان و کنیزان خود را پشت پرده جای دهی؟ ولی دختران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در میان نامحرمان حاضر سازی؟ و آنها را در شهرها بگردانی و اهل بادیه و دور و نزدیک و پست و شریف، آنان را ببینند؟ در حالی که از مردان آنها، کسی را باقی نگذاری و حمایت‌کننده‌ای ندارند.»

۲. تحقیر یزید با بیان «فرزند طُلُقَاءِ»

آن حضرت، یزید را با عنوان «فرزند طُلُقَاءِ» (يَا بَنِي الطُّلُقَاءِ)، خطاب نمود. این سخن، اشاره به داستان فتح مکه دارد که پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مشرکان مکه متت گذاشت و آنان را بخشید و آزاد کرد. سپس، فرمود: «إِذْهَبُوا فَإِنَّتُمْ الطُّلُقَاءُ». ابوسفیان، جد یزید هم از جمله آنها بود.

۳. تحقیر «فرزند زن جگرخواره»

یزید را «فرزند زن جگرخواره» خطاب نمود؛ «وَ كَيْفَ يَزْتَجِي مُرَاقِبَةً مَنْ لَفَظَ فَوْهَ

اَكْبَادَ الْأَزْكَيَاءِ» این عبارت، اشاره به کار زشتی است که هند، زن ابوسفیان، در جنگ اُحُد انجام داد. او بعد از به شهادت رسیدن حمزه سید الشهداء، جگرش را به دندان کشید.

۴. یادآوری «سرنوشت دردناک ظالمان»

زینب علیها السلام با تلاوت آیه «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْأَىٰ أَنْ يَدَّبُّوْا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ» و آیه «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُثَمِّلِي لَهُمْ خَيْرٌ لَّا نَفْسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِي لَهُمْ لِيُذَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ»، یزید را ستمکار معرفی کرد و در واقع، به عاقبت دردناک ستمگران اشاره نمود.

۵. پوشالی دانستن قدرت یزید

زینب علیها السلام یزید را شایسته آن نمی بیند که با او سخن بگوید. قدرت یزید را کف روی آب می داند و به همه نشان می دهد که یزید آن قدر در چشم او کوچک است که حتی لیاقت تحقیر و توبیخ او را نیز ندارد. ترس و وحشت از دل نا آرام و پریشان نشأت می گیرد؛ وقتی دل آرام و مطمئن شد، از کوه محکم تر و از طوفان خشمگین تر می گردد و در این صورت است که منزل خدا می شود.

۶. ارزش شهادت در راه مبارزه با ناپاکی ها

زینب کبری علیها السلام، روح شهادت طلبی را نقطه اصلی قیام اسلامی قرار می دهد و آن را رمز پیروزی عاشوراییان در طول تاریخ می داند. او با تلاوت آیه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»^۱، مرگ یک مجاهد و مبارزه را دریچه روشنایی معرفی می نماید. او می کوشد تا بر همگان ثابت کند که در منطق حسین علیه السلام شکست راه ندارد. مرگ در راه خدا و پیروزی، هر دو از نظر مسلمان مبارز، یکسان است. او خود را مأمور به تکلیف می داند؛ خواه بر

دشمن فایق آید و خواه شهادت او را در آغوش کشد. زینب کبری علیها السلام در پاسخ به یاهوگویی های یزید به آیه زیر تمسک می جوید: «گمان مکن آنهایی که در راه خدا کشته شده اند، مرده اند؛ بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی می خورند.»

۷. کنارزدن نقاب ستمکار

زینب علیها السلام ثابت می کند که اگر باطل به ظاهر قدرتی دارد، بدان جهت است که نقاب حق را به چهره گرفته است و خود را حامی قرآن و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله می پندارد. او می گوید: «این دست های شما، به خون های ما آغشته است و دهان های شما، از خوردن گوشت خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله باز است.»

۸. جاودانگی آثار مبارزه

زینب کبری علیها السلام با اطمینان کامل به آینده درخشان قیام حسینی، می فرماید: «ای یزید! هرچه می توانی در راه دشمنی ما مکر نما، به خدا قسم که نمی توانی نام ما را از خاطره ها محو نمایی و فروغ وحی ما را خاموش سازی و از این راه، به آرزوی نهایی خود برسی!»

۹. هدف داری قیام عاشورا

حضرت علیها السلام فرمود: «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، الَّذِي خَتَمَ لَنَا بِالسَّعَادَةِ وَالْمَغْفِرَةِ، وَلَاخِرِنَا بِالشَّهَادَةِ وَالرَّحْمَةِ؛ حمد می کنم خدای را که آغاز کار ما را سعادت و مغفرت قرار داد و پایان آن را شهادت و رحمت.» هدف از خلقت بشر، نایل شدن به معرفت حق و آرمیدن در جوار رحمت اوست. وقتی بنده ای به خدا پیوست و در هیچ شرایطی خود را از او جدا ندید، آن گاه تلخی و شیرینی و مرگ و حیات و بلا و رنج، در نظرش یکسان است.

آسیب‌شناسی مجالس عزاداری بانوان

حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری*

مقدمه

سوگواری بر امام حسین علیه السلام و یاران باوفایش، همواره مورد تأکید اولیای دین بوده است. شیعیان و علاقه‌مندان به سرور آزادگان نیز در طول تاریخ، از عزاداری برای حضرت غافل نبوده‌اند. امروز نیز در هر نقطه‌ای از جهان، عزاداران حسینی برگزار می‌شود؛ هرچند عزاداری امام به حسب شرایط و قالب‌ها متفاوت است، اما در اصل عزاداری مشترک‌اند. یکی از این قالب‌ها، روضه‌خانگی است. برگزاری مجالس روضه‌خوانی در منازل، افزون بر بعضی آثار، مانند: انتقال فرهنگ عاشورا، تحول فردی و اجتماعی، ترویج مکتب عزتمندی، پاسداری از دین و نیز حفظ و یاد خاطره شهیدان، کارکردهای دیگر نیز دارد؛ از جمله: در خانه‌ای که روضه خوانده می‌شود و از بهترین انسان‌ها یاد می‌شود، به دست فرشتگان بیمه می‌گردد و شمیم خوش معنویت سراسر آن را فرا می‌گیرد و اهل آن خانه در سایه محبت به اهل بیت علیهم السلام به یکدیگر مهرورزی بیشتری خواهند کرد. در چنین خانه‌ای، کودکان با نقش‌هایی که در برگزاری و پذیرایی از مهمانان

* پژوهشگر حوزه علمیه.

دارند، خود را نزدیکتر به خوبانی می دانند که برای آن‌ها محیط زندگی شان را آراسته‌اند.

از سوی دیگر، با الهام از فضای معنوی و علمی ایجادشده، سطح آگاهی مخاطبان در هر گروه سنی که باشند، ارتقا می‌یابد. برگزاری مراسم روضه اهل بیت علیهم‌السلام در منازل، باعث تقویت روحیه عزادارن خواهد شد و چه بسا دوستان و بستگان در چنین مجالسی، با احوال و مشکلات یکدیگر بیشتر آشنا می‌شوند. گفتنی است، مقاله حاضر ضمن استناد به منابع معتبر حدیثی و تاریخی، بر اساس گفت‌وگو با شماری از خواهران شرکت‌کننده در مجالس عزاداری خانگی تهیه و تنظیم شده است.

جایگاه و مشروعیت عزاداری خانگی

مناسب است در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که آیا اصولاً عزاداری خانگی مشروعیت دارد؟ در جواب باید گفت: عزاداری امام حسین علیه‌السلام به زمان و مکان خاصی اختصاص ندارد و در هر شرایطی طبق موازین شرعی می‌تواند برگزار شود؛ زیرا سیره و گفتار معصومان علیهم‌السلام این گونه بوده که در خانه‌هاشان برای امام حسین علیه‌السلام عزاداری برگزار می‌کردند و دیگران را نیز بر این امر سفارش می‌نمودند. علقمه حضر می‌نقل می‌کند که امام باقر علیه‌السلام در روز عاشورا برای امام حسین علیه‌السلام در خانه‌اش اقامه عزا می‌کرد و به افرادی که در منزلش بودند، می‌فرمود: بر آن حضرت سوگواری کنند...^۱

هارون مکفوف می‌گوید: به محضر امام صادق علیه‌السلام شرفیاب شدم. ایشان فرمود: «برایم مرثیه بخوان. برایش خواندم. آن‌گاه فرمود: این‌گونه نمی‌خواهم؛

آن‌گونه‌که در کنار قبر آن حضرت علیه‌السلام مرثیه می‌خوانید، بخوان»، و من خواندم. دیدم حضرت گریه کرد، سکوت کردم، ولی فرمود: ادامه بده، ادامه دادم. آن‌گاه امام صادق علیه‌السلام گریه کرد و بانوان، شیون سر دادند. وقتی آرام شدند، حضرت فرمود: ای ابوهارون! هرکس بر امام حسین علیه‌السلام مرثیه بخواند و ده نفر را بگریاند، پادش او بهشت است.^۱

دعبل خُزاعی نیز نقل می‌گوید من در ایّام شهادت امام حسین علیه‌السلام به محضر امام رضا علیه‌السلام رسیدم. دیدم حضرت و یارانش محزون نشسته‌اند. هنگامی که مرا دید فرمود: «خوش آمدی ای دعبل! آفرین بر کسی که با دست و زبانش ما را یاری می‌کند!» آن‌گاه به من فرمود: ای دعبل! دوست دارم امروز برای ما مرثیه بخوانی؛ سپس امام برخاست و پرده‌ای میان ما و حرمسرای خویش زد و خانواده‌اش را پشت پرده نشانند، تا آنان نیز برای مصیبت جدّشان امام حسین علیه‌السلام گریه کنند.^۲

اهمیت آسیب‌شناسی

عزاداری برای امام حسین علیه‌السلام در مهم‌ترین کارکرد خود، سبب شده است تا یاد، نام و پیام‌های نهضت عاشورا جاوید بماند و آموزه‌های آن به بشریت انتقال یابد. از این طریق، انسان‌ها، با آموزه‌هایی همچون: ستم‌ستیزی، آزادگی، شهادت‌طلبی، ایثار و حقیقت‌جویی آشنا شده‌اند. در این باره، سخن یکی از نویسندگان غربی جالب توجه است: «اگر مورخان ما حقیقت این روز (عاشورا) را می‌دانستند که عاشورا چه روزی است، این عزاداری را مجنونانه نمی‌پنداشتند؛

۱. همان، ص ۱۰۴.

۲. سید هاشم بحرانی، حلیة الأبرار فی أحوال محمّد وآله الأطهار علیهم‌السلام، ج ۴، ص ۴۰۰.

چون پیروان حسینی به واسطه عزاداری حسینی، می دانند که استعمار را نباید قبول کرد؛ زیرا شعار آقای آن‌ها، ندادن تن به زیر بار ظلم و ستم بود.^۱

یکی از آسیب‌های عزاداری آن است که آن را به صورت امری غیرعقلانی و یا حتی غیرانسانی نشان دهیم؛ یعنی با تمرکز بر اعمال ظاهری عزاداری، آن را از معنا و حقیقت تهی سازیم و حرکات و رفتارهایی ناپسندی انجام دهیم که نه تنها با عقلانیت سازگاری ندارد، بلکه حتی با احساسات انسانی نیز ناسازگار است؛ از جمله می‌توان به: قمه‌زدن، راه‌رفتن روی آتش، غلط‌خوردن روی شیشه‌های شکسته و کارهایی از این دست، اشاره کرد. این امر سبب می‌گردد که برخی آن را غیرمنطقی و مجنونانه پندارند. دکتر تیجانی می‌نویسد: «یکی از علمای گذشته می‌فرمود: شمشیرهایی که در گذشته شیعیان آن را در برابر ظالمان بلند می‌کردند، امروز برای زدن به سرهای خود، از آن استفاده می‌کنند؛ تاجایی که انگلیسی‌ها مقدار زیادی شمشیر، در میان دسته‌های عزاداری - در کربلا - تقسیم می‌کردند.»^۲

باید از چنین عزاداری‌هایی آسیب‌زدایی کرد تا از هرگونه ناهنجاری مصون بماند؛ البته معنای آسیب‌شناسی نادیده‌گرفتن اصل عزاداری نیست؛ بلکه در عزای امام حسین علیه السلام زمین و آسمان، فرشتگان و همه موجودات، گریه کردند. در روایات می‌خوانیم، برخی از انبیای الهی، صدها سال پیش از تولد امام، بر مظلومیت حضرت اشک ریختند. رسول اعظم صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام نیز در سوگ ایشان خون گریه نمودند. مرحوم طبرسی ذیل آیه: «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ وَ مَا كَانُوا مُنظَرِينَ؛ می‌گوید: برای دو نفر، یحیی و امام حسین علیه السلام،

۱. عبدالکریم هاشمی‌نژاد، درسی که حسین علیه السلام به انسان‌ها آموخت، ص ۴۵۱.

۲. محمد تیجانی، اهل بیت علیهم السلام کلید مشکل‌ها، ترجمه سید محمدجواد مهری، ص ۱۸۶.

آسمان‌ها و فرشتگان چهل شبانه‌روز گریه کردند.»^۱

در بارگاه قدس که جای ملال نیست

سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است

جنّ و ملک بر آدمیان نوحه می‌کنند

گویا عزای اشرف اولاد آدم است

آسیب‌های عزاداری خانگی

آسیب‌های مجالس عزاداری، خاصه عزاداری خانگی را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود:

الف) آسیب‌های محتوایی

۱. طرح عرفان‌های نوظهور

آنچه امروزه در برخی روضه‌های خانگی رخ می‌دهد، نفوذ عرفان‌های کاذب و نوظهور است؛ یعنی گاهی در این مجالس گفتارها یا رفتارهایی رخ می‌دهد که ریشه در اندیشه‌ها و باورهایی دارد که هیچ اساس اسلامی ندارد و مورد تأیید قرآن و روایات نیست. کسانی که دانسته یا ندانسته به گسترش عرفان‌های نوظهور و فرقه‌های انحرافی دامن می‌زنند، با توجه به تأثیر ژرف زنان بر خانواده، در مجالس زنانه نفوذ کرده، با جذب طرف‌دارانی چند تلاش می‌نمایند تا اهداف غیراسلامی را تحقق بخشند و درعمل، به دین و تشیع ضربه بزنند.

محققان معتقدند که گرایش زنان به فرقه‌های انحرافی، ناشی از اعتقاد تعداد کمی از زنان به خرافه‌پرستی و رمالی است؛ ضمن اینکه از بی‌اطلاعی این قشر نیز سوء استفاده می‌کنند؛ اما نفوذ این جریانات به درون روضه‌های خانگی،

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۹۹.

مسئله است که نیازمند آسیب‌شناسی جدی است. مخاطبان معنویت‌های نوپدید، زنان از اقشار گوناگون تحصیل‌کرده و یا بی‌سوادند؛ بانوانی که مدیریت معنوی خانواده را بر عهده دارند و ترویج این معنویت‌های کاذب، می‌تواند خانواده را از سبک اصیل زندگی اسلامی دور کند.

شاید یکی از بهترین راهکارها برای مقابله با این انحرافات، ورود متولیان حوزه زنان به این عرصه با تمسک به ابزارهایی نظیر رسانه است. از این‌روست که شورای انقلاب فرهنگی، قصد ورود به این مسئله را پیدا کرده است.^۱

۲. ارائه مطالب ذلت‌آمیز

بی‌تردید، باید در مجلس عزای امام حسین علیه‌السلام مصایب آن حضرت بیان شود که این امر، از بایسته‌های عزاداری است؛ اما از طرح مطالب ذلت‌آمیز که از ساحت اهل بیت علیهم‌السلام و نگاه متعالی قرآن کریم به دور است، باید خودداری کرد: «وَاللَّهِ الْعِزَّةُ وَرِسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ.»^۲ حسینی که نه تنها خودش نماد عزت است، حتی به بازماندگان خویش نیز بر حفظ عزت سفارش و تأکید می‌کند؛ آنجا که به حضرت زینب علیها‌السلام می‌فرماید: «خواهرم تو را قسم می‌دهم که پس از من، گریبان چاک مکن و سیلی بر صورت مزن...»^۳ این در حالی است که در مجالس امام از شجاعت، ایثار، آزادی‌خواهی، امید و پیروزی، کمتر سخن گفته می‌شود و شعار «هَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ»^۴ و همچنین کلام ماندگار امام که فرمود: «وَاللَّهِ لَأُعْطِيَكُمْ

1. <http://www.shoma-weekly.ir/>

۲. منافقون: آیه ۸.

۳. شیخ مفید، الإرشاد، ص ۲۵۹ - ۲۶۰.

۴. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۳۰۰: «ذلت، از ما دور است.»

بِبِدْيِ إِعْطَاءِ الدَّلِيلِ»^۱، مورد غفلت قرار گرفته است؛ مگر امام نفرمود: «مرگ در راه خدا و رهایی از بندگی ستمگران، افتخار است و مرگ عزتمند، بهتر از زندگی ننگین است؛

الْقَتْلُ أَوْلَى مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ وَالْعَارُ أَوْلَى مِنْ دُخُولِ النَّارِ^۲

موریس دو کبرا^۳ می‌گوید: «حسین علیه السلام برای... از بین بردن ظلم و ستم... و برای خدا، از جان و مال و فرزند گذشت؛ اما زیر بار استعمار نرفت. پس بیایید ما نیز شیوه او را سرمشق خود قرار داده، از زیر دست استعمارگران خلاصی یابیم و مرگ با عزت را بر زندگی با ذلت ترجیح دهیم؛ زیرا مرگ با عزت، بهتر از زندگی همراه با ذلت است.»^۴ متأسفانه، در برخی عزاداری‌ها، بیشتر بر ذلت و مظلومیت امام و یاران ایشان تأکید می‌گردد.

شهید مطهری می‌نویسد:

«... اینکه گفته‌اند رثای حسین بن علی باید همیشه زنده بماند، حقیقتی است و از خود پیغمبر گرفته‌اند و ائمه اطهار علیهم السلام نیز به آن توصیه کرده‌اند. این رثا و مصیبت، نباید فراموش بشود...؛ اما در رثای يك قهرمان. پس اول باید قهرمان بودنش برای شما مشخص بشود و بعد در رثای قهرمان بگریید؛ وگرنه رثای يك آدم نفله‌شده بیچاره بی‌دست‌وپای مظلوم که دیگر گریه ندارد و گریه ملتی برای او، معنا ندارد. در رثای قهرمان بگریید، برای اینکه احساسات قهرمانی پیدا کنید، برای اینکه پرتوی از روح قهرمان

۱. فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۳۵۴.

۲. ابن نما حلی، مثير الأخران، ص ۷۲.

۳. دانشمند بزرگ مسیحی، morris de cobra.

۴. عبدالکریم هاشمی‌نژاد، درسی که حسین علیه السلام به انسان‌ها آموخت، ص ۴۴۴.

در روح شما پیدا شود و شما هم تا اندازه‌ای نسبت به حق و حقیقت غیرت پیدا کنید، شما هم عدالتخواه بشوید، شما هم با ظلم و ظالم نبرد کنید...»^۱

بهترین روش عزاداری، بیان مصایب و ابعاد گوناگون شخصیت و قیام امام است؛ همچنان‌که امام سجاده علیه‌السلام در شام، افتخارات خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مصایب امام را بیان کرد. حضرت زینب علیها‌السلام نیز در کوفه به افتخارات آل علی اشاره و سپس، از مصیبت امام و یاران ایشان صحبت نمود.^۲ در ضمن، نباید به‌بهانه عزاداری بر اساس زبان حال امام و یاران ایشان، هرچه خواستیم بگوییم؛ بلکه زبان حال‌گویی برای هرکسی، به حسب شأن اوست. بیان زبان حال امام حسین علیه‌السلام و حضرت زینب علیها‌السلام، باید درخور شأن و منزلت آنان باشد. امام علی علیه‌السلام فرمود: «هیچ کسی را نمی‌توان با آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قیاس کرد.»^۳

۳. سطحی‌نگری

یکی از آسیب‌های جدی آموزه‌ها و معارف اسلامی، سطحی‌نگری، جمود در آنها و تحجرگرایی است و از جمله در عزاداری‌ها نیز شاهد این مشکل هستیم. اینکه عزاداری‌ها، صرفاً به حالتی نمایشی درآید که فقط چشم‌ها را خیره کند و هیچ پیامی در آن نباشد، اینکه هرچه بر رنگ و لعاب روضه‌خوانی افزوده شود و از محتوا خالی بماند، و بالاخره اینکه نگاه‌ها از تفکر و اندیشه در ماهیت انقلاب حسینی به سوی ظواهر سطحی آن روی آورد، همگی از آسیب‌هایی است که دامنه‌گیر مجالس عزاداری خانگی نیز می‌شود؛ این در حالی است که

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۳۲.

۲. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۳۰۴.

۳. محمد صحتی سردرودی، عاشوراپژوهی، ص ۴۷۸.

فرهنگ عاشورا، عمیق‌ترین فرهنگ‌هاست و دسترسی به آن، نیازمند ژرف‌اندیشی است؛ مثلاً اگر درباره شخصیت عباس علیه السلام سخن گفته شود، باید به دین‌مداری، ایثار و کرامت انسانی ایشان توجه شود. بعد شخصیتی حضرت است که جهان را تحت تأثیر قرار داده؛ نه چشم و ابرو یا زور و بازوی ایشان. یکی از نویسندگان می‌گوید:

«صرفاً از توصیف چشم و ابروی حضرت ابوالفضل صحبت می‌شود! بنا کنند از چشم و ابروی آن بزرگوار تعریف کردن؛ مثلاً قریون چشمت بشم، مگر چشم قشنگ در دنیا کم است؟ مگر ارزش ابوالفضل به چشم‌های قشنگش بوده... اینها سطح معارف دینی ما را پایین می‌آورد. معارف شیعه، در اوج اعتلاست... ارزش ابوالفضل‌العباس به جهاد و فداکاری و اخلاص و معرفت او به امام زمانش است و به آب نخوردن اوست.»^۱

۴. دروغ‌پردازی

یکی از آسیب‌های مسائل تاریخی، دروغ‌گویی و افسانه‌سازی برخی مورخان است. تاریخ کربلا نیز از این امر مصون نمانده است. به همین جهت، استاد شهید مطهری کتابی درباره تحریفات عاشورا می‌نویسد تا از بعضی دروغ‌سازی‌ها جلوگیری نماید. بعضی مطالبی که در خصوص سالار شهیدان گفته می‌شود، دروغ‌بودنش روشن است؛ مثل آنکه گفته می‌شود: طول نیزه حضرت، ۶۰ ذراع^۲ بوده و از بهشت آمده است.

1. <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=15282>

۲. معادل ۳۰ متر.

استاد مطهری می نویسد:

«چند سال پیش در همین تهران، در منزل یکی از علمای بزرگ این شهر، یکی از اهل منبر روضه لیلا خواند. يك چیزی من آنجا شنیدم که به عمرم نشنیده بودم. گفت وقتی که حضرت لیلا رفت در آن خیمه و موهایش را پریشان کرد، بعد نذر کرد که اگر خدا علی اکبر را سالم به او برگرداند و در کربلا کشته نشود، از کربلا تا مدینه ریحان بکارد! (۳۰۰ فرسخ راه است.) این را گفت، يك مرتبه زد زیر آواز: "نَذْرُ عَلِيٍّ لِّإِنْ عَادُوا وَإِنْ رَجَعُوا لِأَزْرَعَنَّ طَرِيقَ اللَّطْفِ رِيحَانًا؛ من نذر کردم که اگر اینها برگردند، راه طَفِّ را ریحان بکارم."»

این، بیشتر برای من اسباب تعجب شد که این شعر عربی از کجا پیدا شد؟ بعد رفتیم دنبالش گشتیم، دیدیم این طَفِّ که در این شعر آمده، کربلا نیست. «طف» آن سرزمینی بوده که لیلا، [معشوق] مجنون عامری، همین عاشق معروف، در آن سرزمین سکونت می کرده و این شعر از مجنون است برای لیلی، و این آدم، این شعر را برای لیلای مادر علی اکبر و برای کربلا می خواند. آخر، اگر يك مسیحی یا يك یهودی یا يك آدم لامذهب در آنجا باشد، او که نمی فهمد که اینها را این بابا از خودش جعل کرده، می گوید: تاریخ اینها چه مزخرفاتی دارد! العیاذبالله، اینها زن هایشان شعور نداشتند؟ «نذر می کنم از کربلا تا مدینه ریحان بکارم!» یعنی چه؟^۱

آیت الله ناصر مکارم شیرازی، فرمود:

«سخنان این عزیزان باید برگرفته از مدارك معتبر (کتاب و سنت) باشد و شأن و مقام امام حسین علیه السلام و شهدای والامقام کربلا، در

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۷۷.

محتوای اشعار به طور کامل حفظ شده و اهداف این قیام عظیم برای عموم مردم تبیین گردد.^۱

ب) آسیب‌های روشی

۱. استفاده از سخنرانان غیرمتخصص

بسیاری از آسیب‌های موجود در مجالس عزاداری خانگی، ریشه در همین امر دارد. دعوت از افراد کم‌سواد که به خود اجازه می‌دهند در هر حوزه‌ای وارد شوند و درباره همه چیز سخن بگویند، آفت بسیار بزرگی است. در این مجالس، معمولاً احکام شرعی توسط اشخاصی بیان می‌شود که فاقد تخصص لازم‌اند و بدین ترتیب، احکام را نادرست یا وارونه مطرح می‌کنند. همچنین، بسیار دیده شده که سخنران یا مداح مجلس عزاداری خانگی، آیات قرآن یا زیارت‌هایی را که می‌خواند، صحیح تلفظ نمی‌کند.

به طور کلی، بیان آموزه‌های اسلامی، نیازمند تخصص است. بنابراین، استفاده از نیروهای ناآگاه به معارف اسلامی، شایسته نیست؛ بلکه به مجلس عزاداری، به‌ویژه عزاداری خوه‌ران آسیب‌های جدی وارد می‌کند.

بر این اساس، اگر خانم جلسه‌ای، از تحصیلات حوزوی مرتبط با چنین جلساتی بی‌بهره باشد، با دادن اطلاعات نادرست، مخاطبان بسیاری را دچار مشکل می‌نماید و مسائلی را به مردم و نسل جوان تعلیم می‌دهد که صحت ندارد؛ به عبارت دیگر، ایجاد تعارض‌های فکری با نقل مطالب غیرواقعی و سست، خرافه‌گرایی، مخلوط‌کردن حقایق با وقایع ساختگی و مسائلی از این دست، ممکن است طیف وسیعی از شرکت‌کنندگان را نسبت به دین دچار

۱. سعید داوودی و مهدی رستم‌نژاد، عاشورا؛ ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها و پیامدها، ص ۸۸.

تردید نماید و یا برایشان نوعی بدبینی ایجاد کند. از این رو، بهترین روش، استفاده از خواهران و برادران طلبه‌ای است که مدارج علمی لازم را در حوزه‌های علمیه گذرانده‌اند. این افراد می‌توانند با ارتقای بینش مذهبی و دادن اطلاعات درست و مورد نیاز به مخاطبان، زمینه را برای رشد دینی خود و دیگران فراهم سازند. البته خواهران طلبه باید توجه داشته باشند که هیچ‌گاه بدون تحقیق و مطالعه اقدام به برگزاری جلسات سخنرانی و عزاداری نکنند و با مطالعه مستمر و روشمند در این مسیر گام بردارند.

آیت‌الله سبحانی می‌گوید:

روزی در جلسه‌ای با بزرگان اهل علم نشستیم. پیشنهاد شد که یکی از آقایان سخنرانی نماید. همه پیشنهاد کردند استاد مطهری سخنرانی کند؛ اما شهید مطهری فرمود: من سخنرانی نمی‌کنم؛ زیرا من ابتدا درباره یک موضوع، بیست ساعت مطالعه می‌نمایم و بعد سخنرانی می‌کنم.^۱

۲. جابه‌جاشدن هدف و وسیله

برخی تصور می‌نمایند که گریه و عزاداری برای امام حسین علیه السلام، به‌خودی‌خود هدف است، از این رو، باید با هر وسیله‌ای برای امام عزاداری کرد. این حرف، مانند سخن ماکیاول است که می‌گوید: برای کسب قدرت، از هر وسیله‌ای می‌توان بهره گرفت.^۲

استاد شهید مطهری داستانی را در این باره گزارش می‌کند که ذکر آن مناسب است:

۱. ر.ک: احمد طهماسبی، چگونه خوب سخنرانی کنیم، ص ۸۹.

۲. جمعی از نویسندگان، بصیرت پرچمداران، ص ۲۰۹.

«حاجی نوری در کتابش نوشته است، یکی از علمای نجف که اهل یزد بود، برای من نقل کرد، گفت: من در جوانی، یک سفری پیاده و از راه کویر به خراسان می‌رفتم. در یکی از دهاتِ حدود نیشابور و تربت مسجدی بود، من چون جایی نداشتم، به مسجد رفتم. یک مردی آمد آنجا، پیش‌نمازی کرد. مردم هم نماز خواندند. بعد رفت منبر، برای مردم صحبت کند. یک وقت من با کمال تعجب دیدم که فراش مسجد یک دامن سنگ آورد بالای منبر، تحویل این آقا داد. حیرت کردم که برای چیست؟ تا رسید به روضه و گریز. دستور داد چراغ‌ها را خاموش کردند. چراغ‌ها را که خاموش کردند، دیدم شروع کرد به سنگ پراندن به مستمعین. فریاد آخ سرم، آخ دستم، آخ سینه‌ام بلند شد، غوغا شد. بعد چراغ‌ها را روشن کردند. دیدم سرها مجروح شده و باد کرده و مردم در حالی که اشکشان می‌ریزد، بیرون می‌روند. رفتم سراغ او و گفتم: آقا این چه کاری بود کردی!

گفت: من امتحان کرده‌ام، اینها با هیچ روضه‌ای گریه نمی‌کنند. چون گریه بر امام حسین علیه السلام اجر و ثواب زیادی دارد و من دیدم راهش منحصر به این است که با سنگ به سر اینها بزنم، از این راه، اینها را می‌گریانم؛ چون هدف وسیله را مباح می‌کند. هدف، گریه بر امام حسین علیه السلام است؛ ولو اینکه آدم، یک دامن سنگ به سر مردم بزند.»^۱

از منظر اسلام، هدف، وسیله را توجیه نمی‌کند؛ بلکه صرفاً انجام وظیفه، ملاک است. اگرچه عزاداری برای امام از اهمیت خاصی برخوردار است، اما این به آن معنا نیست که باید با هر وسیله از مردم اشک گرفت. در قرآن گفته شده است: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۹۴.

مِثْلَهَا»؛^۱ یعنی کسی که کار خوب بکند، ده برابر پاداش می‌بیند و اگر کار بد کرد، فقط به اندازه آن کار بد، مجازات می‌شود.»

روزی درویشی دو نان دزدید؛ یکی را خورد و دیگری را صدقه داد؛ آن‌گاه با خود حساب کرد: چون دو نان دزدیده‌ام، مجازات من، پس دادن دو نان است و چون یک نان صدقه داده‌ام و احسان کرده‌ام، به پاداش آن، ده نان به من خواهند داد و من دو دانه آن را به مجازات دزدی خود می‌دهم و هشت نان، سود من است؛ با اینکه خود و دیگری سیر شده‌ایم. می‌گویند: این قضیه را برای امام جعفر صادق علیه السلام تعریف کردند. حضرت فرمود: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»؛^۲ یعنی فقط عمل انسان باتقوا پذیرفته می‌شود و چون در اصل عمل، تقوا نبوده است، احسان چنین شخصی نیز پذیرفته نیست و در واقع، احسانی انجام نداده تا ده برابر مزد داشته باشد.^۳

۳. چشم‌وهم‌چشمی

فضای معنوی عزاداری، اقتضا می‌نماید که مجالس عزاداری با اخلاص و عاری از هرگونه ریا برگزار شود. هرکدام از عزاداران و صاحبان مجلس، باید آداب عزای حسینی را رعایت کرده، مسائل دور از شأن اهل بیت علیهم السلام را ترک نمایند. متأسفانه، در برخی عزاداری‌های خانگی این امر رعایت نمی‌شود. بعضی عزاداران، تمام همت خود را بر اموری همچون: شکل برگزاری مجلس، شیوه پذیرایی از مهمانان، پوشش و لباس ظاهری خود، آراستگی و تجمل‌خانه،

۱. انعام: آیه ۱۶۰.

۲. مانند: آیه ۲۷.

۳. ابراهیم عاملی، تفسیر عاملی، ج ۳، ص ۲۶۵.

به‌رخ‌کشیدن ااث منزل می‌گمارند. گاهی برخی مجالس، به‌قدری مادی‌گرایانه است که شرکت‌کنندگان در آن، نه‌تنها به یاد رنج و مصیبت بزرگان دین نمی‌افتند، بلکه در تمام مدت حضورشان در آن مکان، به نداشته‌های خودشان فکر می‌کنند. بدیهی است که چنین روشی، هیچ‌سختی با فرهنگ دینی و انتظار معصومان علیهم‌السلام نداشته، نمی‌تواند منشأ تأثیر در افراد شرکت‌کننده باشد.

۴. زیاده‌روی در برگزاری عزاداری

یکی از آسیب‌های مجالس خانگی، زیاده‌روی در برگزاری این گونه جلسات است. خانواده‌هایی هستند که با وجود مشکلات فراوان، جلسات بسیاری را به این امر اختصاص می‌دهند. عده‌ای از خانم‌های برگزارکننده، با تعیین روزهایی با عدد خاص، مانند: چهارده روز، یک ماه، چهل روز، عرصه را برای دیگر اعضای خانه نیز تنگ می‌کنند و حتی به دلیل جلسات طولانی یا مکرر، شوهر و پسران برای مدت طولانی از خانه بیرون می‌روند و حتی فرزندان نوجوان، ساعت‌ها در کوچه و خیابان پرسه می‌زدند و در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار می‌گرفتند؛ ضمن اینکه گاهی بدون رضایت شوهر، مخارج سنگینی از این طریق بر خانواده تحمیل می‌شود که پیامدهای زیانباری به دنبال خواهد داشت.

طولانی‌شدن زمان جلسه نیز در نوع خود آسیب شمرده می‌شود و اسباب ناراحتی شرکت‌کنندگان و دیگر افراد را فراهم می‌کند. این روش، چنانچه بدون رضایت همسر باشد یا موجب آزار همسایگان را موجب گردد، ممنوعیت شرعی خواهد داشت؛ یعنی نه‌تنها پاداشی نصیب برگزارکننده نمی‌شود، بلکه مرتکب گناه نیز شده است.

۵. پوشش و آرایش نامناسب

شرکت در مراسم عزای امام حسین علیه‌السلام، آرامش و لذت خاصی به عزاداران می‌بخشد. در واقع، این آرامش، ناشی از فضای ویژه‌ای است که در مجالس حسینی به وجود می‌آید. در این مجالس، سخن از دیانت، معنویت، حقیقت و مظلومیت، با اشک و سوز همراه می‌شود و جان‌های خسته از زندگی‌های روزمره را دگرگون می‌کند. در نتیجه، عزاداران احساس پاکی، سبکباری و معنویت می‌کنند که این حالات، خود می‌تواند بیانگر نوعی از پالایش روحی باشد که با شرکت در مجالس عزای حسینی حاصل می‌شود.

متأسفانه، در برخی عزاداری‌ها این فضای معنویت به وجود نمی‌آید و مسائلی شکل می‌گیرد که عرصه معنوی عزاداری از بین می‌رود. یکی از آن مسائل، پوشش غیرمناسب برخی زنان است. بعضی خواهران در مجلس عزای امام حسین علیه‌السلام، از پوششی استفاده می‌نمایند که گویا در مجلس عروسی شرکت کرده‌اند. در حقیقت، عزاداری بهانه‌ای است برای لباس‌پوشیدن کذایی. همچنین، برخی خواهران، علاوه بر پوشیدن لباس نامناسب، آرایش هم می‌کنند و به بهانه اینکه مجلس زنانه است، مثل مجالس عروسی خود را آرایش می‌دهند؛ مثلاً از لاک استفاده می‌کنند؛ با این تفاوت که در مجلس عزاداری از لاک سیاه، و در عروسی از لاک‌های روشن و شاد استفاده می‌کنند. بعد از جلسه عزاداری نیز با همان لباس و آرایش، به خانه‌هاشان برمی‌گردند. بدیهی است که در طی این مسیر، با مردان نامحرم روبه‌رو می‌شوند؛ درحالی‌که زنان نباید آراستگی خویش را در معرض تماشای دیگران قرار داده، با لباس‌های نامناسب ظاهر شوند. این‌گونه حرکات، موجب بی‌مهری شوهر و رواج فساد در جامعه می‌گردد؛ روشی که در آموزه‌های اسلامی به‌شدت از آن نهی شده است:

«وَلَا يُبَدِّينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»^۱ زنان، زینت‌های خود را جز آن مقدار که آشکار است، برای دیگران آشکار نکنند.» و یا خداوند خطاب به زنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرَجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى؛^۲ همچون جاهلیت پیشین، زینت خود را آشکار نسازید.»

گذشته از این، شأن مجلس عزای حسینی اقتضا می‌کند، مسائلی از این دست، ترک یا کمتر شود و بیشتر به روح و هدف نهضت حسینی توجه گردد و در اندیشه زینت معنوی و لباس تقوا بود که برترین و زیباترین لباس‌هاست.

یکی از نویسندگان مراکشی، درباره عظمت دهه اول محرم در آن کشور می‌نویسد:

«در این ماه، زندگی اجتماعی تغییر محسوسی می‌یابد و مردم، آن بی‌تفاوتی و زندگی متعارف همیشگی را ندارند و بیشتر به محاسبه نفس و حیات دینی خود می‌پردازند. مردم، منقلب هستند و به طور طبیعی، آرایش و حتی خانه‌تکانی و فرش شستن را تجویز نمی‌کنند. سازوآواز تقریباً قطع می‌شود و مردم لباس عزا بر تن می‌کنند.»^۳

بنابراین، شایسته است که بانوان محترم، ضمن شرکت در مجالس امام حسین علیه السلام، شأن و وقار و متانت خویش را حفظ نمایند و با شیوه‌ای که مناسب یک زن مسلمان و علاقه‌مند به مکتب حسینی است، در مجالس و محافل عزاداری شرکت کنند و این امر مهم دینی را با پوشش نادرست و حرکات ناپسند،

۱. نور: آیه ۱۳.

۲. احزاب: آیه ۳۳.

۳. سید صالح شهرستانی، تاریخ النیاحه، ج ۲، ص ۴۷ و ۴۹.

به گناه آلوده نسازند.^۱

۶. اهمیت یافتن دستمزد بیشتر

در اینکه مداحان و روحانیان، باید از نظر مالی تأمین شوند، جای بحث نیست. یکی از راه‌های تأمین، از طریق مجالس عزاداری است. این امر، در تاریخ عزای امام حسین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام سابقه دارد؛ چنان‌که از شیوه‌های امامان علیهم السلام در برگزاری عزاداری بر امام حسین علیه السلام، استفاده از خطیبان و شاعران و افراد خوش صدا بود. به این افراد، «مُشِدُّ» می‌گفتند که معادل «مداح» امروزی بود و امامان علیهم السلام به شاعران متعهد، مانند: کمیت اسدی، دعبل خزاعی و سید حمیری صله می‌دادند.^۲ امام راحل رحمه الله نیز در این باره بر کمک‌های مردمی تأکید می‌نمود؛ اما این نباید در حدی باشد که گرفتن پول زیاد، تبدیل به رقابت گردد و یا مبلغ آن را از پیش تعیین نمایند؛ به طوری که تا فلان مبلغ به حساب مداح یا سخنران واریز نگردد، اقدام به مرثیه‌خوانی نخواهد کرد. امروزه متأسفانه، برخی برادران و خواهران مداح و سخنران، پول‌های فراوانی از این طریق می‌گیرند و گاهی صرفاً دعوت هیئتی را می‌پذیرند که پول بیشتری پیشنهاد بدهد. بدیهی است، وقتی مادیت و گرفتن دستمزد بیشتر ملاک قرار گیرد، محفل عزای حسینی از هدف اصلی خود فاصله می‌گیرد.

۷. بدعت‌گذاری

بدعت، به افزودن چیزی که در دین نیست، اطلاق می‌گردد و درحقیقت، ضد ارزش‌های اسلامی است. در عصر امام حسین علیه السلام، سنت نبوی از بین رفت و

۱. ر.ک: سعید داوودی و مهدی رستم‌نژاد، عاشورا؛ ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها و پیامدها، ص ۸۷.

۲. ابن فتنال نیشابوری، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۱، ص ۲۲۷.

سنت‌های اموی در قالب بدعت نمود پیدا کرد. از این رو، امام حسین علیه السلام خطاب به مردم بصره اعلام نمود: «من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله فرامی‌خوانم...»^۱

امروزه، در برخی عزاداری‌ها به‌ویژه عزاداری خانگی، کارهایی صورت می‌گیرد که منشأ دینی ندارد؛ بلکه طبق سلیقه و خواست‌های خود عزاداران انجام می‌شود؛ مثلاً در برخی عزاداری خوهران، رسم بر این است که وسایل پذیرایی رنگ خاص داشته باشند و بر سفره حضرت عباس علیه السلام حتماً خرما، حلوا، عدس پلو، آش، سبزی، پنیر، نان و شله‌زرد وجود داشته باشد. یا برخی بر این باورند که سفره حضرت زهرا علیها السلام باید همه چیزش سبز باشد؛ تسبیح سبز، سفره سبز، بشقاب و کاسه سبز. اگر یکی از این ظروف سبز نباشد، نذر مورد قبول خداوند قرار نمی‌گیرد! دادن برنامه‌های سلوک خودساخته، اذکار هزارگانه، نقل خواب‌ها و کرامات غیرواقعی، ایجاد هیجان عاطفی در مخاطبان بدون پشتوانه منطقی، چله‌نشینی‌های بدون برنامه کامل اخلاقی، ابداع سبک‌های بی‌اساس و حتی منافی با مظاهر و آموزه‌های دینی در جلسات مولودی یا روضه خانگی، از جمله آسیب‌های این گونه محافل باشد که ناشی از نوعی بدعت‌گذاری و انحراف در آن است.^۲

۸. فرصت‌سوزی

محرم، فرصت مناسبی است که می‌توان از آن در بیان معارف عاشورایی و آموزه‌های دینی استفاده نمود؛ همان‌گونه که اهل بیت علیهم السلام امام حسین علیه السلام

۱. ابن کثیر، البداية والنهاية، ج ۸، ص ۱۵۸؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۵، ص ۳۵۷.

فرصت‌سازی نمودند. امام سجاد و حضرت زینب علیها السلام با وجود اینکه اسیر بودند، زانوی غم در بغل نگرفتند و در هر جا که لازم بود، سخنرانی نمودند. خطبه زینب علیها السلام در کوفه و خطبه امام سجاد علیه السلام در شام، مردم کوفه و شام را منقلب نمود و به نهضت امام مصونیت بخشید؛ ما نیز باید از فرصت پیش‌آمده در ایام محرم خوب استفاده نمایم.

نایلتون بناپارت می‌گوید:

«ما باید برای برپایی یک همایش اجتماعی یا سیاسی، ده‌ها هزار کارت چاپ کنیم و با چه زحماتی آن کارت‌ها را به اشخاص برسانیم. از این گذشته، از ده‌ها هزار نفر تنها هزار نفر حاضر می‌شوند و کار ناتمام می‌ماند؛ ولی مسلمانان و شیعیان، با نصب یک پرچم سیاه در یک مکان، می‌گویند: ما می‌خواهیم برای حسین عزیزمان گریه کنیم. ده‌ها هزار نفر در ظرف دو ساعت، در مجلس جمع می‌شوند و همه مسائل سیاسی، اجتماعی و مذهبی خود را در مجلس حل‌وفصل می‌کنند.»^۱

با توجه به ظرفیتی که مجالس عزای حسینی از جنبه‌های گوناگون دارند، در برخی از عزاداری‌های خانگی، بعضی خواهران، پیش و پس از مراسم، به سخنان بیهوده یا به غیبت و تهمت اختصاص می‌دهند. گویا اینکه مجلس عزای برای درد و دل کردن و بدگفتن از این و آن شکل گرفته است! حال اینکه در روایات تأکید شده است که در مجلس امام حسین علیه السلام، معارف دین بیان گردد و مردم با فضایل اخلاقی آشنا شوند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أُحِبُّهَا، فَأَحْيُوا أَمْرَنَا، فَرَجَمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا؛^۲ چنین مجالسی را دوست می‌دارم.

1. <http://news.aqr.ir>

۲. عبد الله بن جعفر حیمیری، قرب الإسناد، ص ۳۶.

پس، امر (مکتب) ما را زنده نگه دارید. خداوند رحمت کند، کسی را که امر (مکتب) ما را احیا کند.»

۱۰. خرید و فروش

انجام کارهای مقدس و حضور در مشاهد مشرفه به منظور زیارت، آداب و شرایط خاصی دارد. از این رو، هرگاه به حرم امامی معصوم وارد می‌شویم، باید در فلان مکان فلان دعا را بخوانیم. عزای حسینی نیز آداب و شرایطی دارد. یکی از این شرایط، آن است که در این مجالس، آنچه درخور شأن امام حسین علیه السلام است، انجام پذیرد.

متأسفانه، برخی این‌گونه مجالس روضه‌خانگی را فرصتی برای عرضه کالا و خرید و فروش می‌دانند. برای سودجویی بیشتر. بدیهی است با گسترش این امر، عزاداری تحت تأثیر اغراض مادی قرار خواهد گرفت و شرکت در مجلس روضه‌خوانی، خالصانه نخواهد بود. برخی نیز قرعه‌کشی و ام‌های خانگی را در این مجالس انجام می‌دهند؛ اگرچه این کار، حرام نیست، اما می‌توان این‌گونه امور را به وقتی دیگر وانهاد و شأن و احترام مجلس عزارا حفظ کرد.

۱۱. مباحث سیاسی

یکی از ویژگی‌های فکری و عملی در نهضت عاشورا بصیرت و بینش امام علیه السلام و یارانش بود. این موضوع، راه و عمل آنان را بسیار بزرگ و برجسته نمود. آنان به‌خوبی می‌دانستند که در یک جنگ نابرابر شرکت کرده‌اند و احتمال پیروزی ظاهری در آن نمی‌رود. از این رو، یاران امام با رشد فرهنگی و سیاسی، معرفت عمیق از امام و نیز شناخت دشمنان، به امام و مقتدای خویش، حسین بن علی علیه السلام پیوستند. از سوی دیگر، شهادت امام حسین علیه السلام، به جامعه اسلامی

رشد سیاسی داد و مردم را از سردرگمی نجات داد. پس از این حادثه دل خراش، جامعه دریافت که رژیمی مستبد است که می‌خواهد جامعه را به جاهلیت نخستین برگرداند.^۱ در زیارت اربعین می‌خوانیم: «وَ بَدَلَ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لَيْسَتْ نَقْدَ عِبَادِكَ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ حَيْرَةِ الْجَهَالَةِ»^۲ او (حسین)، خون پاکش را در راه تو نثار کرد تا بندگان را از جهالت و حیرت گمراهی نجات دهد.»

عزاداری نیز فرصت شایسته‌ای برای عمق‌بخشی اندیشه و رشد فکر سیاسی است. باید مداحان، سخنرانان و روضه‌خوانان، بلوغ سیاسی مردم را افزایش دهند و فرهنگ ظلم‌ستیزی و استکبارزدایی را نهادینه کنند؛ البته باید توجه داشت که اندیشه‌سازی سیاسی، غیر از جناح‌بندی سیاسی است. امروزه، در بعضی مجالس روضه‌خوانی خانگی، برخی خواهران از بعضی جناح‌های سیاسی حمایت می‌کنند و علیه برخی جناح‌ها موضع می‌گیرند. این‌گونه، عزای حسینی را به جنگ جناح‌گرایی تبدیل می‌کنند.

از همه مهم‌تر اینکه عزاداری امام حسین علیه السلام، محور وحدت است و همه جناح‌ها باید کنار همدیگر به احیای این سنت قیام نمایند و همگی احیاگر نهضت حسینی باشند.

امام خمینی علیه السلام، می‌فرماید:

«همه ما باید بدانیم که آنچه موجب وحدت بین مسلمین است، این مراسم سیاسی، مراسم عزاداری ائمه اطهار علیهم السلام، به‌ویژه سید مظلومان و سرور شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام است

۱. محمد مهدی شمس‌الدین، ثورة الحسین، ص ۲۵۶.

۲. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۲۲۸.

که حافظ ملیّت مسلمین، به‌ویژه شیعیان ائمّه اثنی عشر علیهم‌السلام می‌باشد.»^۱

ماربین آلمانی نیز می‌گوید:

«هیچ‌چیز مانند عزاداری حسینی، نتوانست در مسلمانان بیداری سیاسی ایجاد کند.»^۲

۱. امام خمینی رحمته‌الله، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۴۰۰.

۲. سعید داوودی و مهدی رستم‌نژاد، عاشورا؛ ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها و پیامدها، ص ۷۴.

منابع

الف) كتب

- ابن ابى الحديد، شرح نهج البلاغه، بيروت: دار احياء التراث العربى، چاپ دوم، ۱۳۸۷ش.
- ابن اثير، أسد الغابة فى معرفة الصحابة، مصر: جمعية المعارف المصرية، ۱۲۸۵ق.
- ابن بابويه، محمد بن على (شيخ صدوق)، الامالى، قم: مؤسسه بعثت، ۱۴۰۷ق.
- _____، التوحيد، قم: دفتر انتشارات اسلامى، ۱۳۹۸ق.
- _____، الخصال، قم: مؤسسة النشر الاسلامى، ۱۴۱۴ق.
- _____، أمالى، تهران: نشر كتابچى، ۱۳۷۶ش.
- _____، عيون اخبار الرضا عليه السلام، نشر جهان، چاپ اول، ۱۳۷۸ق.
- _____، ما يحضره الفقيه، تحقيق على اكبر غفارى، قم: مؤسسة النشر الاسلامى.
- ابن حجر عسقلانى، احمد بن على، الاصابة فى تمييز الصحابة، بيروت: دار الكتب العلمية.
- ابن شعبه حرانى، حسن بن على، تحف العقول، قم: نشر جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- ابن طاووس، على بن موسى، اللهوف على قتلى الطفوف، تهران: دار الأسوة، ۱۴۲۲ق.
- ابن قولويه، جعفر بن محمد، كامل الزيارات، تصحيح عبدالحسين امينى، نجف: دار المرتضوية، چاپ اول، ۱۳۵۶ش.
- ابن كثير، البداية والنهاية، بيروت: دار الفكر، ۱۴۰۷ق.
- ابن نما حلى، جعفر بن محمد، مثير الأخران، قم: مدرسة امام مهدي عليه السلام، چاپ سوم، ۱۴۰۶ق.
- احسان بخش، صادق، نقش دين در خانواده، رشت: مؤلف، ۱۳۷۲ش.
- اربلى، على بن عيسى، كشف الغمة فى معرفة الأنمة، تبريز: بنى هاشمى، چاپ اول، ۱۳۸۱ق.

- اشتهاردی، محمدمهدی، زنان مردآفرین، تهران: نبوی، چاپ دوم، بهار ۱۳۷۶ ش.
- امین، سید محسن، اعیان الشیعة، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- امینی، ابراهیم، جوان و همسر گزینی، قم: بوستان کتاب، چاپ پنجم.
- _____، آیین همسررداری، قم: دفتر نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۸۹ ش.
- _____، همسررداری، قم: انتشارات بوستان کتاب، چاپ بیست‌وهشتم، ۱۳۸۸ ش.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، حلیة الأبرار فی أحوال محمد وآله الأطهار علیهم‌السلام، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ ق.
- بحرانی، عبدالله، عوالم العلوم والمعارف والاحوال من الآیات والأخبار والأقوال، قم: مدرسة الامام المهدي علیه‌السلام، ۱۳۶۳ ش.
- بهشتی، احمد، خانواده در قرآن، قم: مؤسسه تحقیقات نشر معارف اهل بیت علیهم‌السلام.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، تصنیف غرر الحکم، قم: دفتر تبلیغات، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش.
- _____، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الکتاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
- _____، غرر الحکم و درر الکلم، مکتب الاعلام اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
- _____، غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق حسین بیرجندی، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۶ ش.
- _____، غرر الحکم و درر الکلم، قم: انتشارات امام عصر علیه‌السلام.
- جعفری، محمدتقی، تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
- جمعی از نویسندگان، بصیرت پرچمداران، اداره آموزش‌های عقیدتی سیاسی نماینده ولی فقیه در سپاه، ۱۳۷۷ ش.
- جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، گلشن ابرار، قم: معروف، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
- جوهری، شکیاسادات، معماران تربیت: منزلت زن از دیدگاه اسلام و رهبران انقلاب اسلامی، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۷ ش.
- حافظ شیرازی، دیوان، تهران: کتاب‌فروشی شهشانی، ۱۳۲۵ ش.

حائری اسکویی، موسی، احقاق الحق، به کوشش: محمد عیدی خسروشاهی، [بی جا]: نشر روشن ضمیر، ۱۳۸۸ ش.

حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.

حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، بیروت: دار احیاء التراث العربیة، الطبعة الخامسة، ۱۴۰۳ ق.

حسینی فیروزآبادی، مرتضی، فضائل الخمسة من الصحاح الستة وغيرها من الكتب المعتمدة عند اهل السنة والجماعة، نجف: دار الكتب الاسلامیة، ۱۳۸۴ ق.

حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله. خوارزمی، مقتل الحسين، قم: انوار الهدی، ۱۴۱۸ ق.

خوانساری، جمال الدین، شرح بر غرر الحکم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش.

دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب، قم: ناصر، ۱۳۷۹ ش.

دیلماتو، رابین ام، روان شناسی سلامت، ترجمه کیانوش هاشمیان و همکاران، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۸ ش.

رازی، شیخ ابوالفتوح، روح الجنان و روح الجنان، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: انتشارات اسلامیة، ۱۳۸۲ ش.

رجایی، غلام علی، برداشت هایی از سیره امام خمینی رحمته الله، تهران: عروج، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.

رستمی نژاد، مهدی، عاشورا؛ ریشه ها، انگیزه ها، رویدادها و پیامدها، قم: مدرسه علی بن ابی طالب علیه السلام.

رشیدالدین میبدی، ابوالفضل، کشف الاسرار و عُدّة الأبرار، به کوشش علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۸ ش.

رودباری، زهرا، بررسی خشونت و مدارا از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور اراک، ۱۳۹۴ ش.

ریس، شان و رودریک س. گراهام، آموزش ابراز وجود: چگونه همان کسی باشید که واقعاً هستید؟، ترجمه منیژه شهنی بیلاق و همکاران، اهواز: انتشارات دانشگاه شهید چمران، ۱۳۷۹ ش.

السباعی، مصطفی، المرأة بین الفقه والقانون، قاهره: دار الاسلام، ۱۹۹۸ م.
سبط بن جوزی، تذکرة الخواص، تحقیق حسین تقی‌زاده، قم: مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۳۸۳ ش.

سعدی شیرازی، گلستان، تصحیح عزیزالله علیزاده، تهران: فردوس، ۱۳۸۸ ش.
سیوطی، عبدالرحمن، الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۱ ق.

شاکری، حسین، العقیلة والفواطم، [بی‌جا]: چاپخانه ستاره، [بی‌تا].
شبستری، محمد، المرأة فی الفكر الاسلامی المعاصر: قضايا واشکالیات، بیروت: دار الهمدانی، ۲۰۰۸ م.

شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تصحیح دکتر صبحی الصالح، بیروت. _____، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم: مؤسسه دار الهجرة، ۱۴۱۴ ق.

شمس‌الدین، محمدمهدی، ثورة الحسین علیه‌السلام، بیروت: نشر دار التعارف.
شهرستانی، سید صالح، تاریخ النیاحة، تهران: مطبعة اتحاد، ۱۹۷۳.
شولتز، داوون‌پی و سیدنی آلن شولتز، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: انتشارات هما، ۱۳۷۷ ش.

شیخ مفید، الارشاد، قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام، ۱۴۱۳ ق.
شیروانی، علی، نهج الفصاحة، قم: انتشارات دار الفکر.
صالحی، علی محمد، پاسداشت حریم همسر، قم: مؤسسه طریق معرفت ثقلین، ۱۳۹۴ ش.

صحتی سردرودی، محمد، عاشورا پڑوهی، [بی جا]: خادم الرضا علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.

الطبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، بیروت: دار إحياء التراث العربی، الطبع الثاني.

طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.

_____، الإحتجاج علی أهل اللجاج، نجف: دار النعمان للطباعة والنشر، ۱۳۸۶ ق. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، تحقیق علاء آل جعفر، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق.

طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۷ ق.

_____، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.

طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم والملوک، بیروت: دار التراث، ۱۳۸۷ ق.

طهماسبی، احمد، چگونگی خوب سخنرانی کنیم، قم: انتشارات تحسین.

عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، تهران: انتشارات صدوق، ۱۳۶۰ ش.

عسگری، فاطمه، سیره اخلاقی علما، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۸ ش.

علی اکبر دهخدا، لغت نامه، زیر نظر جعفر شهیدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ ش.

علی بن حسین علیه السلام، الصحیفة السجادية، قم: دفتر نشر الهادی، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.

علیخانی، علی اکبر، گسست نسل‌ها، تهران: نشر پژوهش‌شکده علوم انسانی و اجتماعی، ۱۳۸۲ ش.

عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، با نظارت فرهاد قربانزاده، تهران: اشجع، ۱۳۸۷ ش.

- غزالی، محمد، کیمیای سعادت، به کوشش حسین خدیو جم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، قم: انتشارات رضی، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.
- _____، روضة الواعظین، تحقیق حسین اعلمی، بیروت: مؤسسة الاعلمی، ۱۴۰۶ ق.
- فخرایی، ابراهیم، سردار جنگل، تهران: جاویدان، چاپ چهارم، ۱۳۵۱ ش.
- فلسفی، محمدمتقی، بزرگسال و جوان، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
- فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیر الصافی، تهران: انتشارات صدر، ۱۴۱۵ ق.
- قائمی، علی، خانواده و مسائل جنسی کودکان، انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸ ش.
- _____، نظام حیات خانواده در اسلام، تهران: انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۷ ش.
- قزائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
- قمی، شیخ عباس، منازل الآخرة، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۹ ق.
- _____، نفس المهموم، ترجمه ابوالحسن شعرانی، تهران: اسلامیه.
- کاوه، سعید، مداخله و مشکل‌آفرینی در زندگی همسران، تهران: سخن، ۱۳۸۷ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
- _____، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، بیروت: چهارم، ۱۴۰۱ ق.
- _____، خلاصه‌ای از اصول کافی، ترجمه علی اصغر خسروی شبستری، تهران: انتشارات امیری، ۱۳۵۱ ش.
- _____، فروع کافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم والمواعظ، قم: دار الحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
- مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال، نجف: المطبعة المرتضویة، ۱۳۵۲.
- متقی هندی، علی بن حسام‌الدین، کنز العمال، بیروت: مکتب التراث الاسلامی، ۱۳۹۷ ق.
- مجلسی، محمداقبر، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

- _____ ، بحار الأنوار، بیروت: دار الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- _____ ، بحار الأنوار، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش.
- محدثی، جواد، پیام‌های عاشورا، قم: انتشارات زمزم هدایت، چاپ هفتم، ۱۳۸۵ش.
- محمدری شهری، محمد، میزان الحکمة، قم: مؤسسه دار الحدیث، ۱۳۷۷ش.
- مصباحی، قدس ایران، بانوی بزرگ انقلاب (یادمان زندگی و خدمات همسر امام خمینی)، تهران: نشر عروج، چاپ اول، ۱۳۸۸ش.
- مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، قم: انتشارات صدرا.
- _____ ، مجموعه آثار، قم: انتشارات صدرا.
- _____ ، مسئله حجاب، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۸ش.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، ویرایش جعفر شهیدی، تهران: امیر کبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲ش.
- مهدی، موسوی کاشمری، روش‌های تربیت، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ش.
- موسوی، سید علی اصغر، فاطمه (س) مادر تمام خوبی‌ها، مازندران: هاوژین، ۱۳۹۴ش.
- مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، مثنوی معنوی، تصحیح نیکلسون.
- میزبانی، مهناز، شیفته خدمت: نگاهی به زندگی شهید بهشتی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۴ش.
- نصیری، علی، آیین همسر گزینی، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۹ش.
- نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل‌البتیة، ۱۴۰۷ق.
- هاشمی، سید مجتبی، تربیت و شخصیت انسانی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۷۴ش.
- هاشمی‌نژاد، عبدالکریم، درسی که حسین علیه السلام به انسان‌ها آموخت، تهران: مؤسسه فراهانی.
- هنسن، جوزف، آرایش، مد و بهره‌کشی از زنان، ترجمه افشنگ مقصودی، تهران: گل‌آذین، ۱۳۸۶ش.
- واتقی، محمدحسین، مطهری اندیشه‌ها، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۴ش.

واحد فرهنگی بنیاد شهید، او به تنهایی یک ملت بود، تهران: بنیاد شهید، ۱۳۶۱ ش.

یونسی، جلال، مدیریت روابط زناشویی، تهران: قطره، ۱۳۸۸ ش.

Maffei G, Fossati A. [I disturbi di personalità: prospettive della ricerca in psicologia clinica per laprassi medica generale]. Ricerche di Psicologia 1997.

(ب) نشریات

اصول بهداشت روانی، سال ۱۳، ش ۳، پاییز ۱۳۹۰ ش.

اطلاعات هفتگی، ش ۱۲۰۶.

الهیات و حقوق، ش ۱۷، ۱۳۸۴ ش.

پژوهش نامه زنان، ش ۸، ۱۳۹۲ ش.

پژوهش های روان شناختی، ش ۱، ۱۳۷۷ ش.

پیام زن، ش ۵۶، آبان ۱۳۷۵ ش؛ ش ۲۷۴، دی ماه ۱۳۹۳ ش؛ ش ۲۷۶، اسفند

۱۳۹۳ ش.

تربیت اسلامی، سال ششم، ش ۱۳، ۱۳۹۰ ش.

حضور، ش ۶۸، بهار ۱۳۸۸ ش.

حواء، ش ۳۲۷.

حوزه و دانشگاه، سال هشتم، ش ۳۱، ۱۳۸۱ ش.

دانش انتظامی، سال یازدهم، ش ۳، ۱۳۸۹ ش.

درس هایی از مکتب اسلام، سال ۲۱، ش ۱۰، دی ۱۳۶۰ ش.

روزنامه اطلاعات، یکشنبه ۱۹ شهریور ۱۳۹۱ ش.

زن روز، ش ۸۹۲، آبان ۱۳۶۱ ش.

زن روز، ش ۸۹۲، آبان ۱۳۶۱ ش.

علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، ش ۱۷، پاییز

۱۳۸۳ ش.

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال ۱۰، ش ۳۸.

فصلنامه علمی - ترویجی دانشگاه اسلامی، سال سیزده.

مدیریت اسلامی، سال بیستم، ش ۲، ۱۳۹۱ ش.

مطالعات اسلامی، ش ۶۳، ۱۳۸۳ ش.

مطالعات راهبردی زنان، سال ۱۳، ش ۴۹، پاییز ۱۳۸۹ ش.
معرفت، ش ۳۵، شهریور ۱۳۷۹ ش.

ج) پایگاه‌های اینترنتی

<http://fararu.com>
<http://mortezamotahari.com>
<http://tnews.ir>
<http://velaiatnews.com>
www.aftabir.com
www.mehrnews.com
www.shoma-weekly.ir
<http://news.aqr.ir>: آستان قدس رضوی
<http://lawyernews.ir>: پایگاه اطلاع‌رسانی حقوقی ایران
www.tabnak.ir: تابناک
www.tebyan.net: تبیان
www.jamejamonline.ir: جام جم
www.jonbeshnet.ir: جنبش
www.tasnimnews.com: خبرگزاری تسنیم
www.ofc.ir: خبرگزاری مهر
www.amar.org.ir: درگاه ملی آمار
www.irinn.ir: سایت شبکه خبر

